پیام آبادگران

ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

۳۵۸ No. 358, Sharivar 1396 (Sept . 2017)

سال ۳۳ | شهریور ماه ۱۳۹۶ | شماره ۳۵۸ دوره جدید ۱۲۸ | قیمت ۲۰۰۰۰ ریال

سراب رونق در باتلاق قیمت

تبعات قیمت‌های غیرواقعی در مناقصات عمرانی

۱۰

دولت دوازدهم؛ فرصت بزرگ و خطر در کمین ۸

گزارش ۶ ماهه سندیکا ۱۴

منبع تورم را نباید در دستمزد کارگران جستجو کرد ۳۳

رونق غیرتورمی چگونه؟ ۴۶

به نام
خداوند
جان و
خرد

فهرست مطالب

دولت دوازدهم؛ فرصت بزرگ و خطر درکمین- سرمقاله ۸
شیوه‌ای با عملکرد معکوس ۱۰
گزارش ۶ ماهه سندیکا ۱۴
منافع و چالش‌های تأمین مالی خارجی و مهندسی ۲۰
بحران آب در ایران، علت‌ها و راهکارها ۲۲
گفت و گو با مهندس شعبان یوسفیان ۲۶
ترموالکتریک آینده چیلرها – ۳۰
مناظره رادیویی با موضوع دستمزد و تورم ۳۳
با من بخوان - ۳۶
برنامه دولت برای آب‌های ژرف – ۳۸
رویکرد غیرعلمی در تعیین نرخ بهره– ۴۲
گفتگو با خانم مهندس ایلناز رنجپور ۴۴
ایده دکتر عقیلی درباره رونق غیرتورمی ۴۶
غروب ارژن و پریشان در فارس ۴۸
پاگرد ۵۰
بناهای ماندگار هوشنگ سیحون ۵۲
جهانی شدن اقتصاد یا ملی گرایی؟ ۵۶
گفت و گو با مدیرعامل شرکت محورماشین ۵۹

پیام آبادگران

ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies

Monthly Magazine

سال ۳۳ | شهریور ماه ۱۳۹۶ | شماره ۳۵۸ دوره جدید ۱۲۸

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

شورای سیاست‌گذاری:
- مهندس منوچهر ملکیانی‌فرد (نماینده هیأت مدیره)
- مهندس جواد خوانساری (مدیرمسئول)
- مهندس بهمن دادمان (رئیس هیأت مدیره)
- دکتر ایرج گلابتونچی(دبیر سندیکا)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سردبیر)

رئیس کمیسیون انتشارات:
- مهندس علی ورزنده

سردبیر:
- مهندس محمود مصطفی‌زاده

کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس محمدعلی پور شیرازی (کمیسیون عضویت و پیگیری)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس علاءالدین سادات باریکانی
- مهندس پرهام سیدین

صاحبان آثار:
- دکتر پرویز عقیلی
- مهندس شعبان یوسفیان
- دکتر اسماعیل طلوعی
- مهندس آرش تابع قانون
- خانم آرزو نوری
- دکتر محمود سریع القلم
- مهندس محمود غلامی
- دکتر محمود جامساز
- زهره قایینی

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا
خبرنگار: آرزو نوری
عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
امور آگهی‌ها : سید مهدی برقی

لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

تهران،خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶،
ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱
تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱ – ۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴
پست الکترونیکی: payamabadgaran@yahoo.com
نشانی الکترونیکی: www. acco.ir

نوشته های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است، درضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

دولت دوازدهم؛ فرصت بزرگ و خطر در کمین

سرمقاله

نیمه دوم دولت جناب آقای دکتر روحانی به عنوان فرصت بزرگ برای اقتصاد ایران نام گرفته است. مختصات این دوره با دوره دولت اول ایشان متفاوت است. در این دوره دولت محترم یک کارنامه پیش رو دارد. کارنامه‌ای که نشان دهنده همه واقعیت‌های کشور و دستاوردهای دولت تدبیر و اعتدال است. قاطبه صاحبنظران اجماع نظر دارند که در این دوره تن تبدار اقتصاد ایران نیازمند یک درمان اساسی است. اما مشکل از نقطه‌ای آغاز می‌شود که همه چیز درباره بهبود یا وخامت حال این بیمار به دستان طبیبی به نام دولت سپرده شده است. ولو آنکه آن دولت به تدبیر و تصمیم‌گیری خردمندانه باور داشته باشد. چرا که دولت هنوز میان شعارها و گفتمان خودش با تحقق وعده‌هایش فاصله ملموسی را مشاهده می‌کند.

در این وادی تکلیف بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی روشن است. به بیان دیگر میان دولتمردان تصمیم‌گیر با فعالان اقتصادی بر سر این که «مهم‌ترین مسائل جامعه امروز ایران چیست» اختلاف نظر جدی موجود نیست. حتی اگر به گزارش مراجع اقتصاد جهانی هم رجوع کنیم پاسخی مشابه این خواهیم شنید که اقتصاد ایران همچنان از معضل رکود و بی‌تحرکی رنج می‌برد، خطر ورشکستگی و تعطیلی در کمین بسیاری از بنگاه‌ها و مراکز تولیدی و شرکت‌های فعال در حوزه عمران نشسته است. در اثر تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها، وجود موانع کسب و کار، رقابت‌های ناعادلانه، استیلای بخش خصولتی بر بخش خصوصی و... گشایش و اعتماد لازم برای سرمایه‌گذاری فراهم نشده است.

طبق آنچه رئیس جمهوری محترم در طول تشریح مباحث اقتصادی خویش به کرات ترسیم کرده‌اند، تیم تصمیم‌گیر در دولت قرار بود برای تخفیف یا مهار بحران‌های یاد شده چند گام میان‌مدت و کوتاه‌مدت بردارد. این گام‌های راهگشا را شخص رئیس جمهوری در مناسبت‌های مختلف به عنوان «تعهدات اقتصادی دولت دوازدهم» گوشزد کرده‌اند که شامل؛ سوق دادن اعتبارات و تسهیلات بانکی به سمت تولید (اصل خروج از رکود) اصلاح روند واگذاری شرکت‌ها و مراکز صنعتی به خصولتی‌ها یا شرکت‌های شبه‌دولتی (اصل اصلاح چرخه خصوصی‌سازی) سامان دادن به هزینه‌های جاری و عمرانی دولت (اصل چابک‌سازی و کوچک‌سازی دولت) بوده است.

حال به روند تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد دولت دوازدهم بر اساس این ۳ شاخص نگاه افکنیم. دولت محترم در نیمه اول فعالیت خود یعنی ۹۲ تا ۹۶ همت و تلاش خود را بر رشد اقتصادی مناسب و تورم تک رقمی‌صرف کرد و در این مسیر به توفیقات نسبی دست یافته اما آثار عینی این دستاورد زمانی لمس خواهد شد که بتواند ابر چالش‌هایی که ثبات اقتصاد را به مخاطره انداخته‌اند را مهار کند. زیرا چنان که دستیار اقتصادی دکتر روحانی (دکتر مسعود نیلی) تاکید می‌کند بهبود وضعیت کنونی اقتصاد در گرو اصلاح ساختار است چرا که ساختار موجود نمی‌تواند سوخت مورد نیاز را برای تداوم رشد اقتصادی فراهم کند.

به تعبیر دیگر باید دید خروجی تصمیم‌ها و اقدامات دولت دوازدهم چه اندازه در بهبود شاخص‌های مربوط به ابرچالش‌های ۶گانه اقتصاد ایران (بحران منابع آب، مسائل زیست‌محیطی، صندوق بازنشستگی، بودجه دولت، نظام بانکی و بیکاری) اثرگذار خواهد بود.

یکی از واقعیت‌های پیش روی فعالان اقتصادی که بر کارنامه دولت دوازدهم سایه می‌اندازد این است که جریان معیوب خصوصی‌سازی به ریل اصلی خود بازنگشته است. کافی است در این باره به بیانیه‌ها و مواضع اتاق بازرگانی به عنوان نماینده بخش خصوصی نگاه افکنیم که از تداوم سلطه شرکت‌های شبه‌دولتی یا خصولتی‌ها اعتراض سر می‌دهد. این در حالی است که رئیس جمهوری در مناسبت‌های مختلف از منطق واگذاری و میدان‌داری بخش خصوصی دفاع کرده است و علت‌العلل ناکارآمدی و فساد در اقتصاد ایران را رانت‌های ناشی از سلطه خصولتی‌ها خوانده است. سخنی که نه تنها فعالان این حوزه بلکه دردشناسان دلسوز و اقتصاددانان صاحب‌نظر نیز بر آن تاکید دارند. اما در عمل این روند همچنان ادامه دارد.

در مجموعه دولت دوازدهم هیچ وزیری نیست که از ضرورت شکست انحصارات و برچیدن امتیازات از اقتصاد ایران سخن نگوید اما آنچه در عمل اتفاق افتاده تناسب چندانی با شعارها و وعده‌ها ندارد. در خوشبینانه‌ترین حالت براساس آمار و ارقام ارائه شده کمتر از ۲۰٪ واگذاری‌ها به بخش خصوصی بوده است، مابقی واگذاری‌ها به بخش دولتی یا مجموعه‌های وابسته به دولت انجام شده است. بنابراین با این شیوه و روش به اهدافی که قانون‌گذار در برنامه ششم توسعه به دنبال آن بود نمی‌توان امید چندانی داشت. مثال روشن

موضوعی به نام تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها، وضعیت بلاتکلیف پروژه‌ها و طرح‌های نیمه‌تمام است که چرخه تصمیم‌گیری کشور در این باره همچنان به کندی می‌چرخد. خسارات ناشی از این اتفاق بارها بر اساس معیارهای روشن از سوی کارشناسان بیان شده است. طرح‌هایی که بعضا هزینه‌های گزافی را بر اعتبارات عمرانی دولت تحمیل کرده اما چشم‌انداز روشنی درباره بازدهی آنها وجود ندارد.

به بحث بودجه دولت و توزیع منابع و درآمدهای آن نگاه افکنیم که طبق گفته دکتر نیلی یکی دیگر از ابرچالش‌های اقتصادی در دور جدید است. آنگونه که از گزارش منابع رسمی پیدا است و با استناد به آمارهای بانک مرکزی نحوه هزینه‌کرد درآمدها نشان می‌دهد در سال‌های ۹۲ تا آبان ۹۵ نسبت هزینه‌های عمرانی به هزینه‌های جاری ۱۶،۹ درصد بوده است. این نسبت با آن چیزی که رئیس جمهوری در خصوص سنگینی کفه هزینه‌های عمرانی وعده داده بود فاصله‌ای فاحش دارد. بر اساس لایحه بودجه ۹۶، هزینه‌های جاری دولت رقم ۲۵۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که نسبت به سال‌های ابتدای شروع به کار دولت رشد قابل توجهی داشته است. بر این اساس هزینه‌های جاری دولت از سال ابتدایی تا آخرین سال فعالیت دولت یازدهم بیش از دوبرابر دچار افزایش شده است. نکته مهم در این خصوص آن است که درآمد نفتی کشور کاهش چشمگیری پیدا کرده است. این اعداد و ارقام به ما می‌گوید دولت دیگر اقتدار مالی سابق را ندارد و فعال مایشاء در این حوزه‌ها نیست بلکه مانند سرپرست خانواری می‌ماند که گرفتار معیشت و نیازهای روزمره اعضای خانواده شده و به طور مداوم با کاهش درآمدهای سابق و افزایش هزینه‌های جاری مواجه است. این معادله به معنای آن است که دولت ولو اینکه بخواهد توان چندانی برای توسعه زیرساخت‌های عمرانی ندارد. از طرف دیگر می‌دانیم که لااقل در وضع موجود بخش خصوصی فعال در حوزه عمرانی نیز توان سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه عمرانی و سازندگی کشور ندارد. پس در این شرایط نامناسب چه باید کرد؟

ماهیت این گره در اقتصاد کشور بر همگان مبرهن است. راه‌حل‌ها نیز چندان متنوع نیست که بتوان منتظر ماند و دید که دولت محترم بر اساس چه پشتوانه مطالعاتی کدام طرح را سامان می‌دهد. اکنون در شرایطی نیستیم که حق انتخاب زیادی داشته باشیم. لااقل چنین می‌نماید که مهمترین و اصلی‌ترین راه عبور از این وضعیت آن است که موانع فعالیت و کسب و کار را از پیش روی بخش خصوصی برداریم. اهمیت این رویکرد در فعالیت‌های عمرانی چه بسا مهمتر است. نمایه‌های کارنامه دولت یازدهم نشان می‌دهد بخش خصولتی همچنان سهم بزرگی از اعتبارات تملک دارایی دولت را تصاحب می‌کند حال آنکه در قیاس با فعالیت بخش خصوصی کمترین ارزش افزوده از این ناحیه نصیب اقتصاد کشور می‌شود. اگر دولت محترم عزم خود را جزم کند که شعارهایش را محقق کند باید گام‌های جدی‌تری در راستای زدودن زنگار از چهره قوانین کسب و کار بردارد. رتبه ۱۲۰ ایران در جدول شاخص‌های توسعه کسب و کار نه شایسته کشور است و نه زیبنده شأن مردمی است که در انتخابات ریاست جمهوری اخیر خواهان بهبود وضعیت اشتغال، معیشت و شاخص‌های توسعه کشور بر اساس اصول خردمندانه، شفاف و قانونی شدند. استیلای بخش خصولتی بر اعتبارات حوزه عمرانی منجر به افزایش سطح بیکاری، کاهش کارآفرینی و اشتغال، کاهش قدرت صندوق‌های بازنشستگی و بیمه تامین اجتماعی و تداوم شکاف‌های اقتصادی و افزایش فشارهای مالی بر سازمان‌های خیریه و کمیته امداد و... می‌شود. چرا که فعال مایشاء بودن بخش خصولتی به معنای کاهش توان مالی بخش خصوصی و کاهش نیروی انسانی آنها و کاهش امکان سرمایه‌گذاری این بخش در سازندگی و عمران کشور است. این اتفاق معنایی جز افزوده شدن بر نابسامانی موجود اجتماعی و تنش‌های حرفه‌ای و شغلی جامعه نیست. علاوه بر این در درازمدت توان فناوری و صنعتی کشور در حوزه عمران را تحت تاثیر قرار داده و همه دانش و سرمایه تاریخی بخش خصوصی را از بین می‌برد. به عنوان مثال سندیکایی مانند سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران فراز و نشیبی ۷۰ ساله در توشه خود دارد و به عنوان یک سرمایه اجتماعی و ملی محسوب می‌شود. بخش خصوصی توانمند حوزه عمرانی که در گذشته حتی در مواقع بحران و جنگ به یاری دولت می‌شتافت اکنون در محاصره مشکلات ناشی از نبود قوانین شفاف و هدفمند فعالیت و رقابت گرفتار مانده است. اگر دولت محترم بر اساس ارزیابی دقیق از عملکرد چهار ساله خود و رویکرد علمی و اقتصادی چاره‌جویی نکند، چنین سرمایه‌هایی همچنان تضعیف خواهند شد. حساسیت رونق بخش عمرانی چنان است که کارشناسان معتقدند بخش عمرانی نقش پیشرانی در اقتصاد کشور دارد و تحرک در این بخش سایر بخش‌ها را نیز به رونق می‌کشاند. بنابراین ضرورت دارد که دولت بازار سرمایه و بانک‌ها را به حضور در این بخش و تامین نقدینگی آن تشویق کند. حال آنکه بر اساس حقایق آماری، دولت باید خود را آماده کناره‌گیری از عرصه عمرانی بکند. چرا که دیگر هزینه‌های دولت امکان و اجازه سرمایه‌گذاری کلان را نمی‌دهد. بسترسازی برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی و تشویق و ترغیب بخش خصوصی تنها راهی است که دولت برای جبران خلأ خود دارد. ناگفته پیداست که سرمایه‌گذار خارجی و سرمایه‌گذاری نیازمند بستری است که اکنون مهیا نیست اما فرصت دوم دولت جناب روحانی و حاکمیت خردمندی و عقلانیت بر این دولت، امید به اصلاح روند معیوب را در شریان‌های جامعه زنده نگه داشته است.

فعال مایشاء بودن بخش خصولتی به معنای کاهش توان مالی بخش خصوصی و کاهش نیروی انسانی آنها و کاهش امکان سرمایه‌گذاری این بخش در سازندگی و عمران کشور است. این اتفاق معنایی جز افزوده شدن بر نابسامانی موجود اجتماعی و تنش‌های حرفه‌ای و شغلی جامعه نیست. علاوه بر این در درازمدت توان فناوری و صنعتی کشور در حوزه عمران را تحت تاثیر قرار داده و همه دانش و سرمایه تاریخی بخش خصوصی را از بین می‌برد.

تبعات قیمت‌های غیر واقعی در مناقصات عمرانی

سراب رونق در باتلاق قیمت

قسمت اول

دکتر ایرج گلابتونچی/ مدیرعامل شرکت بین المللی پیمانکاری استراتوس
عضو هیات مدیره و دبیر سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

حال و روز پیمانکاری آن هم از جنس خصوصی اش اصلاً خوب نیست. مشکلات موجود پیش روی صنعت پیمانکاری کشور فضای سختی را برای ادامه کار این تلاش گران عرصه اقتصادی و آبادانی کشور ایجاد کرده است. نبود اعتبارات کافی، سنگین شدن مطالبات، محدودیت‌ها و شیوه‌های جدید پرداخت از جمله پرداخت کارکردها و مطالبات از طریق اوراق مختلف قرضه و خزانه، بر این سختی‌ها بیش از پیش افزوده است.

علاوه بر نکات پیش اشاره، مشکلات مربوط به تعیین و پرداخت مالیات، مالیات بر ارزش افزوده و بیمه متعلقه که بعضاً پیمانکاران در ایجاد و تاخیر در پرداخت آنها قصوری نداشته‌اند، جملگی نشان می‌دهد ماندن در عرصه پیمانکاری کشور هر روز سخت تر از قبل می‌شود.

درگیر شدن شرکتهای بزرگ و کوچک پیمانکاری با مشکلات ریز و درشت بویژه کشمکشهای آنها با بانکها یا صندوق‌هایی که از آنها تحصیل وام داشته اند و به دلیل عدم تامین اعتبار مناسب و به موقع از سوی دستگاه‌های اجرایی نتوانستند تعهدات مالی خود در پرداخت تسهیلات دریافتی را به سرانجام برسانند، باعث کند شدن و بعضاً فلج شدن تعداد زیادی از این شرکتها شده است.

اما چه باید کرد؟ راهکار چیست؟ آیا کنترل این شرایط و رفع این مشکلات و معضلات به سرعت امکان پذیر است؟ بخشی از این راهکار را باید در همت و تغییر نگاه دولت مردان دولت تدبیر و امید در ارجاع و انجام کار به بخش خصوصی و مساعدت و ایجاد سهولت در خصوص پرداخت معوقات بانکی، جرائم متعلقه، مالیات، بیمه و فراهم نمودن شرایط برای بهبود مستمر فضای کسب و کار دانست. اما آیا حل تمام مشکلات امروز ما به دولت و دستگاههای دولتی بازمی‌گردد و فقط این دستگاهها وظیفه دارند در جهت رفع آنها مساعدت و اقدام نمایند؟ به تعبیر دیگر پیمانکاران چه باید بکنند تا از مشکلات موجود در کار شرکتهای پیمانکاری بکاهند؟

یکی از مهمترین مشکلاتی که باعث می‌شود پیمانکاران سختی‌های بسیاری تحمل کنند و نتوانند عملاً کارها را به سرانجام برسانند روش قیمت گذاری و قیمت قراردادهاست. در شرایط فعلی که قراردادهای پیمانکاران با کارفرمایان دولتی به دلیل تنگناها و مشکلات مالی دولت، بسیار کم شده است برخی پیمانکاران در قیمت‌دهی مناقصات اغلب دست به عملیات انتحاری زده و با ارائه پیشنهادات و قیمتهای پایین و غیر واقعی اگرچه موفق به گرفتن کار، انعقاد قرارداد و خارج کردن رقبا از میدان می‌شوند، اما هم به خود و هم به دستگاه اجرایی، جفای بزرگی می‌کنند.

سازمان برنامه و بودجه کشور نیز اگرچه در این خصوص تلاشی را مبذول می‌دارد تا با جاری نمودن بخشنامه‌هایی مانند تعیین دامنه مناسبترین قیمتهای پیشنهادی در مناقصات پیمانکاری قیمتها را مناسب‌تر کند و الزاماً این اعتقاد درست را که کمترین قیمت، مناسبترین قیمت نیست را تایید می‌کند، اما قیمت‌دهی برخی پیمانکاران بویژه در دو سه سال اخیر مسیر دیگری در پیش گرفته است. دادن قیمتهایی که با برآورد اعلامی از سوی دستگاه مناقصه گزار اختلاف فاحش کاهشی (مینوس) دارد نشان از چه چیزی جز تلاش برای گرفتن کار از سرناچاری دارد؟ آیا این مسئله که صرفاً باید شرکت را زنده نگه داشت تا شرایط بهتر شود، نگاه درست و مهندسی است؟ مسئله و موضوع به واقع حادتر از این است؟ افزون بر این به مواردی متعدد نیز می‌توان اشاره کرد که عوامل دیگری علاوه بر عوامل اصلی در عرصه قیمت گذاری در مناقصات و یافتن مناسبترین قیمت علاوه بر دستگاه اجرایی (کارفرما)، مشاور برآورد کننده و پیمانکاران،

تاثیرگذار در رقابت مناقصه هستند. این عوامل خارج از میدان بعضاً تاثیرات تعیین کننده ای بر روال کار می‌گذارند و برنده مناقصه را تغییر می‌دهند.

همانطور که بیان شد بحث دادن قیمت پایین یا همان قیمت نامناسب برای کار بویژه در دو-سه سال اخیر حادتر شده و شرایط را برای انجام به موقع و با کیفیت کارها سخت تر می‌کند. اپیدمی‌دادن مینوس بالا یا دادن قیمتهای پایین به حدی فراگیر و نگران کننده شده است که جا دارد مکرر به آن پرداخت شود و با ریشه یابی درست این مشکل حاد به جد رفع شود و از بروز هرگونه بحران جدید دیگری از جمله وجود تعداد زیادتری پروژه ناتمام در کنار شرکتهای ورشکسته و گرفتار جلوگیری کرد. در شرایطی که در مناقصه ای قیمت‌های ارائه شده توسط پیمانکاران بعضاً تا ۳۸٪ مینوس نسبت به برآورد دستگاه اجرایی نیز می‌رسد یا در مناقصه‌ای تمام پیمانکاران مینوسهای بالا حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ارائه می‌دهند، واقعاً مشکل از کجا است؟

چنین اختلاف قیمت‌هایی عموماً باعث نگرانی دستگاههای مناقصه گزار هم می‌شود اما در مواردی که تمام پیمانکاران یا اکثر شرکت کننده گان در فرایند مناقصه چنین عملکردی را نشان می‌دهند به واقع دستگاه اجرایی چه می‌تواند بکند؟ دستگاه اجرایی ابزار قانونی چون قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه‌ها و بخش نامه‌های مرتبط را در اختیار دارد که اگر به درستی به آنها عمل کند بخش عمده ای از وظایف خود را انجام داده و تکلیف قانونی خود را به جا آورده است.

سه مسئله اساسی مرتبط با دستگاه اجرایی در این شرایط جای سوال دارد : نخست آنکه آیا برآورد دستگاه اجرایی در این حالت درست بوده یا برآورد بالا تهیه شده است؟ دوم آنکه آیا زمان اختصاص داده شده به پیمانکاران برای بررسی مدارک مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت کافی و مناسب بوده است؟ و سوم آنکه استفاده از ظرفیتهای قانونی برای دعوت و نگهداشتن مناقصه گران خاص و بعضاً گزینش شده، چگونگی و شرایط اطلاع رسانی از مناقصه به مناقصه گران و بعضاً ورود بازیگران جدید به صحنه مناقصه می‌تواند در ایجاد فضایی که منجر به ارائه قیمتهای غیر واقعی و پایین شود، نقش داشته باشد؟

دو نکته مهمتر که مربوط به سازمان متولی نظارت و تدوین آیین نامه‌های مرتبط با مناقصات یعنی سازمان برنامه و بودجه کشور بوده و می‌تواند در این فرآیند دخیل محسوب گردد این است که اولاً قوانین برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌هایی که در تفسیر مفاد این قانون ارائه شده یا می‌شود، در حال حاضر و در شرایط فعلی اقتصادی کشور کارایی لازم و درست را دارد. آیا این قوانین نیاز به بازنگری فوری و جدی ندارند؟ بعضاً برخی از مفاد قانون مذکور شفاف نیست و قابل تفسیر است و همین تفسیرها باعث می‌شود به جز متن قانون، اراده و تفسیر دستگاه مناقصه‌گزار نیز وارد ماجرا شده و همین اراده‌ها بعضاً منجر به حصول قیمت‌های نامناسب و پایین برای مناقصات می‌شود. از سوی دیگر شیوه مرسومی‌که سازمان برنامه و بودجه عموماً در پاسخ به ابهامات قانونی و سوالات دستگاه‌های اجرایی، مشاورین و پیمانکاران دارد، ارائه پاسخ با ابهام به آنها است. این پاسخهای چندپهلو و ابهام انگیز و قابل تفسیر نیز بر مصائب موجود می‌افزاد و بر قیمت کارها تاثیر گذار است.

سد آزاد

پیمانکار: شرکت بین‌المللی استراتوس

قیمت‌دهی برخی پیمانکاران بویژه در دو سه سال اخیر مسیر دیگری در پیش گرفته است. دادن قیمتهایی که با برآورد اعلامی از سوی دستگاه مناقصه‌گزار اختلاف فاحش کاهشی (مینوس) دارد نشان از چه چیزی جز تلاش برای گرفتن کار از سرناچاری دارد؟ آیا این مسئله که صرفاً باید شرکت را زنده نگه داشت تا شرایط بهتر شود، نگاه درست و مهندسی است ؟

اگرچه اطمینان حاصل است که سازمان برنامه و بودجه کشور از مسئولین تا کارکنان آن تلاش وافری دارند که کارهای مرتبط با نظام فنی و اجرایی کشور به عادلانه ترین و مطلوبترین شکل ممکن به سرانجام برسد اما اغلب ارائه پاسخ‌هایی که قابل تفسیر است باعث می‌شود بحران قیمت دهی پایین و غیر واقعی در مناقصات پیمانکاری شدت بیشتری بگیرد.

در خصوص برخی تعارض یا اشکالات موجود بین بخشنامه‌ها و دستورالعملهای صادره سازمان برنامه و بودجه با قوانین مناقصات از منظر نگارنده در شماره‌های آینده نشریه پیام‌آبادگران نکاتی ارائه خواهد شد لذا در

اینجا از توضیح بیشتر صرف نظر می‌گردد.
اما آنچه از همه مهمتر است و مربوط به پیمانکاران است، بحران قیمت دهی و گرفتن کار با قیمت‌های پایین و غیرواقعی است. بحرانی که حتی بخشنامه‌ها و آیین نامه‌هایی مانند دستورالعمل تعیین دامنه قیمت‌های متناسب پیشنهادی در مناقصات نیز نمی‌تواند و نتوانسته از بروز آن جلوگیری کند، اگرچه در بسیاری مناقصات، از بحرانی تر شدن شرایط به خوبی جلوگیری کرده است.
پیمانکارانی که در یک مناقصه شرکت می‌کنند پس از عبور از مسیر پیش ارزیابی کیفی و قرار گرفتن در بین پیمانکاران تایید صلاحیت شده برای ادامه مناقصه در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه علاوه بر تهیه ضمانت نامه با مطالعه اسناد دریافتی از کارفرما، مدارک فنی و پیشنهادی مالی خود را تهیه و در قالب پاکتهای مجزا بسته به شرایط یک مرحله ای یا دومرحله ای بودن مناقصه ارائه می‌کنند.
در مورد تهیه ضمانت نامه‌ها، پیمانکاران در شرایط فعلی عموماً مشکلات بسیاری دارند. اغلب دارای تسهیلات سررسید شده، چکهای معوقه و برگشتی و مسائلی از این دست هستند که در فرصت کوتاه برای تهیه ضمانت‌ها باید آنها را برطرف کنند تا بتوانند ضمانت نامه تهیه نموده و در ادامه مراحل مناقصه حضور داشته باشند. عموماً این مشکلات باعث می‌شود پیمانکاران برای گرفتن ضمانت نامه با هزینه‌های زیادی بویژه ذخیره کردن مبلغ بیشتری نسبت به شرایط عادی در بانک برای گرفتن ضمانت‌نامه روبرو باشند.
با این حال پیمانکارانی که با سختی بسیار موفق به دریافت ضمانت نامه می‌شوند و آرزو دارند که دیگر به این مشکل دچار نشوند. با تاکید به برآورد کنندگان قیمت در سازمان خود که دریافت ضمانت نامه چه سختی‌هایی دارد، آنها را تشویق می‌کنند که قیمت پایین تری برای برنده شدن بدهند.
بعد از عبور از این خان بزرگ، بازدید از محل پروژه در کوتاه ترین زمان ممکن و کنترل و مطالعه حجم زیادی از مدارک، اسناد و نقشه‌های فنی انجام می‌شود. پیمانکاران بر مبنای این اسناد و مدارک با توجه به ماشین آلات، نیروی انسانی و سازمان مدیریتی خود به آنالیز کار و تعیین قیمت واحد کارها در بخشهای مختلف مبتنی بر اصول و روش اجرا پیشنهادی و رعایت استانداردها و مبنای فنی کار می‌پردازند. مدارک و فرمهای مناقصه را یک به یک و با سرعت پر می‌کنند و نهایتاً قیمت پیشنهادی را براساس قیمت منابع و مصالح لازم مبتنی بر خواسته‌ها و الزامات طرح تهیه و با رعایت نکات مدیریتی در سازمان قیمت دهنده تکمیل و در برگ پیشنهاد قیمت درج می‌نمایند. همزمان مدارک پشتیبان این برگ پیشنهاد نیز وفق بخشنامه‌ها و آیین نامه‌های مرتبط تهیه و تدوین می‌گردد.
چهار نکته مهم در همین فرآیند قابل ذکر است که قطعاً برروی قیمت ارائه شده تاثیر مستقیم می‌گذارد. نخست آنکه فرآیند گرفتن ضمانت نامه در شرایط پیمانکاری ما بسیار سخت و طاقت فرسا شده است. این شرایط مدیران سازمان را ترغیب می‌کند با کاستن از قیمت واقعی، برنده مناقصه شوند تا از این مسیر سخت و گرفتار شدن دوباره در آن اجتناب کنند. اگر چه می‌دانند گرفتن ضمانت شرکت در مناقصه به هر حال به علت موقتی و کوتاه بودن آن از گرفتن ضمانت حسن انجام کار و پیش پرداخت بسیار آسانتر است، اما سختی بعد از برنده شدن قطعاً بهتر از سختی است که فقط به دنبال یک امید باشد. به نظر می‌رسد بانکها بویژه بانک مرکزی ، دستگاههای اجرایی و سازمان برنامه و بودجه با هم اندیشی انجمنها و تشکلهای مهندسی کشور می‌باید چاره ای برای کاستن از مشکلات صدور ضمانت‌ها بیابند تا پیمانکاران راحت تر در مناقصات شرکت کنند و این فرآیند برروی قیمت کار تاثیر تعیین کننده نگذارد.

فرآیند گرفتن ضمانت نامه در شرایط پیمانکاری ما بسیار سخت و طاقت فرسا شده است. این شرایط مدیران سازمان را ترغیب می‌کند با کاستن از قیمت واقعی، برنده مناقصه شوند تا از این مسیر سخت و گرفتار شدن دوباره در آن اجتناب کنند. اگر چه می‌دانند گرفتن ضمانت شرکت در مناقصه به هر حال به علت موقتی و کوتاه بودن آن از گرفتن ضمانت حسن انجام کار و پیش پرداخت بسیار آسانتر است، اما سختی بعد از برنده شدن قطعاً بهتر از سختی است که فقط به دنبال یک امید باشد.

دوم آنکه در مطالعه مدارک، اسناد و نقشه‌های فنی و تهیه روشهای اجرایی، زمان کوتاه موجود برای بررسی پروژه و قیمت دهی، عموماً باعث بروز اشتباهات یا برداشتهایی می‌شود که می‌تواند درست نباشد و بعضاً این اشتباهات و برداشتهای ناشی از عدم دقت کافی به دلیل ضیق وقت می‌تواند در برآورد قیمت غیر واقعی و بعضاً پایین کار موثر باشد. لذا به نظر می‌رسید باید سازمانهای متولی از دستگاههای اجرایی و سازمان برنامه و بودجه چاره ای برای این کار بیاندیشند.
سوم آنکه در سیستم قیمت دهی در سازمان پیمانکار که مبتنی بر قیمت واقعی مربوط به منابع انسانی و کارکرد ماشین آلات و بالاسری در آن سازمان است می‌باید دقت کافی انجام شود. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد برای دعوت در مناقصه و انتخاب پیمانکاران علاوه بر توان فنی و مالی، شرایط سازمانی رقبا نیز مورد توجه قرار گیرد. این موضوع ارتباط نزدیکی بین نوع کار مورد مناقصه و توان سازمان پیمانکار برای انجام آن دارد. وقتی پروژه چنان مهم و عظیم است که نیاز به سازمانی متناسب در دفتر مرکزی و کارگاه پیمانکار برای اجرای آن دارد حضور پیمانکارانی با ساختارهای نامتناسب و بعضاً با بالاسری ناهماهنگ می‌تواند باعث کاهش یا حتی افزایش غیرواقعی قیمت کار شود. این نکته ای است که دستگاههای اجرایی و قانونگذاری نیز باید به آن توجه کنند.
در توضیح بیشتر باید توجه شود نوع ماشین آلات و تجربه و کیفیت نیروی

انسانی و مدیریتی یک شرکت نیز قطعاً در قیمت دهی موثر است. این مسئله بدون تردید یکی از دلایل اصلی اختلاف قیمت پیمانکاران در مناقصه است. موردی که اگرچه در پیشنهاد قیمت پیمانکار نمود می‌یابد و اگرچه قانونگذار با ذکر این نکته در قانون مناقصات که بدنبال قیمت مناسب و متناسب کار است نه قیمت حداقل انجام کار، به آن توجه کرده است اما راهکارهای موثرتری باید به کمک خود پیمانکاران و مشاوران و صد البته سازمان برنامه و بودجه و دستگاههای اجرایی کشور برای تعیین قیمت مناسب و متناسب در مناقصات تعیین گردد.

و چهارم آنکه مدیریت سازمان پیمانکاران با رصد شرایط موجود بازار و اطلاع از وضعیت سازمان خود در مرحله آخر با اعمال نظر مدیریتی قیمت را نهایی و جمع بندی می‌کند.

قطعاً هرچه فضای اقتصادی در عرصه پیمانکاری سخت تر باشد نظر مدیریتی به سمتی خواهد بود که با کمترین قیمت ممکن کار کند و گاهی حتی صرفاً برای حفظ سازمان خود و خرید زمان، دست به عملیات خطرناک کاهش قیمت می‌زند.

اینجا جایی است که مدیران شرکتها باید جداً توجه کنند که دادن قیمت پایین، پایین تر از شرایط واقعی که می‌توانند کار را با کیفیت انجام دهند، قطعاً می‌تواند سالها تلاش و زحمت آنها و حتی دیگر رقبا را نابود کند. مدیران شرکتهای پیمانکاری باید بدانند روا داشتن چنین جفایی در حق خود، رقبا و کشور بسیار تبعات منفی به دنبال داشته و قطعاً با اخلاق مهندسی و آموزه‌های دینی و ملی ما منافات دارد. ما در مقابل سازمان خود و سازمان دیگر پیمانکاران کشور از منظر دینی و ملی مسئول هستیم. زیرا حذف سازمانهای با تجربه و اشتغال آفرین کشور قطعاً با توسعه اقتصادی کشور منافات و مغایرت دارد.

شاید راهکار این بخش و در شرایط فعلی آن باشد که برای عبور از این شرایط شرکتها علاوه بر ارائه قیمت مناسب و واقعی برای انجام کار و همچنین ارائه پیشنهادات سازنده برای کنترل این بحرانها، به تشکیل مشارکت‌ها و کنسرسیومهای مختلف تن دهند و شاید یکی از بهترین راهکارها پس از تشکیل این کنسرسیوم‌ها و مشارکت چنانچه بتوانند توان مالی خود را سامان داده و متمرکز کنند، حضور در بازار کار پیمانکاری به عنوان سرمایه گذار و پیمانکار توامان باشند.

اینجا است که پیمانکاران می‌بایست اگر تمکن مالی در سازمان خود دارند یا می‌توانند با سازمان موجود خود سرمایه گذاری را همراه سازند به سرمایه گذاری کامل یا جزئی در پروژه‌های زیرساختی و مهم کشور با اولویت طرحهای نیمه‌تمام همت گمارند. برای رسیدن به چنین ساختارهای شاید یکی از مهمترین راهها ایجاد مشارکتهای مختلف از پیمانکاران یا پیمانکاران-سرمایه گذار باشد. اینجا است که دولت هم ضرورتاً باید قوانینی تدوین کند که پیمانکاران را به تن دادن به چنین شرایطی تشویق کند. در این شرایط بانکها نیز باید به شرکتها، تسهیلات و وام کم بهره بدهند و با مشارکت‌های موثر، همراه باشند.

شکل‌گیری مشارکتهایی که توانایی مالی برای سرمایه گذاری داشته باشند می‌تواند نسخه ای خوب برای ادامه حیات باشد. در این حالت پیمانکاران با آنالیز دقیق امکان اجرای پروژه‌ها می‌توانند به منابع مالی مناسبتر برسند و هم می‌توانند سود مناسبی از کار خود ببرند و هم قیمت مناسبتری برای کارها ارائه دهند.

ارائه قیمت غیر واقعی و پایین در کارها اگرچه ممکن است کاری برای سازمانی به همراه بیاورد اما عمل به چنین شیوه ای قطعاً باعث نابودی آن شرکتها در آینده نزدیک خواهد بود. در شرایطی که مصالح نرخ مشخص و واقعی دارند و کنترل نرخ آن در دست پیمانکار نیست و پیمانکاران از قانون پرداخت حقوق و دستمزدها باید پیروی کنند و ماشین آلات نیز هزینه‌های متناسب خود را دارد آیا دادن قیمت پایین و غیرواقعی با مینوسهای خرد کننده عملیات انتحاری نیست؟ عملیاتی که پیمانکاران با هم اندیشی و بکارگیری روشهای درست مهندسی قیمت گذاری و همراه نمودن دستگاه های و سازمانهای متولی می‌توانند از بروز آن و گسترش دامنه بحران جلوگیری کنند.

اما سوالی که در آخر قابل طرح است و شاید ما را به ابتدای جریان مناقصه و گرفتن کار بازگرداند این است که دستگاههای اجرایی و قانون‌گذاری مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دیگر چه می‌توانند بکنند تا شرایط قیمت گذاری واقعی تر و عادلانه تر شود؟

برای پاسخ به این پرسش در ادامه و در شماره بعدی نشریه پیام آبادگران بحث مفصلی در خصوص برخی تعارضات بین آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها با قانون برگزاری مناقصات را مورد توجه قرار می‌دهیم و بحث را پی می‌گیریم.

(ادامه دارد)

سد تالوار

پیمانکار: شرکت بین‌المللی استراتوس

گزارش ۶ ماهه سندیکا

مهمترین اقدامات و فعالیت‌های هیات مدیره ، کمیسیون‌ها و دبیرخانه

هیات‌مدیره، کمیسیون‌ها و دبیرخانه سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران در شش ماه گذشته فعالیت‌هایی را انجام داده است که هدف آن کاستن از مشکلات اعضای سندیکا و افزایش اعتبار و اثرگذاری این سندیکا در نهادهای مرتبط بوده است. در این مجموعه از فعالیت‌ها که از بررسی مشکلات و موانع فعالیت پیمانکاران تا تصویب آیین‌نامه‌های لازم و هم‌فکری و هم‌اندیشی با چهره‌های موثر دولتمردان و برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضا را دربر می‌گیرد، همه ارکان سندیکا مداخله داشته و صاحب نقش بوده است. گزارش ذیل به منظور آگاهی اعضای محترم سندیکا از تلاش‌ها و فعالیت‌های همکاران و منتخبان خویش منتشر می‌شود. بدیهی است آنچه به شرح ذیل می‌آید تلخیص خروجی صدها ساعت جلسات، نشست‌ها و گفت و گوهای مفصل است که به دلیل محدودیت‌های انتشار، به مهمترین رویدادها اشاره می‌شود.

هیات‌مدیره

- برگزاری مجمع عمومی سالانه سندیکا
- تبیین سرفصل‌های ماموریت کمیسیون تحقیق و توسعه
- برگزاری نشست با آقای زدا معاون درآمد صندوق تامین اجتماعی
- ارائه طرح و تدوین رئوس برنامه‌های جشن بزرگداشت هفتاد سالگی سندیکا
- ساماندهی و تفکیک عضویت سندیکا در مجامع و تشکل‌ها
- ساماندهی نمایندگان فعال سندیکا در مجامع، اتاق‌ها، کارگروه‌ها، کمیته‌های تخصصی و کارشناسی دولتی و غیردولتی
- ساماندهی کمیته‌های اجرایی مشترک سندیکا
- برگزاری نشست با آقایان پورمحمدی و شافعی برای طرح پیشنهادات تأمین مالی
- پیگیری و برگزاری جلسات هم‌اندیشی با آقای دکتر کمیجانی قائم‌مقام محترم بانک مرکزی و طرح مشکلات مالی و بانکی صنعت احداث
- برگزاری جلسه هم‌اندیشی با آقای دکتر قاسمی مدیرعامل بانک پاسارگاد
- ارسال دعوتنامه برای آقای دکترجمالی رئیس سازمان سرمایه‌گذاری ایران جهت برگزاری نشست
- نامه‌نگاری با سازمان برنامه و بودجه در مورد عواقب توقف طرح‌های عمرانی، اشتغال و امنیت ملی
- صدور بیانیه مبنی بر وحدت و همراهی و ابراز همدردی با داغدیدگان حادثه تروریستی در رسانه‌های جمعی
- تشکیل کارگروه تعامل با نظام مهندسی متشکل از نمایندگان سندیکا، دعوت از هیات رئیسه نظام مهندسی به سندیکا و طرح موضوعات مرتبط
- تشکیل "کارگروه اخذ مطالبات" در دبیرخانه جهت پیگیری مطالبات معوقه سندیکا از اعضا
- پیگیری امضای منشور اخلاقی توسط اعضای ورودی به سندیکا
- دعوت از رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق
- مستندسازی شرح وظایف نمایندگان سندیکا در تشکل‌ها
- برگزاری مجمع عمومی شرکت تضمین شرکت‌های ساختمانی
- بررسی آیین‌نامه پیشنهادی کمیسیون تحقیق و توسعه در خصوص شرایط عضویت در شورای عالی سندیکا
- پیگیری بررسی موضوع ماده ۱۰ برنامه ششم توسعه در کمیسیون قوانین و مقررات
- اعلام نمایندگان سندیکا برای انتخابات هیات‌مدیره و بازرسان شرکت تضمین شرکت‌های ساختمانی
- تنظیم پیش‌نویس نامه چکیده مطالبات مالی و بانکی مورد نظر صنعت احداث جهت طرح در هم‌اندیشی با آقای کمیجانی توسط کمیسیون اقتصاد و دبیرخانه اجرایی
- تشکیل کمیته بررسی کاندیداهای هیأت‌مدیره و اجرائی شورای هماهنگی و انجام هماهنگی‌های لازم
- بررسی مصوبه ۴۲۶۱۱ت۵۴۲۵۷ مورخ ۹۶/۴/۱۴ هیأت وزیران به کمیسیون قوانین و مقررات
- معرفی نمایندگان سندیکا در شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی
- بررسی موضوع تاخیر در پرداخت حق بیمه در کمیسیون قوانین و مقررات
- بررسی حضور شرکت‌های وابسته به نهادهای نظامی و غیرخصوصی در فعالیت‌های پیمانکاری در کمیسیون‌های فنی، قوانین و مقررات و تحقیق و توسعه
- بررسی موضوع درج شرایط نامعقول مناقصات در کمیسیون فنی
- بررسی موضوع "مشاغل سخت و زیان‌آور" کمیسیون قوانین و مقررات
- ابلاغ تبریکات سندیکا به وزیران مرتبط، ریاست سازمان برنامه و بودجه، اعضای شورای شهر و شهردار به همراه خواسته‌های سندیکا
- تنظیم متن اعتراض به شیوه جدید ارسال مناقصه و برگزاری مناقصات به شیوه الکترونیکی
- بررسی موضوع دلایل ارائه قیمت پایین در مناقصات و درج شرایط نامعقول در مناقصات توسط دستگاه‌های مناقصه‌گذار در کمیسیون فنی

کمیسیون اقتصاد

• تعیین و تبیین ماموریت کمیسیون اقتصاد با توجه به اقدامات گذشته

• در این کمیسیون تغییر رویکرد برای سرمایه‌گذاری، نگرش به حوزه اقتصاد و نوسانات نرخ نفت و اثرات آن بر صنعت احداث کشور و تامین بودجه‌های عمرانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نتیجه سه محور به عنوان ماموریت سندیکا به تصویب اعضای محترم رسید.

• بررسی تنگناها و موانع پیش روی انجام پروژه‌های عمرانی و تبیین و ارائه نتایج به هیأت‌مدیره جهت طرح در جلسه‌ای که مقرر است با حضور آقایان شافعی، پورمحمدی و مصطفوی در محل سندیکا برگزار شود.

• طرح مشکلات در جلسه با مدیران سازمان برنامه و بودجه

• بررسی و اعلام نظر راجع به نحوه بسط همکاری سندیکا و اعضا با بانک در شرایط کنونی کشور در جلسه با آقای دکتر قاسمی، ریاست هیأت‌مدیره بانک پاسارگاد

• بررسی و تدوین برنامه سال ۹۶ کمیسیون بر اساس بیانیه ماموریت و محورهای چهارگانه سال ۹۶ سندیکا جهت ارائه به هیأت‌مدیره

• بحث و بررسی در خصوص انواع اوراق بهادار (اسناد خزانه اسلامی و اوراق مشارکت)

• بررسی نحوه سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوص و عمومی در پروژه‌های عمرانی

• بررسی قانون بودجه ۹۶ و قانون برنامه پنجساله ششم توسعه به منظور شناسایی ظرفیت‌های پیش‌بینی شده قوانین به جهت بهره‌برداری اعضای سندیکا

• بررسی روش‌های تامین مالی مورد نیاز پروژه‌ها

کمیسیون ماشین‌آلات

• بررسی همکاری موسسات سابق در آموزش اعضای سندیکا

• بررسی برنامه پیشنهادی کمیته آموزش برای سال ۹۶

• تایید گواهینامه‌های سمینار آموزش در ایران

• برگزاری سمینار مشترک در محل کوماتسو

• برنامه‌های آموزشی در برندها و برنامه شش ماهه کارگاه‌های آموزشی ماشین‌آلات در سندیکا

• برنامه‌های آموزشی در شرکت حفار ماشین

• بررسی مکان‌های آموزشی پیشنهادی به سندیکا توسط سازمان فنی حرفه‌ای

• برگزاری مستمر جلسات عمومی کمیسیون

• برگزاری جلسات در خصوص برنامه میزگرد مدیران پروژه و مدیران ماشین‌آلات

• برگزاری جلسه معرفی شرکت پارسیان پیشرو صنعت و معرفی محصولات

• برگزاری بازدید حضوری اعضا از سه سایت مجتمع صنعتی ماموت و معرفی توانمندی‌های مهندسی ماموت

• بررسی برنامه پیشنهادی دعوت از مدیران پروژه شرکت‌ها جهت آموزش

کمیسیون فنی

۱- مطالعه قوانین و آیین‌نامه‌ها و بررسی آیین‌نامه‌هایی که مشکلاتی را برای پیمانکاران موجب شده است

۲- بررسی شرایط اوراق خزانه؛ اوراق خزانه مربوط به سال جاری است و قابلیت تهاتر ندارد، رفع اشکال قانونی جهت تعیین تکلیف تهاتر اسناد خزانه بابت مالیات به عمل آید.

۳- رفع مشکل از بخشنامه‌های مشکل‌دار؛ مثل قراردادهای سرجمع که با ابلاغ بخشنامه جدید سرجمع بخشی از مشکلات قراردادهای برطرف شده است.

۴- راهنمایی اعضا (شرکت‌های آوشین قشم، روئین‌سازه، پایاب کوثر) در جلسات کمیسیون فنی و رفع موارد ابهام مطروحه در ضوابط بخشنامه‌ها و قوانین از قرارداد نامبردگان

۵- تقدیر از آقای مهندس پشوتن عضو سابق کمیسیون به پاس حضور مستمر و هم‌اندیشی موثر

۶- بررسی بخشنامه مهندسی ارزش

۷- مقایسه نرخ عوامل سازمان، سندیکا و مرکز

۸- رصد پروژه‌هایی که به مناقصه رفته و جمع‌آوری اطلاعات برخی از نتایج مناقصه‌ها

۹- بررسی مشکلات اخیر بیمه، عدم پرداخت بیمه سهم کارفرما و ارائه راهکار به سازمان برنامه و درخواست تأکید بر اجرای قانون توسط سازمان تأمین اجتماعی و پیشنهاد واگذاری اسناد خزانه در قبال مطالبات نقدی در پروژه‌ها به همراه بخشی از بودجه طرح به صورت نقدی برای پرداخت حق بیمه و کسورات

۱۰- بررسی شاخص‌های تعدیل سه ماهه سوم و چهارم سال ۱۳۹۵که حدود ۵٪ برای هر دوره شش ماهه افزایش داشته است.

۱۱- بررسی آیین‌نامه ارزیابی کیفی بند «ج» ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصه‌ها) نتیجه اینکه ارزیابی باید توسط سازمان برنامه و بودجه انجام شود.

کمیسیون انتشارات

- جمع‌آوری و بررسی و تأیید مطالب ماهنامه پیام آبادگران از شماره ۳۵۳ الی ۳۵۷
- پوشش خبری همایش‌ها و کنفرانس‌ها و میزگردها ازجمله:

-گزارش دیدار وزیر کار و اعضای هیأت مدیره -۲۳ فروردین
-گزارش دیدار هیأت مدیره با آقای شافعی - ۲۶ فروردین
-گزارش دومین نشست مقدماتی کنفرانس ایمن‌سازی شهرها در اردیبهشت
-گزارش همایش آب مجازی —اردیبهشت
-گزارش نشست تشکل‌های کارگری و کارفرمایی —۱۱ اردیبهشت
-گزارش دیدار اعضای هیأت‌مدیره تشکل‌های وابسته به آب —۱۲ اردیبهشت
-گزارش سمینار ماشین‌آلات —۱۹ اردیبهشت
- گزارش همایش مطالبات جامعه مدنی از کاندیداهای ریاست جمهوری —۲۵ اردیبهشت
-گزارش سمینار ماشین‌آلات —۲ خرداد
-گزارش مجمع عمومی‌عادی سالیانه —۲۷ خرداد
- میزگرد مربوط به کنفرانس ایمن‌سازی شهرها و مدیریت ریسک —۱۱ تیر
-گزارش دیدار هیأت مدیره با عضو کمیسیون عمران مجلس-۲۱ تیر
-گزارش دیدار هیأت مدیره با مسئولان مالیاتی کشور - ۴ مرداد
- گزارش دیدار هیأت مدیره با انجمن صنفی مهندسان معمار و شهرساز —۱۶ مرداد
-گزارش کارگاه آموزشی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران —۲۱ الی ۲۳ مرداد
-گزارش دیدار رؤسای چند تشکل فنی و مهندسی در سندیکا - ۲۴ مرداد
-گزارش مناظره رادیویی مهندس پورشیرازی - ۱ شهریور
-گزارش دیدار با دکتر قاسمی بانک پاسارگاد - ۱۵ شهریور
- انجام ۱۰ فقره مصاحبه حضوری از جمله بازرسی هیأت مدیره انجمن مهندسی ارزش ایران، مدیر توسعه بازار شرکت ناورود، مدیران شرکتهای عضو سندیکا و...

کمیسیون قوانین و مقررات

- تنظیم شرح وظایف، برنامه، تعیین نمایندگان کمیسیون در جلسات بیرونی و بررسی نیازهای کمیسیون بر اساس اهداف سندیکا در راستای حل مشکلات اعضا از طریق بررسی قوانین موجود یا ارائه پیشنهادات و نظرات
- بررسی لایحه مالیات بر ارزش افزوده ارسالی دولت به مجلس شورای اسلامی
- بررسی ابهام ارائه لیست پرسنل دفتر مرکزی در کارگاه و بررسی بخشنامه جدید کارگران ایرانی اعزام به خارج از کشور
- بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور و گزارش به هیات‌مدیره
- پیگیری اصلاح آیین‌نامه تشخیص صلاحیت و رتبه‌بندی
- بررسی و اقدام در مورد تبصره ماده ۱۰ برنامه پنجساله ششم توسعه
- بررسی و وضعیت و تصمیم‌گیری در مورد نمایندگان سندیکا در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی
- بررسی نقاط قوت و ضعف تصویب‌نامه شماره ۴۲۶۱۱/ت ۵۴۲۷۵ مورخ ۹۶/۰۴/۱۴ با موضوع الحاق تبصره به ماده ۲۶ آیین‌نامه طبقه‌بندی و تشخیص صلاحیت پیمانکاری
- بررسی نامه شورای هماهنگی موضوع تاخیر پرداخت حق بیمه از سوی کارفرمایان دستگاه‌های دولتی در طرح‌های عمرانی
- بررسی آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات
- سایر موضوعات از جمله پاسخ به مکاتبات و مشاوره از جمله دیگر اقدامات کمیسیون بوده است.

کمیسیون تحقیق و توسعه

- تعیین برنامه کاری هیات‌مدیره در سال ۹۶ و ارسال آن جهت تصویب نهایی و اجرایی شدن به هیات‌مدیره
- تنظیم بیانیه ماموریت هدف سندیکا در سال ۹۶ به عنوان یک کمیسیون فرادستی بر اساس بررسی شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران
- شناسایی، تبیین و معرفی ظرفیت‌های داخلی به اعضا
- شناسایی، تبیین و معرفی بازارهای جدید
- ایجاد بستر توانمندسازی اعضا متناسب با الزامات بازارهای جدید
- تعامل و هم‌صدایی با تشکل‌های همگن
- طراحی بسته سیاستی اصلاح ابزارهای بدهی فعلی (صکوک استصناع، صندوق پروژه و...)
- طراحی ابزارهای جدید تامین مالی از طریق بازار سرمایه
- تجمیع سپرده‌های پیمانکاران از طریق تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری
- بررسی قوانین مشارکت عمومی- خصوصی با رویکرد ایجاد تعادل در حقوق طرفین
- طرح اشکالات قوانین مرتبط با مشارکت عمومی - خصوصی با دست‌اندرکاران حوزه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر به منظور جلب حمایت ایشان.
- تهیه پیشنهادات تکمیلی - اصلاحی در قوانین جاری مرتبط با مشارکت عمومی - خصوصی توسط متخصصین امر در این حوزه.
- پیگیری مراتب با مراجع تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز تا استقرار قانونی پیشنهادات
- طراحی رویه ایجاد بسته‌های تامین مالی مناسب برای پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی
- تمرکز بر موضوع نحوه برخورد با حضور نهادهای نظامی در اجرای پروژه‌های عمرانی
- بررسی امکان توانمندسازی شرکت‌ها با راه‌اندازی پلتفرم خلق مشترک
- بررسی نحوه علاقمندسازی شرکت‌ها به عضویت و تداوم عضویت در سندیکا
- ادامه بررسی موضوع تامین مالی شرکت‌ها تا حصول نتیجه

کمیسیون حقوقی

- تدوین و تنظیم برنامه‌های کمیسیون
- بررسی آیین‌نامه داوری سندیکا
- بررسی مشکلات حقوقی شرکت گسترش صنعت و شرکت لاوین و شرکت آشیان‌ساز
- بررسی مشکلات حقوقی شرکت البرزکومه

دبیرخانه

- تشکیل جلسات مختلف کنفرانس ایمنی شهری (کمیته‌های علمی و اجرایی در جامعه مشاوران و سندیکا)
- تغییر تحولات دبیرخانه (استقرار دبیر جدید)
- مکاتبات در خصوص مالیات بر ارزش افزوده با کمیسیون اقتصاد مجلس شورای اسلامی
- توزیع ماهنامه‌های پیام آبادگران
- مشکلات صنعت احداث در حوزه بیمه و کار
- تنظیم و ارسال بیانیه سندیکا در خصوص برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
- تهیه تفاهم‌نامه همکاری آموزشی تکنسین و مهندس ماشین‌آلات بین اتاق ایران، سندیکا، دانشگاه کلن و دانشگاه فنی و حرفه‌ای
- برگزاری جلسه مشترک بیمه ایران، مرکزی، پارس همگام و سندیکا جهت تشکیل کمیته ریسک
- گزارش حضور نمایندگان سندیکا در مرکز پژوهش‌ها در جلسات مالیات بر ارزش افزوده
- بررسی شکوائیه انجمن نفت و گاز به شورای نگهبان پیرامون ارجحیت شرکت‌های بومی در برنامه ششم در کمیسیون اقتصاد
- تنظیم و ارسال نامه به آقای دکتر همتی رئیس بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- پرداخت حق عضویت شورای هماهنگی
- تنظیم و ارسال نامه به آقای تقوی‌نژاد رئیس سازمان امور مالیاتی کشور
- تنظیم و ارسال پیام تبریک به دکتر حسن روحانی ریاست محترم جمهوری و ارسال برای درج در نشریات
- پیشنهاد بودجه مالی سال ۹۶ با ۱۲,۵ درصد افزایش نسبت به سال ۹۵
- تهیه گزارشات مالی به مجمع
- تهیه گزارش عملکرد به مجمع عمومی
- تخصیص مرکز آموزش بنام سندیکا با سازمان فنی - حرفه‌ای کشور و فنی - حرفه‌ای استان تهران
- ملاقات با رئیس دانشگاه فنی - حرفه‌ای کشور و تفاهم بر سر شروع دوره ماشین‌آلات از ترم آینده
- ملاقات با آقایان دکتر شیبانی و مهندس مانی‌فر در خصوص کنفرانس ایمنی شهری
- ادامه برنامه‌ریزی میزگردهای ایمنی / مدیریت ریسک / HSE
- تنظیم و ارسال نامه با موضوع اصلاح لایحه مالیات بر ارزش افزوده به کمیسیون‌های اقتصاد، برنامه و بودجه مجلس، اتاق‌های بازرگانی

ایران و تهران و کمیسیون اقتصاد هیات دولت
- تسویه حساب مطالبات سندیکا از شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی
- برگزاری جلسه با نماینده سازمان ملل در ایران در خصوص کنفرانس ایمن‌سازی شهرها
- برگزاری جلسه کارگروه تامین مالی با نمایندگان تامین سرمایه نوین در خصوص توانمندسازی شرکت‌های عضو در راستای سیاست‌های ماموریت سال ۹۶ سندیکا
- پیگیری در خصوص تدوین شرح وظایف دبیرخانه و تهیه آیین‌نامه و شرح کار روابط عمومی و امور بین‌الملل
- پیگیری درخواست استرداد یک در هزار از اتاق
- نامه مستقیم اعلام بدهی به ۴۲۰ عضو سندیکا و انجام پیگیری‌های مربوطه
- بررسی سازمان تشکیلاتی دبیرخانه وشرح وظائف اعضای دبیرخانه
- پیگیری و عقد قرارداد طراحی و راه اندازی وبسایت جدید سندیکا
- اعلام آخرین تغییرات هیات مدیره و ارسال نامه معرفی نمایندگان سندیکا در شورای هماهنگی
- تهیه گزارش جهت ارائه به هیات‌مدیره در خصوص موضوع مشاغل سخت و زیان‌آور و طرح استفساریه ۴ درصد از پیمانکار به واگذرنده کار (کارفرمایان)
- پیگیری مشاغل سخت و زیان‌آور در کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی
- شرکت در کمیته ماده ۱۲ قانون احکام با موضوع بررسی رئوس مشکلات پیمانکاران
- پیگیری و مکاتبه در خصوص درخواست‌های اعضا به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- تکمیل مدارک لازم در خصوص رتبه‌بندی تشکل‌ها به اتاق بازرگانی
- اعلام نمایندگان سندیکا در کمیته عمومی مبحث ۲۲ سازمان نظام مهندسی ارسالی از شورای هماهنگی
- ارسال نامه به آقایان نوبخت و شافعی با موضوع عدم رعایت قوانین جاری توسط مدیران اجرایی کشور
- اخذ پاسخ آگهی اعلام نتیجه انتخابات انجمن صنفی شرکت‌های ساختمانی ایران
- پیگیری نامه اتاق تهران در خصوص طرح کارورزی دانش‌آموختگان دانشگاهی
- مکاتبه با سازمان برنامه و بودجه با موضوع تاخیر در پرداخت‌ها
- اعزام هیات جهت بازدید از مجموعه صنعتی ماموت از سوی سندیکا
- پایان دوره آموزشی ایمنی سطح ۲ (ویژه مسئولین شرکت‌ها) در سندیکا (دوره سوم)
- دعوت از ۶ تشکل همسو برای برگزاری نشست مشترک در خصوص مسایل روز از جمله وزرای پیشنهادی و انتخابات شورای هماهنگی
- پیگیری جهت برگزاری جلسه با کمیسیون عمران مجلس
- برگزاری جلسه هم‌اندیشی و هماهنگی با انجمن مهندسان مشاور معمار و شهرساز
- دریافت نظرات اعضای سندیکا در خصوص اسناد خزانه اسلامی
- جلسه کارشناسی با کارشناس وزارت کار در خصوص ارائه مشکلات اعضا در موضوع مشاغل سخت و زیان‌آور
- پیگیری و مکاتبات در خصوص مشکلات بیمه و اسناد خزانه
- هماهنگی با شش تشکل پیمانکاری دیگر در خصوص بررسی مسائل و مشکلات پیمانکاران و اتخاذ سیاست‌های واحد
- اطلاع‌رسانی پیشنهاد تامین مالی با روش اوراق منفعت از سوی شرکت تامین سرمایه نوین برای اعضای سندیکا
- پیگیری بررسی بخشنامه کارگران ایرانی اعزام به خارج و تنظیم و ارسال نامه به آقای دکتر سلاح‌ورزی دبیرخانه کمیته ماده ۱۲ قانون احکام دائمی با موضوع: بخشنامه بیمه کارگران ایرانی اعزام به خارج
- نامه به آقای نادر سیف اتاق ایران در خصوص الحاق دوماده به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر
- نامه به آقای سردار عبدالهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء در خصوص لزوم توجه منطقی و عادلانه از طرف شرکت سپانیر و رفع مشکلات تحمیلی به شرکت‌های عضو سندیکا
- برگزاری کارگاه سه روزه آموزشی ILO توسط کانون عالی کارفرمایی در سندیکا
- نامه‌های صادره: ۵۳۰ فقره / نامه‌های وارده: ۴۹۰ فقره

اهم مکاتبات: مکاتبات با اعضا / مکاتبات با سازمان برنامه و بودجه، معاونت راهبردی ریاست جمهوری، شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، اتاق‌های بازرگانی، مرکز پژوهش‌های مجلس، بانک مرکزی، بانک پارسیان، کمیسیون بهداشت مجلس، وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی، بیمه مرکزی، وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی، کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، دفتر ریاست جمهوری، نظام فنی و اجرایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت فنی و بهداشت کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و...

جلسات هیات مدیره و کمیسیون‌های سندیکا با سازمان‌ها و نهادها

- جلسه با رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در خصوص حمایت از توان بخش خصوصی و واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی
- جلسه با نظام فنی و اجرایی آیین‌نامه نظام فنی و اجرایی
- کمیته علمی‌تخصصی کنفرانس ایمنی شهری و ریسک در جامعه مشاوران
- بررسی ظرفیت‌های برنامه ششم در موسسه تحقیق برای توسعه
- جلسات شورای هماهنگی درباره نظام فنی و اجرایی/ برنامه شورا
- جلسه اعضای هیات‌مدیره با رئیس سازمان نظام مهندسی ایران
- جلسه مدیریتی با معاون درآمد سازمان تأمین اجتماعی
- جلسه در شرکت سرمایه‌گذاری بیمه ایران- تشکیل کارگروه از بیمه ایران / سندیکا / مونتکو / سازمان برنامه و بودجه
- حضور فعال در جلسات کمیته ماده ۱۲(شورای گفت و گو)
- حضور در جلسات موسسه تحقیق برای توسعه صنعت احداث
- حضور فعال در جلسات کارگروه تعیین استراتژی شورای هماهنگی
- حضور فعال در جلسات مرکز پژوهش‌های مجلس
- حضور در جلسه UN HABITAT در خصوص موضوع مدیریت شهری در جهان در محل وزارت راه و شهرسازی
- حضور در جلسه هم‌اندیشی پایداری در سازمان محیط زیست با حضور خانم ابتکار
- حضور در جلسه شورای گفت وگوی دولت و بخش خصوصی با موضوع "بررسی مراتب اعتراض اجرای حکم ماده ۴۶ قانون رفع موانع تولید و دستورالعمل‌های مرتبط بانک مرکزی" با حضور وزیر اقتصاد
- حضور فعال در جلسات کمیته راهبردی مرکز تحقیقات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- شرکت در نمایشگاه هوشمندسازی ساختمان با حضور سندیکا در غرفه اختصاصی (با شهرداری تهران)
- برگزاری جلسه با آقای دکتر تقی‌نژاد معاون وزیر اقتصاد و امور دارایی و رییس امور مالیاتی کشور در خصوص مالیات بر ارزش افزوده
- تعامل با دبیرکل اتاق بازرگانی ایران در خصوص موضوع همکاری‌های آموزشی
- تعامل با اتاق بازرگانی تهران در خصوص همکاری‌های آموزشی
- حضور فعال در سمینار امنیت شغلی و سرمایه‌گذاری و تولید با حضور وزیر کار
- بررسی مشکلات پیمانکاران در کمیته ماده ۱۲ قانون احکام دایمی‌کشور
- حضور فعال در جلسات کمیسیون کسب و کار اتاق تهران
- تعامل و برگزاری جلسه مشترک سندیکا با سازمان برنامه و بودجه در بحث مورد تشخیص صلاحیت
- حضور فعال در نشست هماهنگی با شش تشکل پیمانکاری در خصوص مسائل و مشکلات مربوط به اسناد خزانه اسلامی در محل انجمن راهسازی
- شانزدهمین نشست کمیته نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور (فوق‌العاده)
- حضور در مجمع عمومی‌سالیانه فدراسیون صنعت آب ایران
- حضوردر انتخابات هیات اجرایی و هیات بازرسان شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی، حرفه ای کشور
- انتخابات کمیسیون‌های اتاق
- میزگرد مقدماتی کنفرانس مدیریت ریسک در شرکت‌ها
- حضور در کنفرانس "ارزیابی چالش‌ها و فرصت‌های کسب و کار در بنگاه‌های صنعت آب، آبفا و برق"
- حضور در دوره آموزشی قوانین حمل و نقل در وزارت صنعت و معدن و تجارت در ۹ شهریور با نماینده سندیکا
- جلسه مشترک با انجمن مهندسان معمار و شهرساز
- دیدار آقای حبیب‌زاده از شورای شهر تهران با آقای مهندس دادمان

فعالیت‌های آموزشی دبیرخانه

- برگزاری دوره‌های آموزشی ماشین‌آلات
- کارگاه آموزشی اهمیت مدیریت سرویس
- کارگاه آموزشی تست موتوروگیربکس
- کارگاه آموزشی- چگونه با OCM در ماشین‌آلات
- دوره‌های آموزشی و ایمنی زیر نظر مستقیم مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت فنی و بهداشت کار
- برگزاری دوره آموزش ایمنی ویژه مسئولین و ایمنی شرکت‌های پیمانکاری
- برگزاری دوره آموزش ایمنی ویژه مدیران عالی شرکت‌های پیمانکاری
- برگزاری دوره آموزش ایمنی ویژه کارگران شرکت‌های پیمانکاری
- برگزاری دوره آموزش ایمنی برای کارگاه شرکت‌های عضو در محل کارگاه عمرانی (طبق درخواست)

منافع و چالش‌های تامین مالی خارجی

وام گرفتن از کشورهای خارجی به هیچ وجه نشان‌دهنده ضعف در نظام اقتصادی کشورها نیست

محمود غلامی

هنگامی‌که اخبار مربوط به قراردادهای تامین مالی بین‌المللی (فاینانس) منتشر می‌شود، برخی گمان می‌کنند که تامین مالی از خارج از کشور، نشانه ضعف اقتصاد کشور است و این نکته را مطرح می‌کنند چرا کشوری که منابع غنی و سرشار نفت و گاز دارد، باید از کشورهای خارجی وام بگیرد و برای آن سود هم پرداخت کند.

برخی دیگر اما از زاویه عملکرد گذشته و سال‌های قبل از انقلاب به نقد این قراردادها می‌پردازند.

به باورآنان چرا کشوری که در آن دوران به کشورهای خارجی (و حتی به ادعای آنها به برخی کشورهای اروپایی) وام می‌داده، اکنون باید از کشورهای گوناگون (از جمله برخی کشورهای آسیایی) وام دریافت کند. عده‌ای دیگر، ایجاد بدهی خارجی را آینده‌فروشی می‌دانند و معتقدند که بدهی خارجی، این پتانسیل را دارد که در سال‌های آینده کشور را با مشکل مواجه کند. برخی نیز این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر قراردادهای تامین مالی خارجی به نفع ایران است، چرا طرف‌های خارجی به ایران وام می‌دهند و منافعی که طرف خارجی از وام دادن به ایران می‌برد، چیست.

حقیقت این است که برخی از انتقادات فوق، مبتنی بر فرض‌ها و تحلیل‌های نادرستی هستند. وام گرفتن از کشورهای خارجی، به هیچ‌وجه نشان‌دهنده ضعف در نظام اقتصادی کشورها نیست. نگاهی به آمار بدهی‌های خارجی کشورها نشان می‌دهد بسیاری از اقتصادهای توسعه‌یافته، بدهی خارجی قابل توجهی دارند و تامین منابع مالی خارجی، به شرطی که به نحو حساب شده و برای پروژه‌های اقتصادی انجام شود نه تنها واجد اشکال نیست، بلکه یک مزیت مهم محسوب می‌شود.

واقعیت این است که ایران، اگرچه ظرفیت‌های بسیاری برای اجرای پروژه‌های عمرانی و تولیدی و توسعه اقتصادی دارد، اما در حال حاضر منابع مالی کافی برای اجرای این پروژه‌ها در اختیار ندارد. تنگنای منابع سال‌ها است که از زبان مسئولان دولتی به‌عنوان چالش اصلی اجرای طرح‌های توسعه‌ای در صنایع مختلف مطرح می‌شود.

توسعه صنعت نفت و گاز در ایران نیازمند منابع مالی است که متاسفانه دولت با محدودیت‌های بودجه‌ای که دارد قادر به تامین تمامی‌آنها نیست. از این رو، جذب منابع مالی از خارج از کشور برای اجرای چنین طرح‌هایی، می‌تواند ظرفیت تولید و اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران را افزایش دهد. وام‌ها و منابع مالی خارجی، اگر برای پروژه‌های مولد اقتصادی که درآمد ارزی دارند و قادر به ایفای تعهدات ناشی از وام، از منابع خود پروژه هستند صرف شوند، می‌توانند به گشودن برخی از گره‌ها

> **وام‌ها و تسهیلات مالی خارجی باید صرف اجرای پروژه‌های عمرانی و تولیدی خودگردان شود و قابلیت ایجاد درآمد ارزی برای کشور داشته باشند تا بازپرداخت منابع مالی تامین شده از محل درآمد همان پروژه‌ها صورت گیرد. بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه باید چارچوب مشخصی را برای اولویت‌بندی پروژه‌ها و بخش‌های اقتصادی در جهت استفاده از منابع مالی خارجی طراحی کنند**

و چالش‌های اصلی توسعه کشور کمک کنند. همان‌طور که در یک خانوار، وام گرفتن اگر برای خرید کالاهای مصرفی نباشد و برای اموری همچون تامین مسکن باشد، به پیشرفت اقتصادی خانواده کمک می‌کند و در یک بنگاه اقتصادی، وام گرفتن برای توسعه توان تولیدی آن بنگاه امری پسندیده است، در یک کشور نیز وام گرفتن برای افزایش ظرفیت تولید و رقابت‌پذیر کردن اقتصاد، امری مفید و حتی گاه ضروری است و نباید از این فرصت چشم‌پوشی کرد.

بند (الف) تبصره ۳ قانون بودجه سال جاری کشور که سقف تسهیلات تامین مالی خارجی در سال جاری را معادل ۵۰ میلیارد دلار (علاوه‌بر باقیمانده سهمیه سال قبل) در نظر گرفته است، با همین ملاحظه تدوین شده و اجازه تامین مالی از خارج از کشور را صادر کرده است.

علاوه‌بر این، اعطای وام‌های بلندمدت به یک کشور نشانه آن است که کشور وام‌دهنده به نظام مالی و اقتصادی کشور وام‌گیرنده و بانک‌های آن اطمینان کافی دارد و حاضر به برقراری روابط بلندمدت با آن شده است. نگاهی به آمار بدهی خارجی کشورها نشان می‌دهد که برخی از کشورهای فقیر و توسعه‌نیافته صرفا به این دلیل بدهی خارجی اندکی دارند که سایر کشورها اعتمادی به نظام مالی و اقتصادی آنها ندارند؛ بنابراین حاضر به اعطای وام به آنها نشده‌اند.

همچنین این نکته که طرف خارجی از اعطای وام به ایران منتفع می‌شود، اگرچه صحیح است، اما به این معنا نیست که ایران از دریافت این وام‌ها منتفع نمی‌شود. سود بردن یک طرف در تجارت و روابط مالی، لزوما به معنای زیان دیدن طرف دیگر نیست. معمولا کشورها اعطای وام‌های خود را منوط به این می‌کنند که بخشی از خرید دانش فنی و تجهیزات پروژه‌های موضوع وام، از آنها انجام گیرد. با این حال، این قاعده حدود و ثغور مشخص خود را دارد و بخشی از سهم داخلی پروژه و همچنین سهم کشور ثالث نیز قابلیت استفاده از وام خارجی را دارد. علاوه‌بر این، اگر ایران قراردادهای وام را با کشورهای گوناگون منعقد کند، آن‌گاه برای اجرای هر پروژه، ابتدا تصمیم‌گیری می‌شود که تجهیزات و دانش فنی از کدام کشور خریداری خواهد شد و سپس با توجه به تابعیت پیمانکار یا فروشنده خارجی، از منابع مالی یا وام‌های همان کشور استفاده می‌شود؛ بنابراین در قراردادهای تامین مالی خارجی، عملا هر دو کشور منتفع می‌شوند.

با این حال، نکته صحیحی که در برخی اظهارنظرها درباره وام‌های خارجی نوشته و منتشر شده این است که باید مراقب بود وام‌ها و تسهیلات مالی دریافتی از خارج صرف اجرای پروژه‌های عمرانی و تولیدی خودگردان شود و قابلیت ایجاد درآمد ارزی برای کشور را داشته باشند تا بازپرداخت منابع مالی تامین شده از محل درآمد همان پروژه‌ها صورت گیرد.

همچنین لازم است بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور، چارچوب مشخصی را برای اولویت‌بندی پروژه‌ها و بخش‌های اقتصادی در جهت استفاده از منابع مالی خارجی طراحی کنند؛ به‌نحوی‌که توازن لازم در استفاده از منابع مالی خارجی در بخش‌های مختلف کشور وجود داشته باشد.

بانک‌ها نیز به‌عنوان امضاکنندگان قراردادهای تامین مالی خارجی باید نظارت‌های لازم را انجام دهند تا منابع دریافتی، دقیقا در پروژه‌ها و به شکل مقرر در قراردادها هزینه شوند و انحرافی در استفاده از وجوه مزبور رخ ندهد. به‌عبارت دیگر، ملاحظات مربوط به اجرای صحیح قراردادهای فاینانس و مطالبی که از این باب تذکر داده می‌شود، مهم و قابل توجه بوده و لازم است دستگاه‌های فوق آنها را مدنظر قرار دهند.

منبع: دنیای اقتصاد- ۱۳ شهریور

جزئیات نحوه تزریق ۸ میلیارد یورو پول در اقتصاد ایران

معاون اداره تامین اعتبار ارزی بانک مرکزی از گشایش فاینانس ۸ میلیارد یورویی کره جنوبی از سوی ۱۲ بانک ایرانی خبر داد و گفت: پروژه‌ها پس از تائید شورای اقتصاد، به طرف کره‌ای معرفی می‌شوند. حمید قنبری در گفتگو مهر با تشریح جزئیات فاینانس ۸ میلیارد یورویی کره‌ای‌ها برای اقتصاد ایران گفت: بر اساس قراردادی که میان ایران و کره‌جنوبی به امضا رسیده است، خط اعتباری برای تامین مالی پروژه‌های تولیدی و عمرانی ایران در نظر گرفته شده و بر اساس آن، پروژه‌ها توسط طرف ایرانی مشخص و به طرف کره‌ای معرفی می‌شوند. معاون اداره تامین اعتبار ارزی بانک مرکزی افزود: هر دستگاه اجرایی پروژه‌های اولویت‌دار خود را انتخاب کرده و اگر پروژه‌ای مربوط به وزارت نفت، پتروشیمی یا پالایشگاه باشد، از سوی دستگاه مربوطه باید به تائید برسد تا مشخص شود که جزو پروژه‌های اولویت دار آن وزارتخانه محسوب می‌شود.

وی تصریح کرد: به عنوان مثال اگر مربوط به راه‌آهن یا صنعت راهسازی باشد، وزارت راه و شهرسازی باید اولویت آن را تائید کرده و به عبارتی تائیدیه دستگاه ذیربط خود را داشته باشد؛ آنگاه حسب مورد، اگر مصوبه شورای اقتصاد لازم باشد، این شورا، مصوبه مربوطه را صادر خواهد کرد. به گفته قنبری، بعد از طی همه مراحل مذکور، امکان استفاده از فاینانس برای پروژه فراهم می‌شود که البته سهمیه هر دستگاه نیز مشخص شود که چقدر در نظر گرفته شده است.

پس از آن، پروژه برای تامین مالی به طرف کره‌ای معرفی می‌شود. وی اظهار داشت: بعد از معرفی از سوی ایران، بانک کره‌ای، قرارداد مخصوص را برای هر پروژه و طرح، منعقد کرده و تامین مالی هر پروژه را صورت می‌دهد؛ به این معنا که مجموع خط اعتباری کره که معادل ۸ میلیارد یورو است، مورد استفاده قرار گیرد. این مقام مسئول در بانک مرکزی خاطرنشان کرد: دوازده بانک ایرانی در حال حاضر می‌توانند این تسهیلات را دریافت کنند./ خبرگزاری مهر- ۶ شهریور

بحران آب در ایران علت‌ها و راهکارها

دکتر اسماعیل طلوعی
دکترای مهندسی راه و ساختمان
با گرایش توسعه منابع آب

۱- موقعیت منابع آبی ایران در جهان
۲- علت‌های بروز بحران آب در ایران
۳- راهکارهای برون رفت از بحران

توضیح: این مقاله در کمال بی‌طرفی با هدف کالبد شکافی واقعیت‌های موجود در بدنه مدیریتی منابع آب ایران تهیه شده است با این باور که شناخت درست واقعیت‌ها، پیش نیاز برون رفت از بحران آب خواهد بود، با تاکید بر این نکته که تلاش‌های ارزشمند انجام شده درزمینه توسعه پایدار منابع آب نبایستی از نظر دور بماند.

۱ – موقعیت منابع آبی ایران در جهان

۱ - ۱ : بارش‌های جوی در جهان

- حجم کل بارش‌های جوی روی کره زمین معادل ۴۴۰۰۰۰ کیلومترمکعب در سال
- بارش‌های جوی در سطح جهان به‌طور متوسط معادل ۸۶۰ میلیمتر در سال
- بارش‌های جوی در سطح ایران به‌طور متوسط معادل ۲۴۰ میلیمتر در سال و یا ۲۸٪ میانگین جهانی
- حجم کل بارش‌های جوی روی سطح خشکی کره زمین معادل ۱۲۵۰۰۰ کیلومتر مکعب در سال، که ۶۰٪ آن به صورت آب‌های سطحی و زیرزمینی قابل بهره‌برداری است.

۲ – ۱ : الگوی مصرف آب در جهان (آمار ۲۰۰۷) و ایران

	در جهان	در ایران
• مصرف آب برای آبیاری	٪۶۹	٪۹۲
• مصرف آب برای صنعت	٪۲۳	٪۲
• مصرف آب شهری (شرب و بهداشت)	٪ ۸	٪ ۶

۳ – ۱ : بودجه آبی کشورهای جهان (آمار ۲۰۰۸)

- کویت با کمترین منابع آب تجدید شونده (۰٫۰۲ میلیارد ویا ۲۰ میلیون متر مکعب در سال) فقیرترین کشور جهان
- عربستان سعودی با منابع آب تجدید شونده به میزان ۲٫۴ میلیارد متر مکعب در سال دارای رتبه ۲۱ در جهان
- برزیل با منابع آب تجدید شونده به میزان ۸۲۳۳ میلیارد متر مکعب در سال غنی‌ترین کشور جهان
- ایران با منابع آب تجدید شونده به میزان ۱۳۷٫۵ میلیارد مترمکعب در سال دارای رتبه ۱۱۶ در جهان، به این معنی که از ۱۱۵ کشور جهان غنی‌تر و از ۵۷ کشور جهان فقیرتر است. البته همانطوری که خواهیم دید این رتبه در سال‌های بعد تنزل پیدا کرده است.

۴ – ۱ : سرانه آب تجدیدشونده در جهان و ایران

- متوسط سرانه آب در جهان حدود ۱۰۰۰۰ متر مکعب برای هر نفر در سال
- **متوسط سرانه آب در ایران:**
  - در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۹۶۵ مترمکعب برای هر نفر
  - در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۳۷۵ مترمکعب برای هر نفر

۵ – ۱ : مصرف سرانه آب در جهان و ایران

- متوسط مصرف سرانه آب در جهان (آمار ۲۰۱۰) معادل ۶۳۵ مترمکعب در سال
- متوسط مصرف سرانه آب در ایران معادل ۲۳۰۰ مترمکعب در سال

۲ – علت‌های بروز بحران آب در ایران

مقدمه: نظر اجمالی به آنچه که در بخش اول مقاله آمده است، نشان می‌دهد که با وجود رتبه مناسب منابع آبی ایران در جهان، کشور ما درردیف اولین کشورهای بحران‌زده جهان قرار دارد. در این بخش سعی می‌شود عواملی که موجب بروز بحران آبی در ایران شده است، مرور شود. در راس همه عوامل بایستی بپذیریم که حتی در ایده‌آل‌ترین شرایط مدیریتی، منابع آب تجدیدشونده ایران تنها برای جمعیتی معادل ۶۰ میلیون نفر کفایت دارد و جهت تامین آب برای جمعیت‌های بیشتر بایستی هزینه‌های بسیار گزافی (اعم از هزینه‌های سرمایه‌گذاری، نگهداری و بهره‌برداری و نیز خسارت‌های زیست‌محیطی ناشی از برداشت غیر مجاز از منابع آبی کشور) پرداخت شود، هزینه‌هایی که تحمل آن غیرممکن خواهد بود. این اولین اصلی است که در نقشه راه برای آمایش سرزمین ایران بایستی مدنظر قرار گیرد و در همین راستا دومین اصل، مدیریت مصرف به ویژه در بخش کشاورزی می‌باشد، چنانچه بخواهیم نسل‌های بعدی ساکن در مناطق مختلف مملکت ما بدون تنش آبی به زندگی خود ادامه دهند.

۲ –۱: نبود نقشه راه برای آمایش سرزمین ایران، آمایش سرزمین ایران به این معنی است که در هر منطقه از کشورمان به مقتضای شرایط اقلیمی و منابع و محدویت‌های آن منطقه، راهکار سازگاری برای رسیدن به وضعیت پایدار اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی تعریف شود و نگاه جامعه برای رسیدن به هدف‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت درست به گونه‌ای باشد که در نقشه راه مشخص شده است.

۲ –۲: نبود ساختار قانونی و نبود قانونمندی در مدیریت کلان منابع آب، ساختار حاکم به گونه‌ای‌ست که حتی یک مدیر لایق و کاردان نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. به عنوان مثالی ملموس در این زمینه می‌توان به تعدد مدیریت در حوضه آبریز یک رودخانه واحد اشاره نمود، این ساختار درست مغایر ساختاری است که امروزه دنیا به آن رسیده است و در قالب آن عمل می‌کند (مدیریت یکپارچه منابع آب).

۲ - ۳: نبود قانون کارآمد در خصوص حفاظت

منابع آب و آبخیزها، نبود نظارت مسئولانه در زمینه اجرای قوانین موجود و در نتیجه دور زدن قوانین بدون نیاز به پاسخگویی

۲ – ۴: هرج و مرج در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز در زمینه طرح‌های توسعه منابع آب با ملاحظات سیاسی، امنیتی و مصلحتی، ناشی از دیدگاه‌های با زاویه بسیار تنگ. به عبارت دیگر عدم اعتقاد و یا اعتماد به بدنه کارشناسی در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز و نبود ظرفیت در پذیرش و یا حتی شنیدن انتقادهای سازنده

۲ – ۵: عدول از خطوط قرمز توسط برخی از مهندسان مشاور، عهده‌دار مطالعات مربوط به طرح‌های زیربنایی صنعت آب (تضاد بین جاذبه‌های مالی و تقوای حرفه‌ای) و در عین حال نبود ظرفیت‌های لازم در دستگاه‌های اجرایی مملکت که بتوانند خطوط قرمز در تصمیم‌گیری‌های مشاور را کنترل نمایند. به عنوان مثال‌هائی در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۲ – ۵ – ۱: طراحی و احداث حدود ۲۰ سد مخزنی بزرگ در حوضه آبریز دریاچه ارومیه با دیدگاه حداکثر مقیاس توسعه (حداکثر B-C)، یعنی با هدف بهره‌برداری حداکثر از منابع آب رودخانه‌های ورودی به دریاچه (و البته با بیشترین هزینه) و بدون رعایت حقابه‌های زیست‌محیطی، که اثرات مخرب آن امروزه کاملا آشکار گردیده است. هم اکنون که دولت برای جبران اشتباهات به فکر رها کردن حقابه‌های زیست‌محیطی از سدهای مذکور بر آمده است، اجبارا بایستی با احداث سرریز آزاد میانی، هزینه‌های اضافی قابل ملاحظه‌ای را بر روی تک‌تک این سدها متحمل شود. در غیر این صورت برنامه دولت در حد شعار باقی خواهد ماند.

در همین راستا، نویسنده مقاله در اوایل دهه هفتاد به جرم دفاع از حقابه دریاچه ارومیه از رودخانه‌های ورودی به آن و تیز حقابه دشت گیلان از سیستم رودخانه سفیدرود، متحمل خسارت‌های مالی و حیثیتی سنگینی گردیده است که خود بحث مفصلی است!

۲ – ۵ – ۲: اشتباهات فاحش مهندسی در مطالعات و طراحی سدها، مانند سد گتوند بر روی رودخانه کارون، سد عباس آباد (۱۵ خرداد) بر روی رودخانه قم رود، سد استور و پروژه دردست اجرای سد مشمپا بر روی رودخانه قزل‌اوزن، سد شیاده در منطقه بند پی بابل و...

لازم است اشاره شود که در شرح خدمات قرارداد مطالعات و طراحی پروژه‌های زیربنایی صنعت آب، موکدا لازم است که در مراحل اولیه مطالعات یک گزارش توجیهی به نام گزارش امکان‌یابی پروژه توسط مهندس مشاور تهیه و برای بررسی به دستگاه اجرائی (کارفرما) تقدیم شود. این گزارش به صورت مستند بایستی به این نتیجه برسد که پروژه مورد بحث مردود است و یا اینکه می‌تواند به مرحله بعدی مطالعات راه یابد. در سطح بین‌الملل چه بسا که بسیاری از پروژه‌ها در همین مرحله مردود و متوقف شده‌اند، در حالیکه در کشور ما تا جایی که نویسنده در جریان می‌باشد، هیچگونه پروژه سدسازی در مرحله امکان‌یابی (Feasibility) رد نشده است! شرح دلایل آن در این مبحث نمی‌گنجد.

۲ – ۶: ندیده گرفتن دیپلماسی آب و یا برخورد ضعیف و نادرست با این مسئله. این موضوع در خصوص رودخانه‌های مرزی (آبهای ورودی و یا خروجی از کشور) و یا حتی در رودخانه‌های بین‌المللی که بر محیط زیست ایران تاثیرگذار می‌باشند بسیار حائز اهمیت است. مثال‌هایی در این زمینه؛

۲ – ۶ – ۱: مطرح کردن انتقال آب رودخانه مرزی زاب به دریاچه ارومیه و انعکاس آن در رسانه‌های داخلی کشور، در حالیکه چنین طرحی اصولا عملی نبوده و هیچوقت نیز عملی نشده است. اینک که سد مخزنی زاب در شهرستان سردشت با هدف هیدروالکتریک و آبیاری ساخته شده، موضع‌گیری و اعتراض کردستان عراق را موجب گردیده است.

۲ – ۶ – ۲: عدم توفیق ایران در برقراری حقابه‌های تاریخی خود از رودخانه هیرمند بر اساس پروتکل‌های معتبر گذشته. در سال‌های اخیر تنها آب مازاد رودخانه هیرمند به ایران می‌رسد، به این معنی که برای تغذیه رودخانه سیستان در ایران دبی پایه و منظمی وجود نداشته و تنها جریان‌های سرریز شده از سدهای افغانستان که فعلا خارج از کنترل آنهاست، به ایران وارد می‌شود. با این ترتیب ممکن است که روند فعلی به یک فاجعه زیست‌محیطی در سیستان بیانجامد.

۲ – ۶ – ۳: مطالعات، طراحی و اجرای پروژه‌های توسعه منابع آب سطحی در مناطق مرزی بر روی رودخانه‌های ورودی و خروجی بدون دیپلماسی همزمان با کشورهای ذیربط. نتیجه این کار ممکن است به صرف هزینه‌های بسیار سنگینی منجر شود که در عمل نتوانیم از ظرفیت‌های ایجاد شده استفاده کنیم. به عنوان مثال احداث سدمخزنی دوستی بر روی رودخانه مرزی هریرود برای تامین آب شرب شهر مشهد و پروژه‌هایی که بر روی رودخانه‌های مرزی غرب کشور اجرا شده و یا در دست اجرا می‌باشند.

۲ – ۶ – ۴: بروز فاجعه زیست محیطی در اثر خشک شدن هورالعظیم ناشی از فعالیت‌های بسیار گسترده سدسازی دولت ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات. پروژه‌های سدسازی ترکیه در عین حال اثرات بسیار مخربی در کیفیت آب اروندرود خواهد داشت و در آینده نزدیک موجب پس زدن آب شور در کل اروند رود خواهد گردید.

توضیح: نمونه موفقی از دیپلماسی آب را می‌توان بین ۱۰ کشور آفریقائی در حوضه رودخانه نیل (طولانی‌ترین رودخانه جهان) جستجو نمود به این معنی که حدود ۹۷٪ بودجه آبی کشور مصر از رودخانه نیل تامین می‌شود، در حالی که مصر پایین دست‌ترین کشور در حوضه نیل بوده و حوضه آبخیز رودخانه کلا در سایر کشورها قرار دارد.

۲ – ۷ : خشکسالی و تغییر اقلیم

بدون شک خشکسالی و پدیده گرم شدن کره زمین در تشدید بحران آب به ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان بسیار موثر است ولی میزان این تاثیر به مدیریت تامین و مصرف آب برمی‌گردد. منابع آب تجدید شونده جهان در طول تاریخ دوره‌های متعدد خشکسالی و ترسالی را تجربه نموده و در عین حال شرایط پایدار اکولوژیک خود را حفظ نموده است. اثر خشکسالی بر روی منابع آبهای سطحی (رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها) بسیار سریع و مخرب است ولی طبیعت برای حفظ بقای خود قوانین پایدار و محکمی دارد، به این معنی که در طبیعت اثرات مخرب خشکسالی بر روی منابع آبهای سطحی، با منابع آبهای زیرزمینی تعدیل می‌شود. در نظم طبیعت منابع آبهای زیرزمینی در حکم چرخ لنگری است که در یک موتور نوسانات سرعت را

کنترل می‌کند چون توان اضافی سیستم را جذب نموده و در شرایط نیاز به سیستم پس می‌دهد.
چنانچه به لحاظ مدیریت نادرست، پیوند آب سطحی و زیرزمینی در منطقه‌ای قطع شود (سطح آب زیرزمینی از حد مجاز پایین‌تر رود)، دیگر آب زیرزمینی نمی‌تواند در دوره‌های خشکسالی به کمک آب سطحی بیاید و در نتیجه دوره خشکسالی شدید و طولانی می‌گردد و در نهایت به ناپایداری اکولوژیک می‌انجامد. ابداع سیستم قنات در مناطق خشک و کم‌آب ایران توسط پیشینیان ما همواره ارتباط آب سطحی و زیرزمینی را حفظ می‌کرده است به گونه‌ای که اقوام ایرانی ساکن در مناطق خشک با بارندگی سالانه ۱۰۰ میلیمتر، قادر گردیدند در زادگاه خویش بدون تنش آبی زندگی نمایند و به امر تولید اشتغال ورزند. احداث چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در تمام مناطقی از ایران که سیستم قنات وجود داشته است، یک اشتباه فاحش مدیریتی به حساب می‌آید. بیلان آبهای زیرزمینی ایران در سال‌های نه چندان دور نشان می‌دهد که قنات‌ها و چشمه‌ها نقش عمده‌ای در استحصال آب زیرزمینی داشته‌اند، در حالیکه امروزه جای خود را به چاه‌های عمیق داده‌اند. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که مدیری بدون شناخت قوانین حاکم در طبیعت بخواهد با تصمیمی متهورانه، وضعیت موجود را متحول نماید. او نمی‌داند که خسارت‌های تصمیم او برای جامعه فعلی و نسل‌های آینده چقدر سنگین است و چه میراث شومی برای مدیر بعدی خود به ارث می‌گذارد. اسفناک‌تر آنکه در این گیرودار محکمه‌ای وجود ندارد که مدیر خاطی در مقابل آن پاسخگو باشد.
نمونه‌های ملموس‌تری از مدیریت نادرست منابع آب که در مورد رودخانه‌های کشور به وفور مشاهده می‌شود، واگذاری حق امتیاز برداشت مصالح رودخانه‌ای به پیمانکاران است. مسئله این است که دستگاه اجرایی و یا متولیان منطقه‌ای منابع آب با توجه به هزینه‌های جاری فوق‌العاده خود، امتیاز برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه و یا ایجاد تاسیسات پرورش ماهی در مسیر رودخانه را واگذار می‌نمایند و حتی چشمه‌های آبا و اجدادی روستاها را به پیمانکاران بسته‌بندی آب شرب (Water Bottling) می‌فروشند و در این میان هیچگونه نظارت موثری در کار پیمانکاران ندارند.
وقتی که مصالح شن و ماسه و سنگ بستر رودخانه‌ها به حدی برداشت می‌شود که بستر رودخانه به گل می‌رسد، دیگر رفتار رودخانه تغییر می‌کند و دو پدیده زیر رخ می‌دهد:
پدیده اول: نقش زایندگی رودخانه که به وسیله جریان‌های زیر بستری در آبرفت (مصالح رودخانه‌ای) ذخیره شده و در زمان کم آبی رودخانه را تغذیه می‌کرده است، قطع می‌گردد و در نتیجه با کوتاه‌ترین دوره خشکسالی، رودخانه خشک می‌شود. در همین راستا اخیرا (تیرماه سال جاری) یکی از مسئولین وزارت نیرو اعلام نموده است که با کاهش ۱۰٪ بارندگی، جریان رودخانه‌های کشور ۲۵٪ کاهش پیدا کرده است. متاسفانه ایشان نمی‌توانند به بدنه تصمیم‌گیری کلان منابع آب کشور اعم از وزارت متبوع خود و یا متولیان متعدد دیگر تفهیم نمایند که بریدن بیخ شاخه‌ای که بر روی آن نشسته‌ایم، موجب سقوط ما می‌شود!
پدیده دوم: با برداشت سنگ‌های درشت در بستر جاری و بستر سیلابی رودخانه (سنگ‌های آرمور) در واقع قدرت رودخانه را در کاهش انرژی سیلاب گرفته‌ایم و به اصطلاح رودخانه را در مقابل سیلاب خلع سلاح کرده‌ایم و در نتیجه انرژی سیلاب‌ها با روند فزاینده‌ای شتاب می‌گیرد و موجب خسارت‌های سنگین و گاها غیرقابل جبران می‌شود، خسارت‌هایی که در تمام موارد به حساب بلایای طبیعی گذاشته می‌شود.
وجود سنگ‌های آرمور در بستر رودخانه‌ها که خود زمانی به وسیله رودخانه حمل شده‌اند، در امر هوادهی و جذب اکسیژن آب کمک می‌کنند و از این طریق در بهبود کیفیت شیمیایی آب رودخانه (خود پالایی) تاثیر حیاتی دارند. بستر سیلابی رودخانه‌ها در شکل طبیعی خود عامل بسیار موثری در کند کردن سیلاب‌ها از یکسو و تغذیه آبخوان زیرزمینی از سوی دیگر می‌باشند، بنابراین بایستی در فرم طبیعی خود حفظ شده و از تجاوز به آن خودداری شود.
از نظر اقلیمی کشور ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد. توزیع مکانی و زمانی بارش‌های جوی مناسب نیست. از نظر توزیع مکانی می‌توان گفت که ۷۵٪ بارش‌های جوی در ۲۵٪ مساحت کشور رخ می‌دهد (۱۳۰۰ میلیمتر در شمال تا کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در جنوب شرق کشور)، از نظر زمانی فصل‌های تر با فصل‌های نیاز حداکثر آبیاری همساز نیست. دو عامل محدودکننده فوق‌الذکر نشان می‌دهند که در ایران اجرای پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای و احداث سدهای مخزنی امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد منتهی این پروژه‌ها بایستی در قالب طرح ملی آمایش سرزمین ایران تعریف شوند نه به صورت محلی، ناحیه‌ای و سلیقه‌ای و نه در خارج از اصول توسعه پایدار.
تغییر اقلیم و پدیده گرمایش کره زمین آثار مخربی در اقلیم حساس مملکت ما به وجود آورده است، باین معنی که رژیم طبیعی رودخانه‌ها از حالت دبی پایه به حالت سیلابی در حال دگرگونی است، البته برداشت بی‌رویه دبی پایه رودخانه‌ها در طول مسیر آنها یک عامل تشدیدکننده در این ماجراست. سیلاب‌های اخیر با دبی اوج بالاتر و دوام کمتر رخ می‌دهند که نتیجه آن فرسایش شدید خاک در حوضه آبریز و افزایش نرخ رسوبگذاری در مخازن سدهای کشور است. در سال‌های اخیر مخازن نیمه خالی اکثر سدهای کشور با سیلاب‌ها پر شده است. این موضوع درست است که موجب خوشحالی مسئولین به‌لحاظ پر شدن مخزن سد می‌شود ولی خود موجب انباشته شدن مقدار زیادی گل و لای در مخزن می‌گردد و در عین حال زمان ماندابی مخزن افزایش می‌یابد که خود موجب افزایش تلفات تبخیر و کاهش کیفی آب تنظیم شده خواهد شد. بر اساس آمار دوران بهره‌برداری گذشته، سالانه حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب از مخازن سدهای کشورمان در اثر رسوبگذاری از دست می‌رود که معادل ۳۰۰ میلیون متر مکعب در سال آب تنظیم شده است. برای توضیح اشاره می‌شود که از دست رفتن ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب تنظیم شده در سال معادل است با از دست دادن آب مورد نیاز برای ۳۰ هزار هکتار اراضی (آبی) کشاورزی و یا ۴ میلیون نفر جمعیت شهری. همه اینها چالش‌هایی است که در طرح ملی آمایش سرزمین ایران با آنها روبرو خواهیم بود.

۳ - آثار برون رفت از بحران

برون رفت از بحران آب یعنی بتوانیم کشورمان را در وضعیتی به شرح زیر مجسم کنیم:
- رودخانه‌های دائمی‌ما در تمام فصل‌های سال جریان زیست محیطی خود را برای

حیات آبزیان ازنظر کمی و کیفی دارا هستند.

- دریاچه‌های آب شیرین، برکه‌ها، تالاب‌ها و جشمه‌ها، محیط آبی با طراوت خود را حفظ کرده‌اند و در آنها حیات جریان دارد و همه ساله پذیرای مرغان مهاجر هستند.
- حوضه‌های آبریز و آبخیز و منابع طبیعی در عرصه‌های مراتع و جنگل‌ها از تعرض و آلودگی در امان هستند.
- رودخانه‌ها و منابع آب‌های سطحی کشورمان در دوران تر سالی آبخوان‌های زیرزمینی را تغذیه می‌کنند و به این ترتیب ذخیره مناسبی را برای دوران خشکسالی فراهم می‌آورند.
- منابع آب‌های زیرزمینی در دوران خشکسالی به کمک منابع آب‌های سطحی می‌روند، رودخانه‌ها را تغذیه می‌کنند و به این ترتیب دوره‌های خشکسالی بدون بحران سپری می‌شوند
- برنامه‌ریزی و استفاده از منابع آب در هر منطقه‌ای از ایران به صورت هدفمند، سازگار با اصول توسعه پایدار و در قالب طرح ملی آمایش سرزمین صورت می‌گیرد.
- مدیریت منابع آب مملکت به صورت یکپارچه و تحت مسئولیت واحدی عمل می‌کند و نسبت به عملکرد خود پاسخگوست.
- سیستم‌های مدیریت تولید، مدیریت مصرف و حفاظت منابع آب و نظارت بر اجرای آن در طرح آمایش سرزمین به روشنی تعریف شده است.
- آبادی‌ها و مراکز جمعیت در مناطق خشک و مرزی کشور حفظ شده است. به این معنی که هموطنان ما در خشک‌ترین مناطق (زادگاه) دسترسی کافی به آب مورد نیاز خود دارند و نیز به مقتضای استعداد منطقه شغل و تولیداتی دارند و سرشار از امید به زندگی خود ادامه می‌دهند.
- توزیع مکانی جمعیت در سطح کشور متعادل است، بخش‌هایی از مملکت از سکنه خالی نیست و بخش‌های دیگری دچار انفجار جمعیت نمی‌باشد.
- در برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از منابع آب‌های مرزی (رودخانه‌های مرزی ورودی و یا خروجی) دچار مباحث تنش‌زا و اختلاف بر انگیزنمی‌باشیم بلکه با دیپلماسی خردمندانه و قانونمند توانستیم مسائل را در شرایط برد- برد حل کنیم.

رسیدن به وضعیت فوق در حال حاضر تنها به صورت یک آرمان مقدس جلوه می‌کند، به ویژه اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که شرایط بحران فعلی به سمت وخیم‌تر شدن در سال‌های آینده پیش می‌رود. کافیست تصور کنیم که جمعیت ایران با روند فعلی به ۱۰۵ میلیون نفر در سال ۱۴۰۴ خواهد رسید و در آن سال حتی با حتی با فرض ثابت ماندن منابع آب تجدید شونده به میزان فعلی (فرض خوشبینانه)، سرانه آب تجدید شونده به نصف میزان سال ۱۳۸۸ کاهش خواهد یافت. بدین ترتیب کاملا روشن است که برای برون رفت از بحران آب، ایجاد یک تحول بنیادی در جامعه ما غیرقابل اجتناب می‌باشد. تحول بنیادی بایستی به دور از اقدامات شتابزده و فرد محور بوده و مبتنی بر اصولی باشد که بتواند سرزمین ایران را از نظر منابع آب به وضعیت پایدار که سیمای آن در بالا ارائه شده است، برساند. در این راستا باید بپذیریم به همان اندازه که هدف متعالی است، راه دشوار است و برای گذر از این راه دشوار باید دیدگاه‌ها و معیارهای حاکم در جامعه به کلی دگرگون شوند. نقشه راه برای رسیدن به هدف باید توسط هسته‌ای از کارشناسان مستقل، مجرب، دارای تقوای حرفه‌ای و فارغ از پست و مقام سازمانی تهیه شود و با اعمال نظرات سازنده از صاحب‌نظران آگاه، به کمال برسد. نقشه نهائی شده بایستی بتواند برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت را به روشنی تعریف نماید و بر اساس آن طرح آمایش ملی سرزمین ایران تهیه شده و توسط سازمانی با مسئولیت‌ها، اختیارات و سیستم نظارتی تعریف شده به مورد اجرا درآید.

بدون پرداختن به جزئیات، اصول بنیادی در طرح آمایش سرزمین ایران به شرح زیر پیشنهاد می‌شود. بدیهی است این پیشنهاد می‌تواند در یک فضای کارشناسی با دید همه جانبه به بحران حاضر، مورد بررسی و نقد قرار گرفته و در نهایت تعدیل و یا تایید شود.

اصول بنیادی در طرح آمایش ملی سرزمین ایران

۱ - کنترل جمعیت و محدود کردن جمعیت ایران در افق درازمدت به حدود ۶۰ میلیون نفر

۲ - محدود کردن جمعیت کلانشهر تهران (پایتخت) به میزان ۶ میلیون نفر و سایر کلانشهرها به دو میلیون نفر (کنترل مهاجرت در سطوح ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی)

۳ - مدیریت یکپارچه و قانونمند منابع آب و آبخیزها صرفنظر از تقسیمات کشوری، همراه با سیستم نظارتی مستقل

۴- مدیریت مصرف به ویژه در بخش کشاورزی، به گونه‌ای که در افق درازمدت نیازهای آبیاری بر پایه ترکیب کشت مصوب در هر منطقه و رطوبت موجود در خاک، در هر زمان به وسیله مرکز دیسپاچینگ منطقه‌ای آب در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد. پیش نیاز رسیدن به این هدف، یکپارچه کردن هر چه بیشتر اراضی کشاورزی در قالب شرکت‌های سهامی زراعی می‌باشد

۵ - احیای سیستم قنات در مناطق خشک ایران و مسدود کردن کلیه چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در این مناطق

۶ - ایجاد سیستم تشویق و تنبیه در بین مصرف‌کنندگان آب و برقراری یارانه آب برای مناطق خشک و دورافتاده

۷ - دیپلماسی آب و ایجاد ارتباط سازنده با کشورهای همسایه با هدف حفظ حقابه‌های تاریخی و حفظ زیست‌بوم‌های آسیب‌پذیر و متاثر

در نظر اول، برخی از اصول فوق‌الذکر ناممکن و حتی مسخره به نظر می‌آیند ولی واقعیت بسیار تلخ این است که باید پذیرفت که برای نجات کشور از نابودی، چاره‌ای جز پذیرفتن اصول بنیادی در طرح آمایش سرزمین خود ندارند و به این باور رسید که وضعیت ما دقیقا مانند وضعیت بیماری است که برای زنده ماندن، به قطع دست و پای خود گردن می‌نهد و می‌پذیرد که هرچه زودتر اینکار انجام شود، شانس بیشتری برای ادامه حیات دارد.

در پایان باید بدانیم که خداوند با قوانین بسیار حساب شده‌ای که در طبیعت گذاشته است، همواره نظاره‌گر عملکرد جامعه ماست، به مصداق شعر سعدی:

یکی بر سر شاخه، بن می‌برید
خداوند بستان نگه کرد و دید
بگفتا که این مرد، بد می‌کند
نه با من که با نفس خود می‌کند

گفتگو با مهندس شعبان یوسفیان، عضو هیات مدیره سندیکا درباره وضعیت شرکت‌های عمرانی

بخش خصوصی باید توانمند باشد تا اقتصاد بچرخد

مهندس شعبان یوسفیان متولد سال ۱۳۳۳ است. بعد از اتمام تحصیلات خود در رشته عمران از دانشگاه مازندران، با استخدام در شرکت پل سنگ سنندج وارد عرصه سازندگی شد. بعد از تجربه آموزی در چند شرکت صاحب نام کشور در سال ۱۳۸۲ به عنوان سهامدار به شرکت پارس یکم پیوست و هم اکنون رئیس هیات مدیره این شرکت می‌باشد.

مهندس یوسفیان طی سال‌های اخیر عضو کمیسیون فنی و عضو کمیسیون بازنگری قوانین شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی، حرفه ای کشور بوده است. وی توانست در انتخابات اخیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران اعتماد اعضا را به دست آورد تا به عنوان عضو هیات مدیره دوره بیست و سوم انتخاب گردد.

ماهنامه پیام آبادگران در راستای رسالت خود، برای معرفی این عضو جدید هیات مدیره به شرکتهای عضو، پای صحبت ایشان نشسته است که نظر شما را به خواندن مشروح آن جلب می‌نماییم.

• در ابتدا از دلایل و زمینه‌های ورودتان به حرفه پیمانکاری بگویید، چگونه شد که به فعالیت در این حوزه علاقمند شدید؟

اولین شرکتی که افتخار همکاری با آن را داشتم شرکت پل سنگ سنندج بود که در پروژه هوابرد نیروی زمینی اصفهان به عنوان مهندس دفتر فنی مشغول به کار شدم. در ادامه حرفه مهندسی سرپرستی دفتر فنی پروژه انبوه سازی در خانه اصفهان را با شرکت دامنه پذیرفتم. بعد از بازگشت به تهران همکاری خود را با شرکت اروندراه به عنوان مدیر دفتر فنی و سرپرست اجرایی بخشی از پروژه نیروی دریایی بندرعباس شروع کردم. بعد از حدود ۸ سال همکاری با شرکت اروندراه در سال ۱۳۶۵ بخشی از سهام این شرکت به من واگذار گردید و تا سال ۱۳۷۷ که پروژه نیروی دریایی بندرعباس و پروژه مجتمع مسکونی ایستگاه راه آهن بندرعباس با تلاش اینجانب و سایر همکاران تکمیل و به بهره برداری رسید. شرکت مذکور به دلایل مختلف نتوانست به فعالیت خود در سطح اول پیمانکاری ادامه دهد لذا در همان سال از شرکت اروندراه جدا شده و به شرکت کیسون پیوستم. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ در دفتر مرکزی کیسون در زمینه تهیه اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت همکاری نموده و در مدت ۵ سال همکاری با این شرکت توفیق پیروزی در مناقصه و انعقاد قرارداد پروژه‌هایی نظیر آروماتیک ۴ عسلویه، سد تلمبه ذخیره ای سیاه بیشه، خط لوله نفت نکا-ری و آماده سازی سایت ۴و۵ عسلویه به دست آوردیم. در سال ۱۳۸۲ به عنوان سهامدار به شرکت پارس یکم ملحق شدم و از آن سال تا کنون به عنوان رییس هیات مدیره و مدیر پروژه‌های عمرانی در استانهای خوزستان، آبیک قزوین، تاکستان، بابل واصفهان فعالیت نموده و موفق به انعقاد قرارداد و اجرای کامل حدود ۱۲ پروژه عمرانی در مناطق فوق الذکر گردیدم.

از پروژه‌های برجسته این شرکت می‌توان به قرارداد محوطه سازی و تاسیسات زیربنایی و ساختمان کنترل قطار شهری اصفهان، محوطه‌سازی و تاسیسات زیربنایی دانشگاه صنعت نفت در آبادان، مجموعه ورزشهای آبی سالنی شرکت نفت درخرمشهر، ایستگاههای پمپاژ آبیاری و زهکشی شرکت آب و برق خوزستان و چند واحد شعبه‌های تامین اجتماعی شرکت خانه سازی ایران اشاره نمود.

• بیشتر شرکتها از شرایط رکود و نبود کار گلایه دارند. در این شرایط چگونه شرکت پارس یکم به فعالیت خود ادامه می‌دهد؟

فعال نگه داشتن شرکت‌ها در شرایط رکود به استراتژی مدیران مربوط می‌شود. پیمانکاران برای حفظ سازمان خود در وضعیت رکود ناچارند از توسعه شرکت و سود خود صرف نظر کرده و با مصروف کردن داشته‌های خود چراغ تشکیلات را روشن نگهدارند. البته خوش نامی در سوابق اجرایی می‌تواند به پیمانکاران کمک نماید ولی چاره مشکل نخواهد بود، تداوم این وضعیت در نهایت به ضرر اقتصاد کشور خواهد بود.

شرکت پارس یکم نیز سعی کرد خود را به عنوان شرکت قابل قبول نزد کارفرمایانی که با آنها همکاری داشته است، بشناساند.
شرکت پارس یکم دو رسالت اصلی را در برنامه خود تعریف کرده است که یکی از آنها حفظ کیفیت مناسب در هر شرایطی و دیگری برقراری و حفظ تعامل سازنده و برد-برد با کارفرما و مشاور می‌باشد، به عبارتی برای تداوم موفقیت در هر حرفه‌ای علاوه بر رعایت اصولی همچون منطبق شدن با دانش و تکنولوژی روز، حفظ کیفیت کار و تعامل مستمر سازنده با مشتری نیز لازمه کار خواهد بود. با این وجود شرایط کلی اقتصاد کشور بر شرکت ما هم بی اثر نبوده و در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ موفق به انعقاد قرارداد جدید نشده‌ایم.

• چه مشکلاتی باعث به وجود آمدن شرایطی شده است که شرکتهای پیمانکاری ما بیش از هر چیزی به ادامه حیات می‌اندیشند و قادر به فعالیت دلخواه خود نیستند؟ چگونه باید از این بحران گذر کرد؟

تغییر رویکرد دولت در واگذری پروژه‌ها مشکل اصلی پیمانکاران است. زمانی دولت درآمد زیادی داشت که بخش عمده ای از آن صرف پروژه‌های عمرانی می‌گردید، تعداد شرکتها کم بود و همه شرکتها -کم وزیاد- کار می‌کردند. در چند سال اخیر به دلیل ضعف مالی دولت، بودجه طرح‌های عمرانی به خوبی تعریف و عملیاتی نمی‌شود، تعداد پروژه‌ها هم کم شده در حالی که کشور ما به صدها هزار میلیارد ریال پروژه عمرانی فعال نیاز دارد. دولت بودجه کافی برای این امر ندارد و چشم به سرمایه گذاری بخش خصوصی در پروژه‌ها دارد که متاسفانه به دلایلی همچون شرایط خاص سیاسی و نیز مشکلات قانونی امکان جذب سرمایه‌های خارجی کافی میسر نمی‌باشد، پیمانکارها هم قادر به سرمایه گذاری نیستند چرا که آنها بعد از انقلاب نه تنها رشد مالی نداشته‌اند بلکه به سمت ضعف مالی پیش رفتند بسیاری از آنها به کلی نابود شدند و آنهایی که توانستند سرپا بمانند توان کافی برای سرمایه گذاری ندارند.
بی شک حدود ۳۰-۳۵ سال قبل دولت در جهتی حرکت نمی‌کرد که پروژه را با حداقل قیمت واگذار کند، قراردادها با قیمت مناسب منعقد می‌گردید و پیمانکاران قادر بودند علاوه بر اینکه کارهای موضوع قرارداد را به نحو احسن به اتمام برسانند امکانات توسعه و نوسازی بنگاههای خود را نیز فراهم کنند و توانایی رقابت در پروژه‌های بین‌المللی را به‌دست آورند و در شرایط بحرانی کمک حال دولت باشند و این یعنی توسعه اقتصادی کشور به دست بخش خصوصی. اکنون که قوانین واگذاری کار بر اساس پایین ترین قیمت می‌باشد شاهد افول کمی و کیفی پروژه و نیمه تمام ماندن تعداد زیادی از آنها در سطح کشور و در نهایت تضعیف پیمانکاران که همانا تضعیف اقتصاد کشور است، می‌باشیم.
واگذاری پروژه‌هایی با حداقل قیمت بدترین رویکرد ممکن است. شرکت‌هایی که قابلیت و توانایی ندارد با قیمت پایین پروژه را شروع می‌کنند و نهایتا پروژه نیمه کاره تحویل دولت می‌دهند و به ناچار وارد کشمکش قضایی شده که نتیجه ای برای هیچکس در بر ندارد. اگر خسارت پروژه‌های بر زمین مانده در ۱۰-۱۵ سال اخیر را صرف نظر از تعریف کاربری آنها در نظر بگیریم و فقط هزینه تکمیل پروژه را محاسبه کنیم دهها برابر برآورد اولیه خواهد شد، در حالی که همه آن پروژه‌ها چنانچه در زمان خودش مدیریت می‌شد فقط با ۱۰-۱۵ درصد هزینه بیشتر به سرانجام می‌رسید.
اگر بخش خصوصی قدرتمند وجود داشت می‌توانست با سود و تضمین کافی سرمایه گذاری کند. اما در حال حاضر توانایی بخش خصوصی داخلی برای سرمایه گذاری واقعی اندک است. سرمایه گذاری دولتی و بخشهای وابسته به دولت به در لباس بخش خصوصی (معروف به خصولتی) نیز مفهوم ندارد چرا که این نوع سرمایه گذاری دولتی محسوب می‌شود و نمی‌تواند تعریف بخش خصوصی را داشته باشد.
اساسنامه بانکها و نهادهای وابسته به دولت که از سرمایه‌های ملی و مردمی برخوردار هستند نیز اجازه سرمایه گذاری واقعی و ریسک پذیری را به آنها نمی‌دهد، لذا لازم است قوانین و بخش نامه‌ها به نحوی تغییر یابد که بانکها موظف شوند با سود مناسب در پروژه‌های عمرانی شرکت کنند، از طرفی تضامین و قوانین کافی برای سرمایه گذاری خارجی نیز فراهم نیست و با این شرایط چرخه سازندگی نخواهد گشت.

ساختمان کنترل پنل قطار شهری- اصفهان
پیمانکار: شرکت پارس‌یکم

آیا تشکیل موسسات سرمایه گذاری در درون بخش خصوصی را نمی‌توان به عنوان راه حلی دیگر مطرح کرد؟

در رابطه با تشکیل موسسات سرمایه گذار توسط بخش خصوصی پیشنهادهایی مطرح هست ولی به نتیجه رسیدن آن با مشکلاتی چند مواجه می‌باشد. اول اینکه نیاز به قوانین جدید برای جذب سرمایه مردم دارد، دوم اینکه این موسسات در صورت تشکیل و جذب سرمایه می‌توانند سرمایه را در جهت سازندگی استفاده نمایند که سود حاصل از آن هم درازمدت است و هم ناچیز، لذا هرگز قادر به رقابت با بانکها که رسالت به گردش

در آوردن پول و دریافت سود کلان بدون ریسک‌پذیری را دارند ممکن نخواهد بود. در نتیجه چنین طرحی برای رسیدن به نتیجه مطلوب، راه سختی را پیش رو خواهد داشت.

با توجه به آنچه عنوان کردید به نظر می‌رسد مسئله کمبود بودجه، نبود نقدینگی و عدم سرمایه گذاری در مرکز مشکلات شرکتهای کوچک و بزرگ بخش خصوصی قرار دارد؟

به عقیده بنده اراده، دانش فنی و تجربه در تشکیلات پیمانکاری کشور برای توسعه و رونق اقتصادی وجود دارد. تنها چیزی که مانع روند پیشرفت درسازندگی و توسعه می‌شود، نبود نقدینگی و سرمایه است. قوانین پیمانکاری سالها قبل شکل گرفته و تاکنون جا افتاده است. فهرست بها، تعدیل و بخش نامه‌های سازمان برنامه برای اجرای کار کافی هستند. اما مشکل در دیدگاه ماست، تصور مسئولین از جامعه پیمانکاری این است که پیمانکاران باید قراردادی امضاء کنند که در نتیجه آن در شرایط مطلوب و پس از انجام کلیه تعهدات خود، ورشکست نشوند در صورتی که دیدگاه جهانی در رابطه با بخش خصوصی چنین نیست. سازندگان بخش خصوصی به معنی عام می‌بایست بسیار قوی و توانمند باشند تا چرخ اقتصاد کشور در بدترین شرایط بگردد. همکاری و کمک پیمانکاران با نیروهای نظامی در جنگ تحمیلی در مقابله با تهاجم دشمن غیر قابل انکار است چرا که در آن زمان توانمند بودند ولی امروز دیگر آن قدرت و توانایی وجود ندارد. اجرای قوانین نیز می‌بایست به درستی انجام شود که متاسفانه در شرایط کنونی چنین نیست. در تفسیر قوانین مربوط به بیمه و مالیات هم مشکلاتی وجود دارد اما این قوانین چون دارای پایه و اساس مشخصی هستند با شفاف سازی و پرهیز از یکجانبه نگری و اصلاح دستورالعمل های اجرایی که توسط هیات مدیره و سایر بخشهای سندیکا در حال پیگیری می‌باشد مشکلات اجرایی آنها برطرف خواهد شد.

• به نظر می‌رسد با برطرف شدن مسائل خرد وکلان مانند تامین سرمایه، باز هم فضا برای فعالیت بخش خصوصی مساعد نباشد چرا که طی سالهایی که بخش خصوصی ضعیف و ضعیف تر شده، شرکتهای شبه دولتی که اکنون در لباس رقیب در این بخش ظاهر شده اند قدرتمند و فربه شده اند؟ نظر شما در این باره چیست؟

نهادهای شبه دولتی هیچگاه تولید سرمایه نکرده اند و امکانات و ماشین آلات و ابزار کار را با تلاش خود بدست نیاورده اند. بلکه آنها را به رایگان در اختیار گرفته اند. تعداد زیادی از این شرکتها مالیات نمی‌دهند و به نحوی با بیمه کنار می‌آیند. حسابرسی و کنترل ندارند و از همه مهمتر کارفرمایان تسلط کافی روی کارهای آنها ندارد و نمی‌توانند قوانین فنی و قراردادی را به آنها دیکته نموده و هزینه تمام شده را کنترل نمایند لذا شرایط کار و رقابت بخش خصوصی با آنها برابر نیست. راحت بگویم از نظر من شکل گیری این نهادها برای انجام کارهای اقتصادی از اساس اشتباه بود و از لحاظ قانونی هم بدون اشکال نیست پس ادامه فعالیت آنها توجیه ندارد.

یکی از راهکارهای پیشرفت و شکوفایی اقتصادی در کشور این است که بخشهای دولتی و شبه دولتی را از کارهای اقتصادی از جمله بخش سازندگی منفک کنیم و آنها را به سمت وظایف اصلی خود سوق دهیم تا نیروهای فعال شاغل در این نهادها جذب بخش خصوصی شوند، در غیر این صورت با توجه به تجربه ۳۰ سال گذشته، در آینده نزدیک شاهد نابودی کامل بخش خصوص و بزرگتر شدن بدنه دولت که از نظر من نهادهای پیش گفته نیز بخشی از دولت هستند خواهیم بود که نتیجه آن تضعیف بیشتر اقتصاد کشور و افزایش وابستگی به خارج و رشد بیکاری و فقر خواهد بود.

ساختمان کنترل پنل قطار شهری- اصفهان
پیمانکار: شرکت پارس یکم

به عنوان مثال قدمت صنعت خودروسازی ایران ۲۰ سال بیشتر از کشور کره جنوبی است ولی ارزش افزوده آنها با یکدیگر قابل مقایسه نیست چرا که خودروساز ما دولتی و خودروساز کره جنوبی خصوصی است. این مقایسه را می‌توان برای تمام محصولات و خدمات داخلی انجام داد.

در تمام دنیا بنای پیشرفت بر اساس تقویت بخش خصوصی استوار است، اگر قرار است دولت‌ها تصدی‌گری کنند دیگر چه احتیاجی به بخش خصوصی است. بی شک تا زمانی که شرکت‌های دولتی و شبه دولتی را در حوزه‌های تولید و عمران و بازرگانی در کنار بخش خصوصی ببینیم پیشرفتی در حوزه اقتصاد کشور نخواهیم دید.

• شما از چه زمانی فعالیت‌های صنفی و حرفه ای خود را آغاز کردید، و چگونه شد که عضو هیات مدیره سندیکا شدید؟

حدود سه دوره قبل با توجه به علاقه خود به فعالیت‌های گروهی و جمعی و با هدف مبادله اطلاعات و دانش، وارد کمیسیون فنی سندیکا شدم و دو دوره کامل با این کمیسیون همکاری کردم. کمیسیون فنی در تهیه فهرست بها، شاخص تعدیل، رفع اختلاف پیمانکارها و تولید و اصلاح قوانین فعال بوده است. در نهایت با درخواست همکاران و دوستان خود وارد هیات مدیره شدم و در دوره جدید علاوه بر کمیسیون فنی با کمیسیون قوانین و کمیته بازنگری و آیین نامه‌های شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی نیز همکاری دارم.

• از مجموع بیانات شما می‌توان به این نتیجه رسید که اغلب مسائل و مشکلات درون صنف در نتیجه عوامل بیرونی به وجود آمده است، و سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران برای حل این مسائل باید نقشی فراصنفی بر عهده بگیرد؟ در این زمینه آیا قوانین اجازه فعالیتهای فراصنفی را به ما می دهد؟

فشارهایی که در سالهای اخیر به پیمانکاران وارد شده است باعث شده سندیکا قدمی جلوتر بگذارد و با دولت، مجلس و سایر نهادها وارد گفتگو شود، این امر نه تنها خلاف قانون نیست بلکه از وظایف سندیکاها برای حفظ اعضای خود و دفاع از منافع آنان است. در اصل کار سندیکا تعامل با نهادهای اجرایی است، البته اتاق بازرگانی به سهم خود این کار را می‌کند و سندیکا به عنوان یکی از بازوان اصلی اتاق در این امر نقش مهمی به عهده دارد.

دیدگاه شما به عنوان عضو هیات مدیره برای بهبود فعالیت سندیکا چیست؟

سندیکا در صورتی می‌تواند موثر واقع شود که تعامل سازنده ای با نهادهای قانونی کشور از جمله مجلس شورای اسلامی و دولت برقرار کند و در گفتگوهای سازنده با آنها حضور داشته باشد تا بتواند تجربیات ارزشمند صنعت احداث را در جهت اصلاح قوانین و تکمیل آنها مطرح و کمک حال نمایندگان باشد، همچنین در جهت اجرای کامل قوانین با دولت همکاری سازنده داشته باشد تا جایگاه بخش خصوصی در شکوفایی اقتصاد مشخص گردد.

- **به نظر شما کسی که وارد حرفه پیمانکاری می‌شود، باید چه خصوصیاتی داشته باشد؟**

موفقیت در هر حرفه ای نیازمند دانش و تجربه است، دانش حرفه پیمانکاری صرفا فنی نیست بلکه تسلط به قوانین و مقررات و کسب مهارت لازم جهت استفاده مناسب از قوانین نیز لازمه کار است، ولی پیمانکاران علاوه بر دانش حرفه ای می‌بایست از خصوصیات ذاتی همچون شجاعت، قدرت ریسک پذیری، روحیه خستگی ناپذیر و جنب و جوش زیاد نیز برخوردار باشند. درگیری‌های فکری یکی از مشکلات روزمره و دائمی پیمانکاران است لذا کسانی که این شغل را انتخاب می‌کنند می‌بایست توانایی تحمل شرایط سخت ناشی از اتفاقات غیر قابل پیش بینی و تعامل با آنها را داشته باشند.

۷ عادت افرادی که واقعا در کارشان شادند

نظرسنجی‌های جدید (عمدتا در آمریکا و کانادا) نشان می‌دهد بیشتر کارکنان در شغل‌شان احساس شادی ندارند. برخی افراد آنقدر احساس ناراحتی در کار دارند که می‌خواهند شغل تازه‌ای پیدا کنند.

دنیای اقتصاد نوشت: خیلی از ما در طول زندگی کاری شغلی داشته‌ایم که در مقطعی راضی‌مان نمی‌کند. درحالی‌که روانشناسان و دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند بخشی از شادی در وجود ما ذاتی است، اما بخش قابل توجهی از آن تحت کنترل خودمان است. صرف‌نظر از موقعیتی که درکارتان دارید، هفت عادت افرادی راکه درکارشان شاد هستند، معرفی می‌کنیم.

۱- به رشد مداوم به عنوان هدف زندگی متعهدند. افراد شاد معتقدند باید نهایت سعی خود را در هرکاری بکنند؛ چه به آنها گفته شده باشد، چه نه. این موضوع به خودشان حس بهتری می‌دهد.

۲- اهدافی دارند که تلاش برای تحقق آنها ارزش دارد. افرادی که اهداف مشخص در زندگی دارند، می‌توانند همه چیز را فراتر از مشکلات کاری روزمره ببینند. وقتی همه چیز به خوبی پیش نمی‌رود، آنها به جای تمرکز بر موقعیت منفی پیش آمده در محیط کار، بر هدفی که تعیین کرده‌اند متمرکز می‌شوند.

۳- درگیر مسائلی که فراتر از کنترل آنها است، نمی‌شوند. افراد شاد به خودشان اجازه نمی‌دهند از نظر احساسی درگیر جو منفی و شایعات مسموم در محیط کار شوند. آنها بر کاری که در دستشان است و توانایی‌هایشان برای انجام آن کار متمرکز می‌شوند و خودشان را در درگیری‌هایی که به آنها مربوط نمی‌شود دخالت نمی‌دهند.

۴-دوست دارند به دیگران کمک کنند. افراد شاد همیشه به دنبال راه‌هایی برای کمک کردن به دیگران هستند. محققان دانشگاه ویسکانسین دریافته‌اند افرادی که در محیط کار به دیگران کمک می‌کنند، در مقایسه با سایرین شادترند.

۵-تا جایی که ممکن است از افراد منفی دوری می‌کنند. افراد شاد وقتی با یک فرد منفی‌باف یا کسی که دائم شکایت دارد مواجه می‌شوند، سعی می‌کنند به دنبال یک راه‌حل بگردند یا موقعیت را از زاویه دیگری مورد توجه قرار دهند. این انرژی مثبت اغلب باعث می‌شود افراد شاکی از آنها دوری کنند.

۶-قدردانی بخشی ثابت از وجود آنها است. افراد شاد همیشه دلایلی برای قدردان بودن دارند و این حس را آزاد و رها بیان می‌کنند. این رویکرد قدردان بودن دیگران را جذب انرژی مثبت آنها می‌کند. همکاران دوست دارند دور چنین افرادی باشند و درکنار آنها کار کنند.

۷- احساسات خود را مدیریت می‌کنند و حس شوخ‌طبعی دارند. افراد شاد به صورت خودکار سعی می‌کنند از هر موقعیتی درکار، خانه یا دورهمی‌ها بیشترین بهره را ببرند. آنها می‌دانند که می‌توانند احساسات خود را با یک لبخند یا شوخی تغییر دهند. همچنین می‌توانند با فکر کردن به مسائل خوشحال‌کننده و موقعیت‌های شادی‌آور، حواسشان را از مسائل ناراحت‌کننده پرت کنند. / روزنامه دنیای اقتصاد/ ۲۵ مهر

ترموالکتریک
آینده چیلرها ؟

مهندس آرش تابع قانون
شرکت کار و اندیشه

در سال ۱۸۲۱ میلادی توماس جان سی بک به این موضوع پی برد که اگر در مداری متشکل از دو فلز متفاوت و متصل به یکدیگر، محل اتصال و دوسر فلزها در برابر دمای متفاوت قرار گیرد قادر است عقربه قطب نما را به حرکت درآورد. سپس او متوجه شد که حرکت عقربه در اثر میدان مغناطیسی حاصل از تولید جریان در این مدار به وجود آمده است. بعدها از این پدیده به عنوان اثر Seebeck یاد شد که در ساخت مولد الکتریکی کاربرد دارد. در سال ۱۸۳۴ میلادی جین چارلز پلتیر کشف نمود که عبور جریان برق از دو فلز متفاوت تولید گرما و سرما در دو سر دیگر آنها و در محل اتصالشان می‌نماید. این پدیده که به نوعی معکوس See beck بود به عنوان اثر Peltier شناخته شد.
علت پیدایش آثار فوق بسیار پیچیده و خارج از حوصله این مقاله است و عدم استفاده فراگیر از این پدیده نیز راندمان بسیار پایین آنها برای تولید برق و جابجایی گرما می‌باشد، البته با گذشت زمان و استفاده از آلیاژهای جدید، راندمان آنها در حال افزایش می‌باشد.

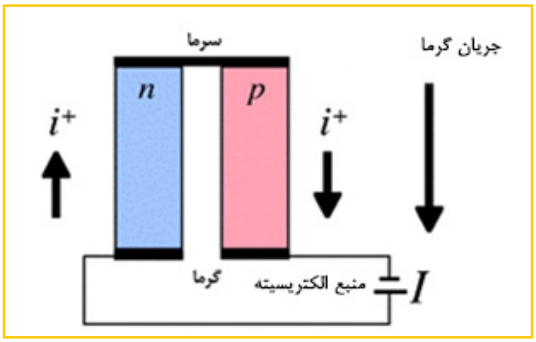

اثر Peltier برای جابجایی گرما

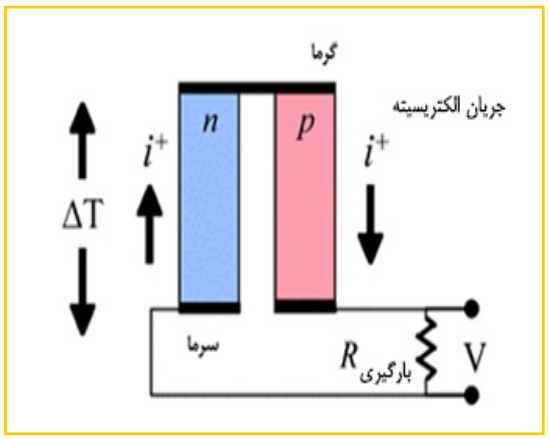

اثر Seebeck برای تولید جریان

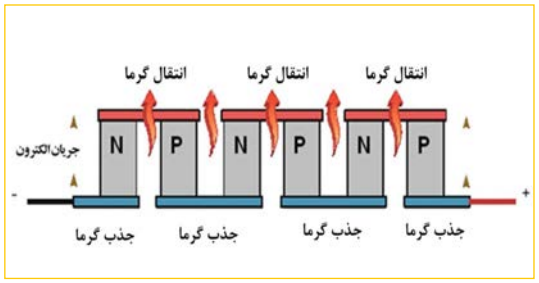

نحوه اتصال نیمه‌هادی‌ها در یک صفحه ترموالکتریک

در حال حاضر از اثر Seebeck برای تولید الکتریسیته در برخی ماهواره‌ها و سفینه‌های فضایی که در فواصل دور از خورشید حرکت کرده و امکان بهره مندی از پنل‌های خورشیدی در این فاصله را ندارند، استفاده می‌شود. الکتریسیته مورد نیاز با استفاده از گرمای حاصل از پلوتونیوم ۲۳۸ [۱] در آکتور به دست می‌آید. پلوتونیوم ۲۳۸ سرامیکی موجود در این آکتورها، در حالت عادی آنقدر گرما تولید می‌کند که به صورت گداخته و کاملاً سرخ درآمده و حدود پنجاه سال است که در مأموریت‌های فضایی کاربرد دارد. این مولدها از دیگر قسمت‌های سفینه به عنوان منبع سرما استفاده کرده و گرمای اضافه را از طریق تشعشع به خارج از سفینه هدایت می‌نمایند. در بعضی ماهواره‌ها، صفحه خورشیدی و مولد ترموالکتریک توأمان به کار می‌روند، بدین صورت که قسمت گرم صفحات خورشیدی به عنوان منبع گرما و سمت دیگر صفحه واقع در سایه به عنوان منبع سرما مورد استفاده قرار می‌گیرند.گرما در سطوح سرد، از طریق تشعشع به بیرون هدایت می‌شود.
از اثر Peltier در حال حاضر در ساخت خنک کننده‌های ترموالکتریک کوچک برای مدارهای الکتریکی، دیودهای لیزر و ایجاد سرما در مصارف پزشکی، تحقیقاتی، آزمایشگاهی و همچنین یخچال‌های کوچک و بی صدا یا قابل حمل برای نگهداری مواد غذایی استفاده می‌شود اما به علت راندمان پایین، تا کنون چیلر Peltier با ظرفیت بیشتر از یک تن به تولید انبوه نرسیده است.
برای بالا بردن اثر Peltier در حجم کمتر از صفحاتی به نام صفحات ترموالکتریک [۲] که ده‌ها نیمه‌هادی با ابعاد کوچک در آنها به یکدیگر لحیم شده اند استفاده می‌شود.

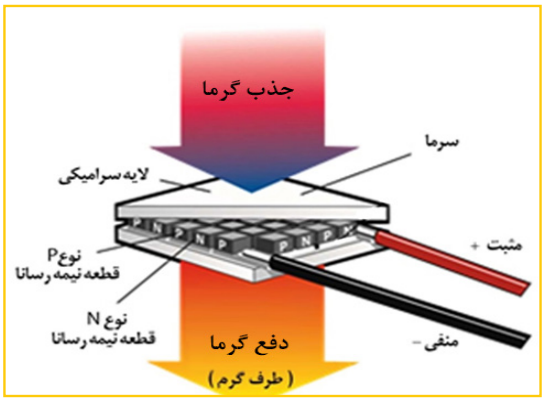

صفحه ترموالکتریک

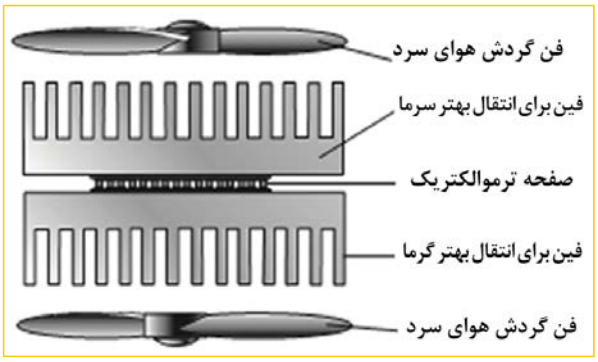

اتصال به فین و فن در دو قسمت سرد و گرم یک صفحه ترموالکتریک برای بالابردن توان و COP

استفاده از خنک کننده ترموالکتریک که با برق اتومبیل کار می‌کند.

از مزایای این چیلرها می‌توان به ابعاد بسیار کوچک، قابلیت کنترل دما با دقت زیاد، عدم استفاده از گازهای مخرب محیط زیست و همچنین اطمینان بسیار بالای آنها اشاره نمود. در بعضی مصارف علمی، تحقیقاتی و پزشکی کنترل دقیق دما بسیار حیاتی می‌باشد و از آنجا که چیلرهای Peltier از دقتی تا میزان ۰/۱ سانتی گراد برخوردارند، گزینه مناسبی برای این مصارف می‌باشند. در حال حاضر حتی صفحات ترموالکتریک کوچکتر از یک سانتی متر مربع و ضخامت ۳ میلی متر، نیز به تولید انبوه می‌رسند. ابعادی که صدها برابر کوچکتر از ظریف ترین چیلر تراکمی موجود است. از آنجا که در صفحات ترموالکتریک هیچ گونه قطعه متحرکی وجود ندارد، لذا امکان خرابی آنها نسبت به دیگر چیلرها کمتر است، البته افزایش دمای قسمت گرم این صفحات منجر به آسیب جدی به دستگاه از جمله ذوب شدن لحیم موجود در محل اتصال دو فلز می‌شود، لذا بهتر است برای ممانعت از خرابی صفحات ترموالکتریک، در قسمت گرم آنها علاوه بر فین، از یک فن خنک کننده نیز استفاده شود. گرمایی که در این صفحات ایجاد می‌گردد علاوه بر گرمای جا به جا شده، گرمای حاصل از عبور جریان الکتریسیته را نیز شامل می‌گردد. که میزان آن در یک صفحه ترموالکتریک معمولی حدود دو برابر گرمای جابه جا شده است. یک صفحه ترموالکتریک معمولی قابلیت تحمل یکصد درجه سانتی گراد گرما را دارا می‌باشد که در مدل‌های سفارشی حتی به بیش از دویست درجه سانتی گراد می‌رسد.

ضریب عملکرد این نوع از چیلرها معمولاً حدود $\frac{1}{3}$ می‌باشد و این بدین معنی است که هر کدام از آنها حدود ده برابر یک اسپلیت معمولی با ضریب عملکرد ۳ برق مصرف می‌کند! از اینروست که کارشناسان استفاده از چیلر Peltier در ابعاد بزرگ را از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌دانند.

سوالی که ممکن است برای برخی پیش آید این است که چرا به جای استفاده از فن و پره‌های فین، برای خنک کردن مدارهای الکتریکی مانند CPU کامپیوتر بایستی از این روش استفاده کرد؟ باید توجه داشت که فن در حالت ایده آل (که عملاً غیر ممکن است) دمای فین‌های متصل به CPU را به دمای محیط کامپیوتر می‌رساند در حالیکه دمای کیس کامپیوتر به دلیل وجود مدارهای الکتریکی، همیشه بالاتر از دمای اطاق است. اما در صورتی که، یک صفحه ترموالکتریک بین CPU و فین‌ها قرار گیرد، دمای CPU با سرعت بیشتری به پایین تر از دمای اطاق می‌رسد. در یک صفحه ترموالکتریک معمولی اختلاف حرارت بین دو طرف سرد و گرم به حدود ۷۰ درجه سانتی گراد می‌رسد که با استفاده از فن و پره‌های فین در قسمت گرم، در دمای اطاق می‌توان به دماهای زیر صفر درجه سانتی گراد دست یافت. برای رسیدن به دماهای پایین تر، از چیلرهای چند مرحله ای استفاده می‌گردد که در آن، چند صفحه ترموالکتریک به یکدیگر متصل هستند، در این نوع از چیلرها، صفحه دوم نه تنها بایستی گرمای جابه جا شده در قبال سرما را جذب نماید، بلکه گرمای حاصل از عبور الکتریسیته در صفحه اول را نیز باید جذب کند. از این رو صفحات بعدی در چیلرهای چند مرحله ای معمولاً بزرگتر از صفحه اول است که تولید سرما می‌نماید.

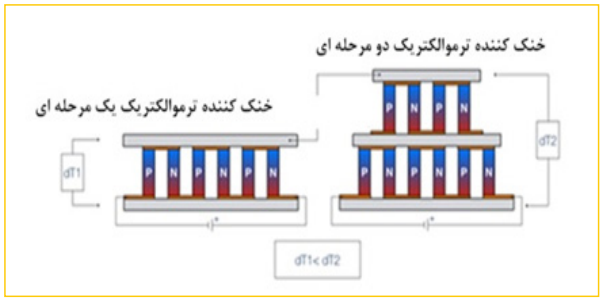

مقایسه عملکرد خنک کننده یک مرحله‌ای و دو مرحله‌ای

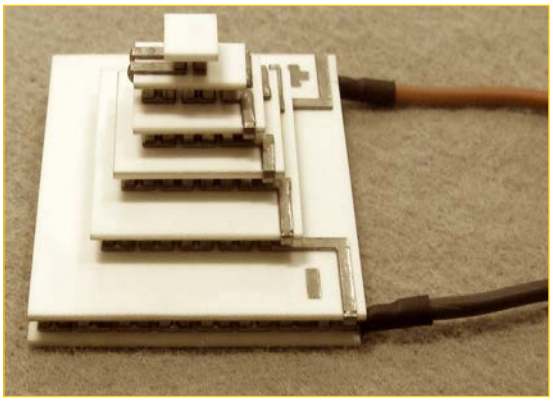

خنک کننده۶ مرحله ای ترموالکتریک

همانطور که گفته شد دمای طرف گرم این صفحات برابر است با مجموع گرماهای تولیدی در اثر عبور جریان الکتریسیته و گرمای جابه جا شده از طرف سرد و این بدین معنی است که در صورت استفاده از یک بخاری که توسط این صفحات، گرما را به داخل هدایت می‌نماید میزان برق کمتری نسبت به یک بخاری برقی معمولی، مصرف می‌شود. به عنوان مثال اگر ضریب عملکرد را $\frac{1}{3}$ در نظر بگیریم در قبال مصرف ۱۰۰w برق، توسط یک صفحه ترموالکتریک، ۱۳۳w گرما تولید و جابه جا می‌گردد در صورتی که در یک بخاری برقی این مقدار ۱۰۰w می‌باشد. با این وجود به خاطر قیمت ساخت بالای این صفحات و پیچیدگی‌های فنی دیگر، تا کنون این گرم کننده‌ها به تولید انبوه نرسیده اند. شایان ذکر است تغییر سیکل گرما و سرما، با تغییر جهت جریان الکتریسیته صورت می‌گیرد.

چیلرهای ترموالکتریک علی رغم مزایای فراوان، برای استفاده در ابعاد وسیع مسیر طولانی را در پیش روی دارند و به نظر نمی‌آید که در آینده نزدیک بتوانند جایگزین مناسبی برای چیلرهای کمپرسوری باشند ولی می‌توان پیش بینی نمود با پیشرفت در ساخت صفحات ترموالکتریک با ضریب عملکرد بالاتر، نمونه‌های بزرگتر آن به تولید انبوه برسد.

ساخت یخ به وسیله یک صفحه ترموالکتریک در شرکت کار واندیشه

در آزمایشگاه شرکت کار و اندیشه توسط یک صفحه ترموالکتریک این پدیده مورد آزمایش قرار گرفت. در طول آزمایش از طریق یک خنک کننده CPU کامپیوتری که به عنوان رادیاتور[۳] قسمت گرم مورد استفاده قرار گرفت و همچنین با استفاده از یک صفحه ترموالکتریک با ابعاد ۴×۴ سانتی متر، دو سی سی آب در کمتر از ۷ دقیقه[۴] به یک قطعه یخ با دمای ۱۰- درجه سانتی گراد تبدیل شد. در این آزمایش دمای پره‌های اتاق ۲۵ درجه سانتی گراد و دمای پره‌های فین در گرمترین نقطه قابل اندازه گیری، ۴۰ درجه سانتی گراد بود[۵].

برای انتقال بهتر حرارت از صفحه به فین، یک لایه نازک روغن بین آن دو قرار دادیم. قبل از انجام آزمایش، دمای آب به زیر صفر نمی‌رسید زیرا این صفحات قابلیت ایجاد اختلاف دما در وجوه خود را دارند و در صورتیکه قسمت گرم به اندازه کافی خنک نشود، دمای مطلوب در قسمت سرد ایجاد نمی‌گردد.

همانطور که در شکل پیداست، از یک انگشتر به عنوان مخزن آب و برای آب‌بندی، قسمت زیرین آن توسط روغن چرب گردید. با انجام آزمایش، یک چیلر کوچک و بسیار ساده با وزن ۳۲۰ گرم و قیمتی کمتر از صد هزار تومان ساخته شد، و این در حالی است که با استفاده از یک رادیاتور کوچکتر، امکان کاهش بیشتر وزن نیز وجود داشت. بهرحال ساخت چیلر تراکمی با این اوزان و در صورت امکان، کار بسیار پیچیده ای خواهد بود و این دقیقاً همان مزیت خنک کننده‌های ترموالکتریک است که در ظرفیت‌های پایین مصرف بالای انرژی را توجیه می‌نماید.

قطعه یخ تولیدی بعد از برداشتن قالب

اندازه گیری دمای یخ تولیدی

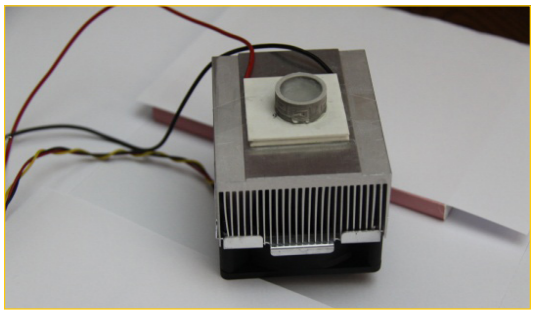

یخ درون قالب

پی‌نوشت:

1 – Plutonium 238

۲- در ایران برخی افراد این صفحات را با نام مدول خنک کننده می‌شناسند.

۳- جاذب گرما در این نوع از چیلرها، تا حدودی نقش کندانسور در چیلرهای تراکمی‌را بازی می‌کند، اما از آنجا که هیچ گونه میعانی در این قسمت انجام نمی‌شود ترجیح داده شد به جای کلمه کندانسور از واژه رادیاتور استفاده شود.

۴- از هیچ گونه عایقی برای جلوگیری از اتلاف سرما استفاده نشد.

۵- گرمترین نقطه محل تلاقی صفحه ترموالکتریك و رادیاتور است که ابزاری برای اندازه گیری آن وجود نداشت.

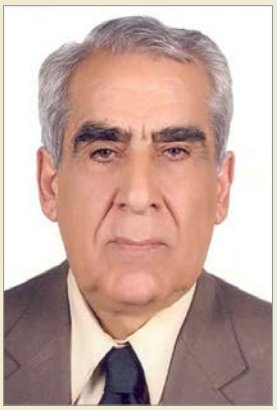
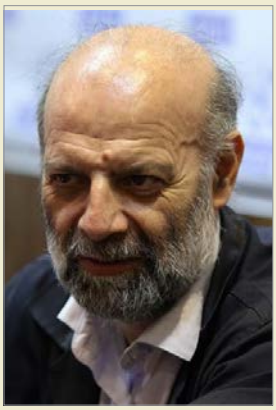

عضو کانون عالی انجمن کارفرمایی کشور:

منبع تورم را نباید در دستمزد کارگران جستجو کرد

برنامه «مناظره» رادیو گفت و گو با موضوع رابطه دستمزد و تورم و با حضور مهندس محمد علی پورشیرازی عضو هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران، غلامرضا عباسی رئیس کانون عالی انجمن صنفی کارگران، احسان الله‌هاشمی‌نژاد معاون اداره کل روابط کار وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و علیرضا محجوب عضو کمیسیون اجتماعی مجلس به روی آنتن رفت. این مناظره بر مبنای ماده ۴۱ قانون بود که تعیین دستمزد را بر دو مبنای تورم و معیشت کارگران قرار داده است.

تعیین ضریب تورم به موارد مختلفی بستگی دارد

مهندس محمد علی پورشیرازی عضو هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران در پاسخ به این سوال که آیا دستمزد ارتباطی به افزایش تورم دارد یا خیر، گفت: این ارتباط هم می‌تواند وجود داشته باشد و هم نه؛ این مهم را سیستم تعیین می‌کند. متاسفانه عموما در این حوزه به کارفرما و تولید توجه نمی‌شود در حالی که هر دو را باید در کنار هم دید.

وی افزود: عموما وقتی صحبت از تورم می‌شود بسیاری از مولفه‌های تاثیرگذار را فراموش می‌کنیم درحالی که واردات، صادرات و بخش‌های دیگر تجارت هر کدام در تورم اثرگذار است. وقتی این مسائل را مورد توجه قرار ندهیم، نتیجه این می‌شود که در روزنامه‌های یک روز، برای تورم عددهای مختلفی ذکر می‌شود.

عضو کانون عالی انجمن کارفرمایی کشور با اشاره به تعطیل شدن کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی کشور، اظهار داشت: در تعطیلی کارخانه‌ها نباید فقط به این توجه کنیم که حقوق کارگرها اثرگذار است؛ هر چند هزینه تولید در ایران زیاد است و افزایش دستمزد کارگرها باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود.

وی بیان داشت: تعیین ضریب تورم به موارد مختلفی همچون صادرات و واردات نیز ارتباط دارد و تنها به دستمزد کارگرها مربوط نمی‌باشد. اتفاقا اگر کارگر از دستمزدی که دریافت می‌کند راضی باشد شاهد افزایش بهره‌وری کارخانه نیز خواهیم بود که مثال‌های متعدد زیادی برای آن وجود دارد. بنابراین باید منبع تورم را در موارد دیگری همچون موضوعات سیاسی داخلی و بین‌المللی و همچنین مسائل کلان اقتصادی مانند صادرات و واردات دید نه دستمزد کارگرها.

وی عنوان کرد: در ماده ۴۱ از تورم و معیشت سخن رفته اما از کارفرمایان صحبت نشده است. در این ماده باید به کارفرمایان هم توجه شود. وقتی دولت مشکل دارد باید به بخش خصوصی توجه کند. به طور کلی اقتصاد کلان ما مشکل دارد که باید با کمک کارگر و کارفرما حل شود.

افزایش دستمزد در افزایش بهره وری تاثیر دارد

در ادامه این برنامه غلامرضا عباسی با اشاره به اینکه تکلیف کارگر و کارفرما در ماده ۴۱ قانون کار مشخص است، اظهار داشت: در چند سال گذشته بارها مطرح شده است که افزایش دستمزد کارگرها بیش از تورم است در حالی که چنین نیست. در سال ۹۰ حدود ۳۰ درصد تورم داشتیم اما دستمزد کارگر فقط ۹ درصد افزایش یافت.

رئیس کانون عالی انجمن صنفی کارگران اضافه کرد: در زمانی که افزایش دستمزد کارگری کمتر از تورم بود، به کاهش تورم

کمک نکرد و حتی باعث افزایش تورم نیز شد. در سال‌هایی هم که دستمزد کارگری بیشتر از تورم بود، باعث افزایش تورم نشد. در سال ۹۴ در حالی که ۱۱,۹ درصد تورم داشتیم، حقوق کارگرها را ۱۷ درصد افزایش دادیم اما سال بعد در تورم تاثیر منفی ندیدیم.

وی تاکید کرد: افزایش دستمزد کارگری نه تنها روی افزایش تورم تاثیری ندارد، بلکه در پویایی اقتصاد و توانمندسازی معیشت کارگران و افزایش بهره وری کارگران اثر مستقیم دارد زیرا باعث افزایش کیفیت تولیدات و رفع رکود اقتصادی می‌شود.

وی بیان داشت: البته با توجه به عقب افتادگی مزد کارگران در سال‌های قبل، دستمزد کارگران در سال‌های اخیر افزایش مناسبی داشته است اما با این حال هنوز شکاف دستمزدها جبران نشده است، هر چند که امکان جبران آن در کوتاه مدت فراهم نیست.

شکاف دستمزد باید در روندی آرام اتفاق بیفتد

در ادامه برنامه «مناظره» رادیو گفت و گو با موضوع رابطه دستمزد و تورم احسان‌الله‌هاشمی‌نژاد معاون اداره کل روابط کار وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی با بیان اینکه ارتباط بین دستمزد کارگری و افزایش تورم یکی از تئوری‌های اقتصاد کلان است، گفت: طبق این تئوری، یک رابطه علت و معلولی بین دستمزد و سطح عمومی قیمت‌ها وجود دارد که بر اساس افزایش دستمزدها، تقاضا نیز افزایش پیدا می‌کند و سطح عمومی قیمت‌ها نیز بیشتر می‌شود.

وی اضافه کرد: طبق تعاریفی که سازمان بین‌المللی کار درباره دستمزد می‌کند، دستمزد کارگر بدون توجه به بهره وری نیروی کار و عرضه و تقاضا و موارد دیگر و صرفا بر اساس شرایط معیشتی و زیستی کارگر تعیین می‌شود و به همین دلیل توجهی به موضوع تورم نمی‌کند.

معاون اداره کل روابط کار وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی با بیان اینکه آنچه برای کارگر و کارفرما اهمیت دارد، قدرت خرید است، اظهار داشت: افزایش مزد واقعی به دو روش امکان پذیر است؛ یا اینکه مزد کارگر هر سال افزایش پیدا کند یا اینکه نرخ تورم را پایین بیاوریم زیرا تورم در حقیقت یک نوع مالیات مضاعف است که بر قشر دستمزد بگیر وارد می‌شود.

وی بیان داشت: کاهش تورم، بدون روش‌های حمایتی و سیاست‌های کلان اقتصادی امکان پذیر نیست. بدون تردید اگر کاهش تورم با افزایش دستمزد همراه باشد، معیشت کارگر بهتر می‌شود.

نماینده وزارت کار با بیان اینکه وزارت کار و تعاون به دنبال کاهش شکاف دستمزدی است، خاطرنشان کرد: در سال ۵۸ حداقل دستمزد ۵۶ تومان بود در حالی که در سال ۵۳ حدود ده تومان بود و در سال ۹۶ به ۹۱۰ هزار تومان رسیده است. با وجود چنین افزایش دستمزدی، اما همچنان شکاف دستمزد باقی مانده است.

وی تاکید کرد: برای کاهش شکاف دستمزد، باید بستر مناسبی فراهم شود یعنی سطح تورم پایین بیاید و از سوی دیگر حداقل مزد کارگر نیز افزایش پیدا کند. هیچ کدام از طرفین راضی نیستند یک دفعه این شکاف دستمزد از بین برود بلکه باید در طی روندی آرام این موضوع برطرف شود.

معانی مختلف تورم

هادی حق شناس کارشناس اقتصادی نیز با بیان این که تورم در دهکهای مختلف جامعه معنای متفاوتی دارد، عنوان کرد: کارگران و دهک‌های پایین تورم را بهتر احساس می‌کنند. لذا تورم افزایش قیمت سطح عمومی کالا و خدمات در یک سال است که برای همه یکسان نیست. نرخ تورم تقریبا روی همه نرخ‌ها تاثیر دارد، لذا در قوانین و حتی مناقصات و تعدیل‌ها مبنا را نرخ تورم قرار می‌دهند. نرخ تورم هم تحت تاثیر سیاستهای پولی و مالی بوده است، در هر حال باید رابطه ای بین نرخ تورم و دستمزد باشد اگرچه پاسخگوی نیاز دهک‌های پایین نباشد. وظیفه دولت کنترل تورم است که بسیاری شاخص‌ها را واقعی خواهد کرد. اگر بهره‌وری بالا برود، کارفرما برای رونق بیشتر کار خود به کارگر خود می‌رسد اما متاسفانه تورم بهره وری را هم از بین می‌برد.

در قانون کار پیشنهادی به مجلس قدرت خرید کارگرها مدنظر قرار نگرفته است

در ادامه علیرضا محجوب مهمان تلفنی برنامه مناظره درباره ارتباط افزایش دستمزد و سطح عمومی قیمت اظهار داشت: در این خصوص همه قیمت‌ها مد نظر نیست زیرا کارگران مصرف کننده همه محصولات نیستند و اساسا قدرت خرید بالایی ندارند.

وی افزود: عموما وقتی از تورم صحبت می‌کنیم موارد مهم و تاثیرگذار یعنی غذا، مسکن و پوشاک را در نظر نداریم در حالی که در سبد هزینه کارگری بسیار تعیین‌کننده است زیرا برای این سه کالا، بیشترین درخواست وجود دارد در حالی که بیشترین تورم نیز مربوط به این بخش است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس اظهار داشت: رابطه ای که بین قدرت خرید و

دستمزد حقیقی کارگرها با قیمت‌ها در اثر افزایش دستمزد ایجاد می‌شود، رابطه واقعی نیست. اگر ده سال قبل را سال پایه قرار دهیم، امروز فقط چهل درصد دستمزد ده سال پیش را دریافت می‌کنند و اگر به اول انقلاب برگردیم، وضعیت حتی سخت‌تر نیز می‌شود یعنی دستمزدها نشان از افزایش ندارند.

دبیرکل خانه کارگر به معوقات سنگین کارگران اشاره کرد و بیان کرد: ثروتمندان با تورم پول پارو می‌کنند و اساسا جشن اغنیا عزای کارگرها است. کارگران یک طلب سنگین تاریخی دارند اما این مطالبات پرداخت نمی‌شود در حالی که کارفرما و دولت باید این مطالبات را پرداخت کنند. برای این مهم، ماده ۴۱ باید اصلاح شود و آنچه امروز به عنوان قانون کار به مجلس ارسال شده است، اصلا مناسب نیست زیرا قدرت خرید کارگرها در این قانون مورد توجه قرار نگرفته است.

کارگران و کارفرمایان در تقابل با هم نیستند

مهندس پورشیرازی نیز در پاسخ به سوال مجری برنامه درباره اینکه آیا کارگران و کارفرمایان در تقابل با هم قرار دارند، عنوان کردند: به نظر من نباید مفهوم ثروتمند را با تولیدکننده اشتباه گرفت. برای حل مشکل باید به اقتصاد کلان و سیستم پنهان مملکت مراجعه کرد. برای ارائه راه حل باید به سراغ چراها رفت. نباید طوری رفتار کرد که کارفرماها از استخدام وحشت داشته باشند. ما اصلا با کارگران تقابل نداریم، نباید دولت و خصولتی‌ها را با کارفرما اشتباه گرفت. ما به کارگران به چشم همکاران خود نگاه می‌کنیم و با کنار گذاشتن آنها خود ما زیان می‌بینیم. وقتی کارفرما مطالبات خود را نمی‌گیرد چگونه پول به کارگران پرداخت کند؟

در این قسمت غلامرضاعباسی عنوان کرد میانگین هزینه کارگر از قیمت تمام شده حدود ۵/۷ دهم درصد است که مهندس پورشیرازی تذکر داد این رقم در مورد سازندگان زیربنایی ۲۵ درصد است.

اجرای اصل ۴۱ را دنبال می‌کنیم

در ادامه غلامرضا عباسی عنوان کرد: ما اجرای اصل ۴۱ را دنبال می‌کنیم. در قانون نوشته شده تورم، اما باید معیشت هم لحاظ شود. اگر این دو شاخصه با هم عملیاتی شود مسائل کارگران حل می‌شود. ما در تقابل با کارفرمایان نیستیم بلکه با آنها در یک سنگر هستیم، و باید تعامل کنیم. سیاستگذاری با دولتها است، و بخش عمده کارفرمایان هم دولتی هستند بنابراین دولت دوچهره‌ای حضور می‌یابد و قدرت چانه زنی کارگران را سلب می‌کند. دولت باید در جاهای دیگر کارفرماها را توانمند کند. اگر کارفرماها و بنگاهها توانمند شوند بسیاری مسائل حل می‌شود. اگر ماده ۴۱ با نظارت کافی اجرایی شود و قدرت خرید کارگران افزایش یابد به سمت خروج از رکود می‌رویم. در پایان باید تاکید کنم علاوه بر دستمزد باید امنیت شغلی هم در نظر گرفته شود.

باید از دستبرد به دستمزد کارگران جلوگیری کرد

محجوب عنوان کرد نرخ سود بانکها حدود ۱۵ درصد و ۳ برابر دستمزد است. باید با اصلاح در ماده ۴۱ از دستبرد به دستمزد اندک کارگر جلوگیری کرد. تشخیص مجلس این بود که طرحهای ارائه شده نه تنها به نفع کارگران نیست بلکه به ضرر آنها است، ماده ۴۱ علاوه بر تورم و معیشت روی شرایط اقتصادی تاکید داشت که نکته مبهمی بود و این وسط به زیان کارگران تمام می‌شد.

> مهندس پورشیرازی: به نظر من نباید مفهوم ثروتمند را با تولیدکننده اشتباه گرفت. نباید طوری رفتار کرد که کارفرماها از استخدام وحشت داشته باشند. ما اصلا با کارگران تقابل نداریم، نباید دولت و خصولتی‌ها را با کارفرما اشتباه گرفت. ما به کارگران به چشم همکاران خود نگاه می‌کنیم و با کنار گذاشتن آنها خود ما زیان می‌بینیم. وقتی کارفرما مطالبات خود را نمی‌گیرد چگونه پول به کارگران پرداخت کند ؟

همه عوامل در کنار هم دیده شوند

مهندس پورشیرازی در سخن پایانی خود عنوان کرد درصد دستمزد کارگران در کارهای زیربنایی بین ۲۲ تا ۳۲ درصد و بستگی به نوع کار متغییر است. ماده ۴۱ باید اصلاح شود و همه موارد تاثیرگذار در دستمزد در آن دیده شود. ۶۰ درصد فعالیت اقتصاد ما دست خصولتی‌ها است که در ایجاد وضع موجود اثرگذار بوده است. بین کارگران و کارفرمایان فاصله ای وجود ندارد اما سعی می‌کنند این فاصله را ایجاد کنند و نمی‌گذارند ماده ۴۱ اصلاح شود. مسئله بیکاری از معظلات ما است و باید سعی کنیم استخدام بیشتر شود و کارفرما مجبور نشود با حداقل تعداد کارگران خود کار کند. به نظر من همه عوامل باید در کنار هم لحاظ شود.

با من بخوان چونی و چرایی!

زهره قایینی تشریح کرد:

در شماره پیشین ماهنامه گفتگویی با مهندس زورچنگ عضو هیات‌مدیره سندیکا داشتیم که تاکید ایشان روی نقش کودکان در توسعه آینده کشور، ما را بر آن داشت سری به مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان بزنیم و با زهره قایینی مدیر این موسسه و یکی از دو نویسنده مجموعه ده جلدی تاریخ ادبیات کودکان ایران، گفتگویی کوتاه داشته باشیم. وی متولد دی ماه ۱۳۳۲، کارشناس ارشد کتابداری، کارشناس ادبیات کودکان، و از اعضای با سابقه شورای کتاب کودک است که دو دوره رییس هیات داوران جایزه‌هانس کریستین آندرسن بوده و اکنون عضو هیات‌مدیره دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان IBBY است.

■ خانم قایینی ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، به ما بگویید بعد از طی چه مسیری به فعالیت در این موسسه رسیدید؟

آموزگاری را در یکی از روستاهای مازندران و در دبیرستانی در تهران تجربه کردم. نخستین پژوهش من در حوزه ادبیات کودکان، پژوهش میدانی «واکنش کودکان ۴ تا ۶ ساله به کتاب‌های تصویری» بود که به عنوان پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد از آن دفاع کردم. پیش از همکاری در پژوهش و نگارش مجموعه کتاب‌های مرجع تاریخ ادبیات کودکان ایران، مدتی در نشریه‌های گوناگون به نوشتن مقاله، ترجمه و ویراستاری سرگرم بودم. چندین کتاب ترجمه نیز از من منتشر شده است. در کارگاههای سالانه ادبیات کودکان در شورای کتاب کودک، تدریس تاریخ ادبیات کودکان ایران و تصویر در کتاب‌های کودکان را بر عهده داشتم و دارم.

از سال ۱۳۷۶ کار پژوهش درباره تاریخ ادبیات کودکان ایران را با همکاری پژوهشگر و نویسنده ادبیات کودکان ایران، محمدهادی محمدی آغاز کردم و با پایه‌گذاری موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران در سال ۱۳۷۹، در کنار یک گروه دستیار و جستجوگر پروژه بزرگ تاریخ ادبیات کودکان ایران را ادامه و سرپرستی و مدیریت گروه پژوهش را به عهده گرفتم. ویرایش نخست این مجموعه ده جلدی در سال ۱۳۸۶ پایان گرفت، اما سه جلد آخر آن در سال ۱۳۹۲ اجازه انتشار پیدا کرد.

تاکنون چندین پژوهش در موسسه‌های بین‌المللی ادبیات کودکان انجام داده‌ام. در زمینه همکاری با نهادهای بین‌المللی ادبیات کودکان در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ عضو هیات داوران جایزه‌هانس کریستین آندرسن که به نوعی نوبل کودکان به شمار می‌آید بودم، و در سال ۲۰۰۵ عضو هیات داوران فستیوال بین‌المللی فیلم کودک «سینه کید CineKid» بودم. در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ به ریاست هیات داوران جایزه جهانی‌هانس کریستین آندرسن برگزیده شدم. همچنین به عنوان عضو هیات داوران بین‌المللی کنکور نامی Nami concourse، کره جنوبی در سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ حضور داشته‌ام. در حال حاضر سرپرستی طرح مطالعات کودکی و برنامه ترویج کتابخوانی برای کودکان مناطق محروم را برعهده دارم.

■ از فعالیت‌های موسسه تاریخ ادبیات کودکان بگویید؟

موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان پس از سال‌ها پژوهش درباره تاریخ ادبیات کودکان و جایگاه کتاب‌های کودک در جامعه، به این باور رسیده است که ترویج ادبیات در میان کودکان و نوجوانان به ویژه از راه کتابخوانی با آنها می‌تواند استعدادها و توانمندی‌های ذهنی نسل آینده جامعه را شکوفا و زندگی آنها را دگرگون و بارور کند.

اولین کار انجام شده در این موسسه، پژوهش تاریخ ادبیات کودکان بود که در راستای تالیف آن تمام اسناد مربوط به کودکان اعم از کتاب و تمام اشیای مربوط به کودکان در موزهای گردآوری شده است. این کتاب موفق به دریافت جایزه کتاب سال شده است. پروژه بعدی ما در این زمینه کتاب تاریخ مطالعات کودکی است که به تاریخ تکوین مفهوم کودکی در ایران می‌پردازد.

در زمینه فعالیت میدانی نیز موسسه برای کمک به کودکان کار و خیابان، صندوق

آموزش و توانمندسازی کودکان کار و محروم را در سال ۱۳۸۵ بنیاد نهاد. این صندوق با کمک‌های مردمی‌اداره می‌شود و در طی سالهای گذشته با اهدای کتاب‌های فارسی‌آموز ادبی و ریاضی‌آموز ادبی(مجموعه کتاب‌های آموزش خلاق) به آموزش بهتر کودکان کار و خیابان یاری رسانده است. موسسه به سبب موفقیت این طرح و تاثیری که این گونه کتاب‌ها در آموزش و سامان‌یابی روحی کودکان داشته است، از مرداد ۱۳۹۰ بر آن شد که موضوع ترویج کتابخوانی را قالب طرح «با من بخوان» گسترش دهد چرا که امیدوار بود با اجرای این طرح به پرسش‌های اساسی افرادی که به دنبال یافتن راه‌های بهتر برای ترویج کتابخوانی درمیان کودکان خانواده‌های کم درآمدند، پاسخ گوید.

برنامه «با من بخوان» توجه ویژه به برنامه کتابخوانی در میان کودکان محروم دارد. هدف رساندن کتاب‌های مناسب و با کیفیت به دست کودکانی است که در شرایط معمول زندگی خود نمی‌توانند به این کتابها دست یابند. این برنامه با تکیه بر آموزش مربیان کتابخوانی و کتابدار کودک برنامه‌ریزی شده است تا آنها با آشنایی با ادبیات و راه‌های موثر و خلاق کتابخوانی بتوانند عشق به خواندن و لذت بردن از ادبیات را به کودکان انتقال دهند.

«با من بخوان» تاکنون در شماری از مراکز آموزشی ۱۶ استان کشور اجرا شده و به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. طی ۵ سال از زمان آغاز برنامه، نزدیک به ۳۵ هزار کودک و نوجوان دختر و پسر در سنین ۴ تا ۱۶ سال زیر پوشش این برنامه بوده‌اند و از امکانات آن بهره‌مند شده‌اند. با درک تاثیر«با من بخوان» هر سال مراکز جدیدی به این برنامه می‌پیوندند و برنامه از نظر شمار کودکان و مربیان و آموزگاران و نیز جغرافیای زیر پوشش در حال گسترش است.

با پشتیبانی برخی سازمان‌ها و نهادهای خصوصی همچون جامعه یاوری فرهنگی، شرکت عمران آذرستان، شرکت ایداج، شرکت بالین تک، بنیاد گرامی، شرکت گلگهر سیرجان و شماری از نیکوکاران ایرانی، این برنامه درهفت منطقه در استان خراسان جنوبی، استان سیستان و بلوچستان، در حاشیه شهر یزد در منطقه‌ای محروم به نام حسن‌آباد مشیر، در سه منطقه محروم حاشیه شهر اصفهان (یزدآباد و ارزنان و حصه)، در مدارس کوهدشت لرستان، سیرجان در استان کرمان، قصر شیرین در استان کرمانشاه، در دو خوابگاه دختران و پسران شهر زلزله زده بم، در ۱۲ مهدکودک در منطقه زلزله‌زده هریس آذربایجان، در سه روستای منطقه فورگ نزدیک داراب (استان فارس)، در چندین مرکز کودکان کار و خیابان در حاشیه شهر تهران (خانه‌های کودک خاوران، مولوی، شوش، کودکان کوره‌پزخانه‌های نزدیک روستای محمودآباد در جنوب شرق حاشیه تهران)، خانه کودک کوشا، در مرکز توانمندسازی زنان "آوای ماندگار" در مولوی تهران، برای کودکان خردسال شیرخوارگاه آمنه در تهران، کودکان بیمار در بیمارستان محک تهران و تسکین تبریز، دو مرکز کودکان بی‌سرپرست در شهریار کرج، برای خانواده‌های کارگری شرکت سازورسازه آذرستان اجرا شده است.

بخشی از برنامه «با من بخوان» مجهز کردن کتابخانه‌های مناطق محروم با کتاب‌های با کیفیت است که تاکنون ده‌ها کتابخانه از جمله در دامغان، گمیشان، روستای خواجه‌نفس استان گلستان و روستای سلخ جزیره‌ی قشم به این طرح پیوسته‌اند. این پروژه همچنان در حال گسترش است.

«با من بخوان» در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه بین‌المللی ترویج کتابخوانی «ایبی-آساهی» شد که از سوی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان هر دو سال یک بار به دو گروه یا موسسه‌ای اهدا می‌شود که با انجام فعالیت‌های چشمگیر، سهم پایداری در اجرای برنامه‌های ترویج کتابخوانی کودکان و نوجوانان داشته باشند.

■ کدام نهادها و سازمان‌ها از فعالیت‌های موسسه شما پشتیبانی کرده‌اند؟

حمایت بخش دولتی را نداشته‌ایم اما در بخش خصوصی پشتیبانی‌های محدودی از جانب برخی شرکت‌ها و مؤسسات از ما شده است و این پشتیبانی‌ها عموما از طرف افرادی بوده است که دغدغه فرهنگی دارند. متاسفانه بیشتر افرادی که تمایل به کار در حوزه فرهنگ دارند به مدرسه‌سازی علاقه نشان می‌دهند در حالی که مدرسه سخت‌افزار است و چیزی که در درون آن می‌گذرد مهم‌تر است. آشنا کردن کودکان با ارزش‌های زندگی از راه کتاب و ادبیات و آموزش مهارت‌های زندگی کودکان آسیب‌پذیر در خانواده‌های کم برخوردار آنها را توانمند می‌کند تا در بدترین شرایط زندگی بتوانند با ناملایمات روبه رو شوند.

■ دلیل تمرکز موسسه شما بر آموزش و تربیت کودکان، به ویژه در مناطق محروم چیست؟

همه چیز به کودکان برمی‌گردد. آنچه به کودکان داده می‌شود به جامعه نیز باز می‌گردد. همه آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی از دوران کودکی آغاز می‌شود، آموزش‌هایی چون حقوق شهروندی و داشتن محیط زیستی سالم و به سامان. از آنجایی که بخش بزرگی از کودکان در جهان و در جامعه ما کودکان محروم هستند و بیش از بقیه کودکان به این آموزش‌ها نیاز دارند موسسه ما روی این گروه از کودکان تمرکز کرده است.

امروزه در دنیا آموزش از راه ادبیات حرف اول را می‌زند. آگاهی آواشناسی از راه ادبیات و الفباورزی از جمله آموزش‌های مدرنی است که در جهان برای کودکان از هنگام تولد تا زمان به مدرسه رفتن تاکید می‌شود. ما سعی داریم زبان فارسی را با روش‌های نو و از راه ادبیات، شعر، بازی و جنبش آموزش دهیم.

کودکان خانواده‌های کم برخوردار به سبب نبود امکانات فرهنگی و محرومیت از آموزش پیش دبستانی در بسیاری از موارد وقتی وارد مدرسه می‌شوند، چند سال از کودکان هم سن خود عقب هستند و جبران این عقب ماندگی با روش معمول کار ساده‌ای نیست. این روش‌های خلاق یعنی آموزش از راه ادبیات می‌تواند در آموزش این کودکان بسیار کارساز باشد. در چند سال گذشته که «با من بخوان» و آموزش خلاق از راه ادبیات با هماهنگی آموزش و پرورش خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان در شماری از مدارس به ویژه پایه اول اجرا شد، نتایج به دست آمده برای خود مسئولین هم شگفت‌انگیز بوده است.

برنامه دولت برای آب‌های ژرف

مخالفان و موافقان چه می‌گویند؟

آرزو نوری

۱۱ مرداد سال ۱۳۹۶هیات دولت طی بخشنامه ای به وزارت نیرو اجازه داد ۲۵ میلیارد تومان اعتبار از محل منابع قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران برداشت کند و آن را برای تامین آب شرب اضطراری استان سیستان و بلوچستان در قالب انجام حفاری آب ژرف هزینه کند. البته به گفته آقای هاشمی، استاندار سیستان و بلوچستان مطالعات مربوط به آب ژرف از دی ماه سال گذشته با فعالیت ۲۲ گروه روسی و ایرانی در استان فارس و سیستان و بلوچستان کلید خورده بود، و با این بخشنامه اراده جدی برای انجام آن دیده شد، امری که اهالی شهرهای کم آب را امیدوار کرد اما کارشناسان را به اندیشه‌ای جدی در مورد مسئله آب ژرف واداشت. اغلب این کارشناسان معتقدند نباید به آب ژرف دست درازی کرد چرا که این کار شروعی برای مصرف آخرین ذخایر آبی زمین و منابع استراتژیک آب است.

آب ژرف چیست؟

آب ژرف چنان که از نام آن پیداست به آبهای موجود در لایه‌های عمیق تر زمین گفته می‌شود. این پدیده را می‌توان در برابر آبهای سطحی و آبهای زیرزمینی، غیرقابل دسترس‌تر دانست. درباره اینکه دسترسی به آبهای ژرف در چه عمقی از زمین عملی است تفاوت‌هایی در نقاط مختلف دیده می‌شود اما عموما به آبهایی که در اعماق بالای هزار متر قرار دارند آب ژرف گفته می‌شود.

دکتر محمد آریامنش متخصص ژئوفیزیک در کتاب هیدروژئودینامیک، منابع آب ژرف را به ۵ دسته تقسیم نموده است:

۱-منابع آب ژرف فسیلی

آبهایی هستند که در طی هزاران سال در اعماق زمین محبوس شده اند که این منابع نیز منشاهای مختلفی دارند. به عنوان مثال برخی از این آبها حاصل خشک شدن دریاها و ایجاد خشکی‌ها بوده اند که باقی مانده این آبها در طی چندین هزار سال به وسیله ماسه سنگ‌ها پوشانده شد.

۲-منابع آب ژرف ژئوترمال یا معدنی

این گونه منابع در چرخه هیدرولوژیکی آب شرکت ندارند. این نوع آبها در اعماق زمین و در فعل و انفعالات شیمیایی مربوط به مواد آتشفشانی شکل گرفته اند و املاح زیادی دارند که آنها را برای انسان غیرقابل استفاده می‌کند.

۳-منابع آب ژرف با ساختار نفتی

در بیشتر سفره‌های نفتی زیر زمین به میزان قابل توجهی نیز آب وجود دارد. به شکلی که نفت در قسمت بالاتر و آب در زیر آن قرار می‌گیرد. این منابع آبی نیز از کیفیت مناسبی جهت بهره برداری برخوردار نیستند و در صورت برداشت نیازمند تاسیسات بسیار پیشرفته برای بهبود کیفیت آن خواهند بود.

۴-منابع آب ژرف آبرفتی

این منابع از جمله منابع ژرف آبی هستند که در زیر زمین حرکت می‌کنند و در لایه‌های آهکی زمین با ضخامت بیش از ۷۰۰ متر ذخیره شده اند. این منابع تجدیدپذیر محسوب می‌شوند و به عبارتی می‌توانند در چرخه هیدرولوژیکی آب شرکت داشته باشند اما مدت زمان کامل شدن یک چرخه از آنها بسیار طولانی است. کیفیت این نوع منابع بستگی به نوع رسوبات سفره آب دارد.

۵-منابع آب ژرف گسلی

ساختارهای گسلی زمین بستر مناسبی برای ذخیره و حتی حبس آب هستند. البته بسته به نوع ساختار زمین شناختی گسل و با توجه به شیب هیدرولیکی می‌توانند حرکت کرده و از دسترس خارج شوند. این آبها را که کیفیت بهتری نسبت به سایر آبهای ژرف دارند تجدیدپذیر می‌دانند و وقتی صحبت از استخراج آب ژرف می‌شود عموما همین نوع مورد نظر است.

تاریخچه بهره‌برداری از آب‌های ژرف

با توجه به کمبود آب شیرین، برخی کشورها به استفاده از آبهای ژرف روی آورده اند. در لیبی هنگام اکتشاف نفت به آب‌های ژرف فسیلی دسترسی پیدا کردند. پروژه ای دیگر جهت بهره برداری از آب زیرزمینی فسیلی در کشور اردن انجام شد. عربستان نیز از این آبها در زمینه کشت گندم استفاده کرد. چین و روسیه هم تجربه بهره برداری از آب ژرف را دارند.

در کشور ما برداشت آب از دشت‌ها و مناطق آبرفتی بوده است. سال گذشته، و در پی کشف تصادفی آب در عمق بیش از ۵۰۰ متر، در حین حفاری‌های شرکت ملی فولاد ایده استفاده از آب ژرف مطرح شد. وزارت نیرو

نیز از آغاز پروژه ۲۵۰ میلیون دلاری برای اکتشاف آب در ذخایر ژرف ایران با مشارکت روس‌ها خبر داد. اما چرا روس‌ها؟ ایران و روسیه در آذر ماه ۱۳۹۴ و در حاشیه اجلاس مجمع کشورهای صادرکننده گاز جهت تعمیق و تحکیم همکاری‌های مشترک، ۷ سند و یادداشت تفاهم همکاری امضا کرده بودند که در این مراسم یادداشت تفاهم زمینه مطالعه، اکتشاف و ارزیابی ذخایر آب‌های زیرزمینی ژرف توسط معاون وزیر نیروی ایران و رئیس شرکت روس گئولوگیای روسیه به امضا رسیده بود.

آمار و اطلاعات دقیقی از کم و کیف این مطالعات و عملیات اجرایی حفاری اولین چاه آب ژرف ارائه نشده است اما طبق اعلام وزارت نیرو انجام مطالعات عملیات ژئوفیزیک برای شناسایی آب‌های ژرف در عمق بیش از هزار متری زمین خواهد بود و عملیات حفاری در جست وجوی منابع تجدیدپذیر آب در مناطق اولویت‌بندی شده کشور انجام می‌گیرد. در همین زمینه گفته می‌شود طبق برآوردها مناطقی مانند خراسان جنوبی، کرمان، سیستان و بلوچستان، در اولویت حفاری برای رسیدن به آب ژرف قرار دارند. وزارت نیرو در مورد حجم آب پیش بینی شده نیز حداکثر ۱.۵ تا ۲ میلیارد آب ژرف تجدیدپذیر در کشور را تخمین زده است. (خبرگزاری مهر- ۲۹ دی ۱۳۵۹)

آسیب‌ها و فرصت‌ها

۵ مرداد ۹۶ روزنامه خراسان به نقل از وزیر نیرو عنوان کرده بود استفاده از آب ژرف هیچگونه آسیب زیست محیطی به همراه ندارد. در همین نوشتار نقل قولی از حمید چیت چیان ذکر شده بود مبنی بر اینکه: «مطالعه آب‌های ژرف مسئله جدیدی است و در کشور ما سابقه نداشته است. اکنون نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که در اعماق ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر منابع آب وجود دارد که با فناوری مشابه حفر چاه‌های عمیق برای استخراج نفت، قابل برداشت است. چاه‌های عمیق آب در دو دسته‌بندی تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر قرار دارند. گونه اول از طریق گسل‌ها تغذیه و در صورت استفاده نکردن از آن، از طریق منافذ خارج می‌شود و به دریای خزر و خلیج‌فارس می‌رود. در واقع اگر ما از این آب‌ها به اندازه منطقی استفاده کنیم، هیچ‌گونه آسیب زیست‌محیطی در پی نخواهد داشت».

در کنار افراد خوشبین که وجود آب ژرف و برداشت از آبهای ژرف تجدیدپذیر را برای مقابله با خشکسالی مفید می‌دانند برخی معتقدند برداشت آب‌های ژرف اگر بیش از حدی باشد که قابل جایگزینی است، موجب فرونشست زمین خواهد شد. کارشناسان دیگری هم هستند که عنوان می‌کنند آب‌های ژرف معمولا شورند و با به سطح آوردن این آب‌ها بدون مطالعه و پیش بینی‌های لازم زمینه نابودی خاک حاصل خیز فراهم می‌شود.

دکتر سعیدی مشاور و ناظر زمین شناسی ساختمانی برای پروژه مطالعات خدمات پژوهشی پتانسیل یابی پهنه‌های مستعد خدیجه گلین مقدم، دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی نیز معتقد است: ارتباط مستقیمی بین تحرک و گسست گسل‌ها و ظهور آب‌های زیرزمینی به نام چشمه در سطح زمین وجود دارد. به‌عبارتی سکونتگاه‌ها روی گسل‌ها یا نزدیک آن‌ها ساخته می‌شوند زیرا در این بخش‌ها آب در سطح زمین پدیدار می‌شود. در نتیجه برداشت آب‌های ژرفایی تاثیر بسیاری بر بروز زلزله خواهد داشت (اقتصاد آنلاین- ۶ شهریور۱۳۹۶). امیر پریزاد فعال محیط زیست هم معتقد است آب‌های ژرف در لایه‌هایی که دارای تخلخل هستند جمع می‌شوند و ایجاد جریان آب در عمق می‌تواند باعث تسهیل جابه‌جایی گسلی شود و در زمین‌لرزه موثرباشد. (روزنامه قانون- ۲۹مرداد ۱۳۹۶)

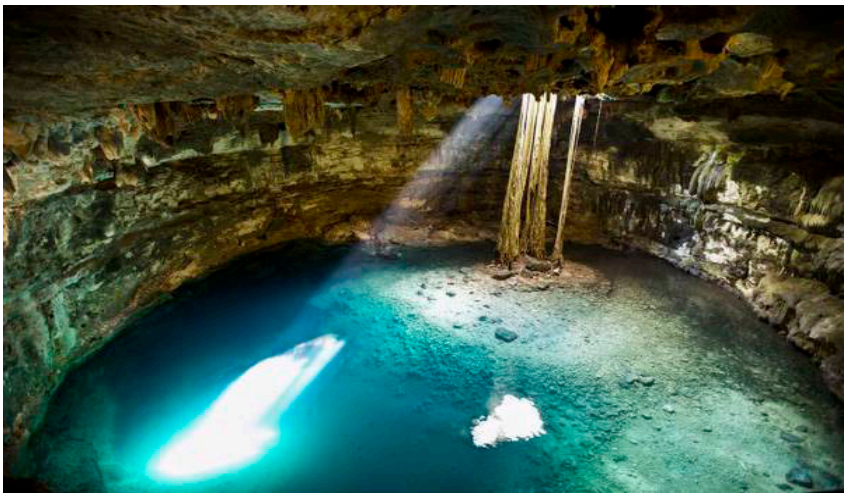

آب‌های ژرف کشور در مقام مخالف برداشت آبهای ژرف، معتقد است:« وقتی نمی‌توانیم آب‌های سطحی و سفره‌های آب زیرزمینی را مدیریت کنیم، مطمئن باشید آب‌های ژرف را هم از بین می‌بریم. تا همین الان و در سایه مدیریت غیرعلمی و اصولی، سراسر کشور به بحران خشکی دچار شده است و به بیابان زایی دامن زده ایم پس باید مدیریت آب را در کشور درست کنیم. متاسفانه هنوز در بسیاری از مناطق کشور علیرغم آنکه می‌دانیم دارای مشکل آب هستیم، اما همچنان کشاورزی به صورت سنتی ۵۰۰ سال پیش انجام می‌شود. (روزنامه اطلاعات- ۹ اسفند ۱۳۹۵)

اما و اگرهای استفاده از آب ژرف

دسترسی به آب ژرف و استفاده از آن به نوعی راه حل احتمالی در برابر خشکسالی کره زمین است. اما این راه حل امید بخش تا چه اندازه ای می‌تواند نگرانی انسانها را برطرف کند. در این باره باید برخی ملاحظات را در نظر گرفت.

- تعدادی از کارشناسان معتقدند آب ژرفی که از داخل گسل‌ها عبور می‌کند تجدیدپذیر است. یعنی از نواحی دورتری تغذیه می‌شود و نهایتا از محل حفاری عبور می‌کند یا در جایی دیگر به هدر می‌رود پس بهتر است از آن استفاده شود.

دکتر آریامنش منبع این آبها را شمال شرق ایران، کوه‌های هندوکُش در افغانستان، شمال غرب ایران و ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌داند. وی معتقد است در پهنه گسل زاگرس و گسل‌های فرعی که در آنجا وجود دارد آب جریان دارد. وی می‌گوید برخی از کانال‌های حاوی آب ژرف از کشور خارج می‌شوند و وارد اقیانوس و دریا می‌شوند یا وارد سرزمینهای اطراف ایران می‌شوند، بنابراین قبل از خروج آنها از منطقه در دسترس باید از آنها استفاده کرد. کارشناسان دیگر نیز تاکید می‌کنند در مواردی که منابع آب ژرف بین کشورها مشترک است بی‌توجهی به مسئله بهره‌برداری از آنها فرصت بهره‌برداری بیشتر را به کشورهای همسایه می‌دهد.

- سوال اصلی این است که آیا ایده آب ژرف راهگشا خواهد بود و میزان این آب استخراج شده کفاف نیازهای کشور را خواهد داد؟ به عبارتی آنچه برای به دست آوردنش چنین هزینه و کوششی به کار خواهد رفت، ارزش این هزینه و تلاش را خواهد داشت؟ استفاده از آب ژرف امری هزینه بر است. این هزینه مربوط به مطالعات مربوط به استخراج و حفاری، حفاری، و تصفیه و تبدیل این آب به آب قابل استفاده است. گفته می‌شود حفاری هر حلقه چاه اکتشافی در بلوک‌ها و نقاط عمیق و ژرف به حدود ۳۰ میلیارد تومان اعتبار به صورت سالانه نیاز دارد. البته دکتر محمد آریامنش؛ متخصص ژئوفیزیک این رقم را در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۳ میلیارد تومان تخمین زده بود، این در شرایطی است که ممکن است بخشی از این آب به دلیل داشتن آلودگی‌هایی چون شوری شدید یا آلودگی‌ها قابل استفاده نباشد. چنین احتمالاتی با توجه به هزینه‌های بالای استحصال آب، نیاز به بررسی‌ها و مطالعات بیشتر را یادآوری می‌کند. به عنوان مثال پس از کشف سفره‌های بزرگ آب زیرزمینی فسیلی در مرز اردن و عربستان، پروژه ای برای بهره برداری سالانه ۹۹ میلیون مترمکعب آب ژرف و انتقال آن به پایتخت اردن کلید خورد اما پس از کشف آلاینده‌های رادیواکتیوی در آبهای این سفره زیرزمینی، پروژه مذکور متوقف شد.
- آب ژرف و پرداختن به آن از تجربیات کم تعداد جهان به شمار می‌آید و شناخت جامع و دقیقی درباره آن و پیامدهای زیست محیطی استخراج آن وجود ندارد که بتوان بر اساس آن برنامه مدونی برای برداشت و استفاده از آن تدوین کرد. علاوه بر این، چنین کاری نیاز به تجهیزات و تکنولوژی خاصی دارد که ایران هنوز به آنها دسترسی ندارد. در زمینه مطالعات مربوط به آب‌های ژرف، وجود نگاه کلان و سیستمی به آب‌های ژرف ضروری است. چنانچه حمیدرضا ناصری، استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو کمیته راهبری پروژه «شناسایی پهنه‌های مستعد آب‌های ژرف کشور» در موسسه تحقیقات آب نیز تاکید دارد مطالعه آب‌های ژرف باید در سطح ابرحوضه‌ها انجام شود. مفهوم مگا به سیستم‌های آب زیرزمینی اتلاق می‌شود که در سطح یک منطقه به یکدیگر مرتبط هستند. مطالعه حوضه آبریز محلی و کوچک پاسخگو نیست. ابرحوضه یک محیط هیدرولیکی پیوسته است که در آن جریان و تغذیه و تخلیه آب‌های زیرزمینی عمدتا توسط گسل‌های ناحیه ایی واقع در سنگ بستر کنترل می‌شود.» (خبرگزاری اقتصادی ایران- ۵ مرداد ۱۳۹۶)
- در برخی موارد دسترسی به آبهای ژرف بسیار دشوار یا غیرعملی است. مثلا در مواردی که آب‌های فسیلی در لایه‌های آهکی قرار داشته باشند، امکان بهره‌برداری و جابجایی آنها وجود دارد، ولی اگر این آب‌ها در لایه ماسه سنگ‌ها باشند، برداشت آن بسیار دشوار می‌شود. علاوه بر این وجود آلودگی‌های اتمی، برخی از فلزات سنگین یا شوری بیش از حد، دمای زیاد، وجود گازهای ناشناخته، گاه سمی و گاه محترقه از جمله مباحث کلیدی در زمان برداشت این منابع است که باید مورد توجه قرار گیرد.
- و نکته نهایی و کلیدی اینکه، آیا واقعا استخراج این ثروت بین نسلی تنها راهکار موجود است؟ به نظر می‌رسد در شرایط کنونی جهان، همانقدر که دور ماندن از مباحث مطرح روز مشکل آفرین است اقدامات شتاب زده و بی‌مطالعه نیز می‌تواند مصالح ملی را به خطر بیندازد. ورود به حوزه آب‌های ژرف قبل از هر چیزی احتیاج به مطالعه و بررسی دقیق از صفر تا صد آن را دارد. در گام اول آگاهی از کم و کیف منابع آب ژرف موجود در کشور، در گام دوم پاسداشت این منابع و یافتن راه حل‌های دیگر و کم هزینه تر برای رفع بحران آب، و در گام آخر دست یافتن به اطلاعات و دانش مربوط به استخراج و بهره برداری از این منابع که آمادگی عملی برای استخراج سریع این ثروت بین النسلی را در لحظات بحرانی فراهم کند. امید است بدون مطالعات عمیق و جامع به طرف آب ژرف نرویم، و به بحران‌های زیست محیطی موجود دامن نزنیم.

منابع

۱-اکتشاف آب‌های ژرف از رویا تا واقعیت- خبرگزاری مهر- ۲۹ دی ۱۳۹۵
۲- مافیای آب، به‌دنبال دست‌یابی به منافع خویش هستند- روزنامه قانون- ۶ شهریور ۱۳۹۶
۳-آیا آبهای ژرف، کلیدی برای گذر از بحران کم آبی خواهد بود- سایت انجمن تخصصی مهندسی علوم آب- ۲۰ دی ۱۳۹۵
۴- مرثیه ای بر آب‌های ژرف- روزنامه قانون- ۲۹ مرداد ۱۳۹۶
۵- راهکار پرریسک- هفته نامه تجارت فردا -۲۱ مرداد ۱۳۹۶
۶- اختصاص ۲۵ میلیارد تومان اعتبار برای حفر نخستین چاه آب ژرف کشور- خبرگزاری صدا و سیما -۶ شهریور ۱۳۹۶
۷- حفر نخستین چاه عمیق آب‌های ژرف در شهر زاهدان- خبرگزاری اقتصادی ایران- ۵ مرداد۱۳۹۶
۸- تهیه آب ژرف از عمق ۱۰۰۰ متری ۱۸ ماه زمان می‌برد-عصر ایران- ۱۹ مرداد ۱۳۹۶
۹- ورود ایران به حفاری «آبهای ژرف»- روزنامه خراسان- ۵ مرداد ۱۳۹۶
۱۰-ویکی پدیا

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

تاسیس: ۱۳۲۶

تاریخ: ۹۶/۷/۱۸

شماره: ۹۶-۵۶۶۹۶

شماره ثبت: ۹۴

"به نام خدا"

حضور گرامی جناب آقای دکتر نوبخت

معاون محترم رئیس جمهور و ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه

موضوع: طرحهای نیمه تمام

با سلام؛

احتراماً، به استحضار می رساند سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران به عنوان نماینده بخش عظیمی از شرکتهای خصوصی پیمانکاری حوزه صنعت احداث که مجری طرحهای عمرانی کشور می باشند پیگیر اجرای طرحهای نیمه تمام در جهت همراهی دولت محترم با هدف به اتمام رساندن پروژه ها جهت بهره برداری و ایجاد اشتغال و کاهش هزینه های تطویل مدت پیمان طرحهای تملک دارائیهای سرمایه ای باشد.

خواهشمند است دستور فرمایند آخرین اطلاعات لازم در طرحهای نیمه تمام و پروژه هایی که مطابق قانون بودجه سال ۹۶ برای اجرای آنها ردیف بودجه اختصاص یافته و جزو طرحهای اولویت دار است و می بایستی با سرمایه گذاری شرکت بخش عمومی – خصوصی به اتمام برسد را در اختیار این سندیکا قرار دهند.

این سندیکا در راستای اهداف متعالی دولت دوازدهم با به اشتراک نهادن اطلاعات فوق در جمع اعضای خود، تشویق به سرمایه گذاری در طرحهای نیمه تمام را به عنوان یک رسالت ملی، صنفی، حرفه ای مستمراً پیگیری خواهد نمود و متعاقباً گزارش اقدامات به استحضار جنابعالی خواهد رساند.

پیشاپیش از دستوری که صادر می فرمایند سپاسگزاری می نماید.

با تقدیم احترام

بهمن دادمان

رئیس هیأت مدیره

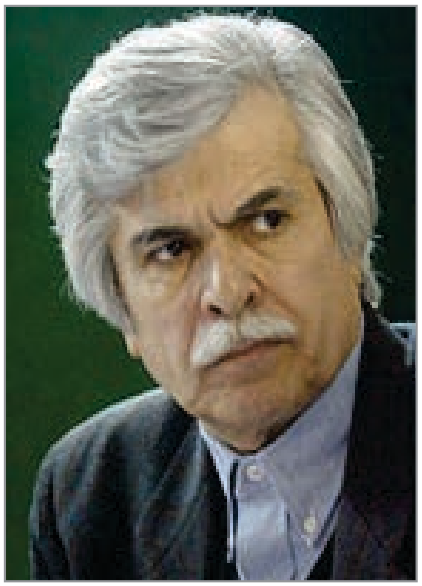

رویکرد غیرعلمی در تعیین نرخ بهره

محمود جامساز

نرخ بهره بانکی یکی از ابزارهای مهم سیاست‌های پولی بانک مرکزی است که با متغیرهای تورم و نرخ ارز ارتباطی ناگسستنی دارد. این نرخ در کشور ما که از یک نظام عملیات بانکی بدون ربا تبعیت می‌کند، توسط شورای پول و اعتبار که اخیرا ترکیب اعضای آن تغییر یافته، با نظر شورای فقها به‌لحاظ انطباق با مواضع شرعی تعیین و توسط بانک مرکزی ابلاغ می‌شود. فعلا ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار و شورای فقهی درتعیین نرخ بهره از بحث ما خارج است، اما ناگفته پیداست که نرخ بهره نه براساس رابطه آن با واقعیات اقتصادی جامعه، تورم، نرخ سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و نرخ بازده سرمایه، بلکه براساس درک تصمیم‌سازان پولی از شرایط اقتصادی کشور با هدف هماهنگی با متغیرهای اقتصادی به‌طور نرماتیو تعیین می‌شود. در این میان جایگاه بانک مرکزی که تعیین‌کننده سیاست‌های پولی کشوراست، متاسفانه در تصمیمات شورای پول و اعتبار و شورای فقهی چندان برجسته نیست و اما نرخ بهره سپرده‌ها، عامل مهمی در تودیع سپرده‌هاست که منابع اعتباری بانک‌ها را تجهیز می‌کند و قدرت اعطای تسهیلات بانکی را افزایش می‌دهد. لذا هرچه میزان بهره سپرده بیش از نرخ تورم باشد، سپرده‌های بیشتری جمع‌آوری شده و از سوی دیگر بانک‌ها با محاسبه اسپرد بانکی نرخ تسهیلات را از مشتریان دریافت می‌کنند. بالابودن نرخ بهره برسرمایه‌گذاری و تولید آثار منفی برجای می‌گذارد و کاهش سود سپرده هم نیز بانک‌ها را با کمبود منابع مالی تسهیلاتی روبه‌رو می‌کند. لذا باید نرخ بهره بانکی در جایگاه واقعی خود قرار گیرد. اخیرا اعلام شده که نرخ سپرده‌گذاری ۱۵درصد در سراسر کشور به‌طور یکسان باید عمل شود که کمتر از نرخ قبلی، به‌ویژه نرخ‌های غیرمنطقی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری است. از سوی دیگر ابزارهای نظارتی و کنترلی بانک مرکزی فاقد ظرفیت ردیابی و کنترل نرخ سود سپرده و تسهیلات بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری است. براین اساس یکی از تبعات کاهش دستوری نرخ بهره سوق‌یافتن سپرده‌ها از بانک‌های دولتی به این‌گونه بانک‌ها یا کانال‌های غیربانکی است، زیرا این بانک‌ها همواره از راهکارهایی استفاده می‌کنند که در نهایت سود بیشتری از تسهیلات‌گیرندگان دریافت نمایند و لذا سود بیشتری هم به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند تا منابع تجهیزات تسهیلاتی خود را افزایش دهند.

لذا با اعلام دستوری کاهش سود بانکی شالوده به هم می‌ریزد و اختلاف عمیقی در مبانی نظری سیاستگذاری‌های پولی و مالی آشکار می‌شود و شرایط را برای رعایت الزامات علم اقتصاد ناممکن می‌سازد. پایین‌کشیدن نرخ سود بهره بدون توجه به سایر متغیرها، عبور از قواعد علم اقتصاد است. گرچه این نرخ با هدف ایده‌آل در جهت کمک به رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر تعیین شود، اما تردید جدی در دستیابی به اهداف درنظرگرفته‌شده وجود دارد، زیرا هنوز در بسیاری از صنایع حاشیه سود به‌زحمت قادر به پوشش هزینه‌های بهره تسهیلاتی دریافتی ۱۸درصدی بانک‌هاست. لذا انگیزه سرمایه‌گذاری تولیدی با کاهش یکی، دو درصد سود تسهیلات افزایش نمی‌یابد. فی‌الواقع شوق بخش‌های غیرتولیدی نظیر دلالی و سوداگری در اخذ تسهیلات تقویت می‌شود. از سوی دیگر پایین‌بودن نرخ سپرده‌ها تاثیر چندانی در تقویت بورس نخواهد داشت، زیرا اکثریت سپرده‌گذاران از آشنایی با مکانیزم بورس بی‌بهره‌اند، ضمن آنکه بورس را هنوز محل امنی برای سرمایه‌گذاری نمی‌دانند، زیرا تجربه ترکیدن حباب قیمتی بورس در سال ۸۴ را از یاد نبرده‌اند. استدلال بانک مرکزی و دولت که فی‌الواقع در غیاب استقلال بانک مرکزی در تعیین سیاست پولی هم‌داستانند، این است که اکنون که شیب تورم کاهش یافته و به حدود۱۰درصد رسیده، بهره بانکی اعم از سود سپرده و تسهیلات اعطایی نیز باید تنزل کند. البته در یک نظام رقابتی نرخ بهره از فعل و انفعلات متغیرهای اقتصادی نظیر نرخ تورم و نرخ ارز متاثر می‌شود و اراده آمره‌ای خارج از سیستم اقتصاد رقابتی نیز وجود ندارد تا نرخ‌ها را به‌صورت نرماتیو تعیین و ابلاغ کند. متاسفانه طی نزدیک به چهار دهه اخیر نرخ ارز و نرخ بهره‌های بانکی و قیمت‌گذاری بسیاری از کالاها و خدمات به‌صورت دستوری توسط دولت یا بانک مرکزی تعیین شده و بارآور نتایج مطلوبی نبوده، اما تصمیمات اقتصاد سیاسی در یک دور باطل تکرار شده، بدون آنکه تلاشی در جهت تغییر و تحول اندیشه‌های مولد این تصمیمات صورت گرفته باشد. این در حالی است که به‌رغم رویکرد و سیاست‌های کلی نظام در خصوص کوچک‌سازی دولت از طریق واگذاری‌ها اقتصاد دولتی و سیاسی، انگیزه

بزرگ‌ترشدن خود را از دست نداده و همچنان دامنه دخالت‌های دولت اعم از تصدی‌گری و مالکیت و انحصارگرایی در تمام حوزه‌های اقتصادی وسیع‌تر شده و مبانی اندیشه‌های اقتصادی دولت‌گرایانه را تقویت نموده است، به نحوی که متغیرهای اقتصادی مجالی برای حرکت در مجرای صحیح را نیافته‌اند. گفته شده است که تورم به ۱۰درصد رسیده، اما آیا این نرخ در سبد مصرفی جامعه خود را نشان داده است؟ آیا تابه‌حال نرخ تورم سبد مصرفی و معیشتی خانوارها آشکارا و جداگانه اعلام شده است؟ تجربه نشان داده است که نرخ تورم واقعی سبد مصرفی خانوار بسیار بیش از نرخ تورم اسمی دولت است که از میانگین حدود ۳۷۵ قلم کالا حاصل شده است. لذا سپرده‌گذاران تعیین نرخ ۱۵درصد را به زیان خود می‌دانند که در عملکرد و رفتارآنان تاثیر می‌گذارد. حتی اگر تورم واقعی سبد معیشتی همسنگ یا کمتر از نرخ تورم باشد، عامل انتظارات تورمی جامعه که هنوز فروکش نکرده، نرخ ۱۵درصدی سود بانکی را به زیان سپرده‌گذاران توجیه می‌کند. از سوی دیگر عملیات بانک‌ها که در چارچوب عقود اسلامی محدود شده و با کسر منابع به سبب اعطای تسهیلات تکلیفی و بدهی‌های بانکی دولت، حجم انبوه بدهی‌های انباشته‌شده و معوق روبه‌روست، مایل به ازدست‌دادن منابع خود نیستند، لذا قانون را ماهرانه دور زده و سودهای بیشتر از ۱۵درصد را به مشتریان ارائه می‌دهند. نکته آنکه بانک مرکزی چندی قبل از آنکه سود سپرده‌ها را ۱۵درصد اعلام کند، بانک‌ها را در جریان این ابلاغیه قرار داده بود تا بانک‌ها خود را با وضع جدید تطبیق دهند. جالب آنکه بسیاری از بانک‌ها تلفنی یا با ارسال پیام و یا دعوت حضوری سپرده‌گذاران را تشویق به تمدید قراردادشان با نرخ‌های قبلی نمودند تا از خروج سپرده‌ها و درنتیجه کاهش منابعشان جلوگیری کنند. از سوی دیگر مسلما بانک‌ها که از قبل هم عقود مشارکتی را بر عقود مبادلاتی ترجیح داده و حجم آن را از ۲۰درصد به ۸۰درصد تسهیلات بانکی رسانده بودند، از این پس حتی بیش از پیش عقود مشارکتی را در دستور کار خود قرار خواهند داد تا بر مبنای تشخیص کارشناسان بانک که مسلما با برآورد نرخ بازه سرمایه، به مبلغ بیش از نرخ واقعی منافع بانک‌ها را محفوظ می‌دارند، سود بیشتری دریافت کنند. متاسفانه ضعف و ناکارآمدی عملیات بانکی بدون ربا سبب شده که جامعه با دو نظام بانکی روبه‌رو شود؛ یکی نظام بانکی دولتی و دیگری نظام بانکی غیردولتی و حتی می‌توان گفت غیربانکی. بانک‌ها یا موسسات اخیر از تودیع سپرده قانونی نزد بانک مرکزی سرباز زده و درنتیجه بهای پول برای آنها ارزان‌تر از بانک‌های دولتی است. به‌رغم اظهارات رئیس کل بانک مرکزی که با پیگیری‌های بانک مرکزی دیگر هیچ موسسه غیرمجازی وجود ندارد، هنوز بسیاری از این‌گونه موسسات فعالند، ضمن آنکه موسساتی که به بانک تبدیل شده و مجوز بانک مرکزی را نیز کسب کرده‌اند، از مقررات بانک مرکزی پیروی نمی‌کنند. بانک مرکزی نیز قادر به نظارت بر آنها نیست. لذا هر نرخی که شورای پول و اعتبار با تایید شورای فقهی تعیین و به بانک مرکزی ابلاغ می‌کند، در فرایند عملیات بانکداری غیردولتی و غیربانکی فقط روی کاغذ می‌ماند که نتیجه آن فقدان هماهنگی بین بانک‌ها و اختلال بیشتر در نظام پولی کشور است. از ویژگی‌های عملیات بانکداری بدون ربا در کنار حاکمیت دولت در نظام بانکی و عدم کاربرد عقود اسلامی در جهان پیشرفته امروز و عدم استقلال بانک مرکزی و فقدان رقابت همین تعیین دستوری نرخ سود بانکی و اصولا نرخ‌گذاری روی کالاها و خدمات است که خلاف منطق بازار است و قیمت‌هایی که توسط نهادهای دولتی تعیین می‌شوند، با واقعیات هزینه‌های تولید و بهای ارز و تورم همخوانی ندارند. قیمت‌ها همه اسیر ناگزیر دستورات دولتند و به همین دلیل تخصیص منابع بین نیازهای واقعی اقتصاد با چالش عظیمی روبه‌روست. قیمت‌ها باید توسط بازار تعیین شوند، زیرا نظم خودجوش بازار قیمت‌ها را متعادل می‌سازد، اما دخالت دولت در بازار که به‌شکل تعیین قیمت خود را نشان می‌دهد، مکانیزم بازار را تخریب و بازار را به نابازار تبدیل می‌نماید. از آنجا که دولت خود عمده‌ترین مالک، مدیر و کارفرمای اقتصادی است، اجازه نخواهد داد که بازار نقش خودجوش خود را در متعادل‌سازی عرضه و تقاضا و قیمت ایفا کند. تعیین قیمت‌ها همه در جهت منافع و مصالح دولت است و مبنای علمی ندارد. حتی ارز آزاد توسط عوامل دولتی حدود ساعت ۱۲ ظهر هر روز تعیین می‌شود، زیرا بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز دولت است. نرخ ۱۵درصد بهره بانکی نیز معیار صحیحی برای اندازه‌گیری هزینه-فرصت نگهداری پول نیست. تعیین نرخ بهره باید بر مبنای نرخ بهره‌های کوتاه‌مدت بین بانکی، یعنی بهره‌ای که بانک‌ها در مقابل وام به یکدیگر پرداخت می‌کنند، تعیین شود و سپس عملکرد رقابتی بانک‌ها باید نرخ بهره سپرده و تسهیلات را مشخص کند. نرخ بهره بین بانکی هم باید با مشارکت بانک مرکزی و کلیه بانک‌های کشور براساس الگوهای تعریف‌شده نظام بانکداری بین‌المللی تعیین شود. متاسفانه عدم ارتباط نظام بانکی ما با نظام بانکی بین‌المللی طی چند دهه اخیرنظام بانکی ما را نسبت به قواعد و مقررات بانکی بین‌المللی بیگانه کرده است.

*اقتصاددان

مرا بارها محک می‌زنند تا اعتماد کنند

گفت‌وگو با تنها زنی که در آزادراه تهران- شمال به عنوان معاون فنی پروژه مشغول به کار است

«ایلناز رنجپور»، معاون فنی قطعه D در منطقه یکم آزادراه تاریخی تهران - شمال است اما مهندسان عمران زن در ایران معمولا در بخش محاسبه به کار مشغولند و از حوزه‌های نظارت و اجرا، دور هستند. او ۱۰سال است که در کارگاه‌های مختلف کار می‌کند.

متولد اردیبهشت ۵۹ است و می‌گوید لذت ساختن و آباد کردن را با هیچ‌چیزی عوض نمی‌کند. ایشان در تمامی‌این ۱۰سال کار کارگاهی، هیچ‌وقت همکاری با یک خانم را تجربه نکرده و همیشه در محیط‌های زمخت، با کارگران و مدیران ارشد مرد سر و کله می‌زده؛ به قول خودش باید به همه آنها توانایی‌هایش را ثابت می‌کرده است. «آن‌قدر کار کردن یک خانم در این سمت برای مردم ما عجیب است که در یکی از شهرهایی که مشغول به کار بودیم، وقتی لیست بیمه را برای دفتر بیمه‌کننده فرستادیم، کارگزار مربوطه قبول نکرد و برای بررسی صحت هویت من، کارشناس خود را به محل کارگاه فرستاد.» رنجپور در ابتدا کارشناس یک دفتر فنی بوده و بعد از آن سرپرستی دفتر فنی به او داده شده است. حالا معاونت فنی پروژه است؛ از کنترل و تهیه نقشه‌های اجرایی گرفته تا اجرایی کردن اعداد و ریالی کردن احجام. امروز پای همه دغدغه‌های زنانه او نشسته‌ایم. از کار در محیط‌های مردانه و کارگاهی گرفته تا موانعی که جامعه پیش پای زنانی مثل او گذاشته و می‌گذارد و خواهد گذاشت.

• در سال‌های ابتدایی کارتان، زن بودن مانع اعتماد کارفرماها به شما نمی‌شد؟

نمی‌توان انکار کرد که به من سخت‌تر اعتماد می‌کردند. نگران بودند از پس کار کارگاهی برنیایم. اولین کارگاهی که به‌عنوان مسئول مقیم بودم، مربوط به یک پروژه سخت حوالی شهر سنندج بود. می‌گفتند یک ماه آزمایشی بروید، احتمالا خانم رنجپور آن‌جا دوام نخواهید آورد. رفتیم و با همسرم ٦ سال سنندج زندگی کردیم.

بعد از پروژه سنندج به خرم‌آباد رفتیم و چند ماه دیگر در یک محیط کاملا کارگاهی صبح‌مان را شب کردیم. بعد از آن رفتیم سردشت. ۳ سال و چند ماه هم سردشت بودم که بعد از ۳ سال آن پروژه را از من گرفتند و گفتند این پروژه برای تو کم است.

• چرا کمتر خانمی‌مثل شما کار اجرا در دست می‌گیرد؟ مشکل از جامعه است یا مشکل خود ماییم؟

ببینید یک مجموعه عوامل در این میان دخیل است. جامعه شاید سخت‌تر به خانم‌ها اعتماد و قبول کند که منِ زن هم از پس کارهای مختلف برمی‌آیم، اما از طرفی برخی از زنان ما هم به کار کارمندی و کم‌ریسک علاقه بیشتری نشان می‌دهند. موضوع کار در کارگاه‌های عمرانی، صرفا سختی کار و توانایی فنی نیست. خیلی‌ها نمی‌توانند زندگی در شرایط سخت، در شهرهای دورافتاده و دور از خانواده را تاب بیاورند. مرد و زن هم ندارد.

• از سخت‌ترین شرایط کارگاهی که تجربه کرده‌اید برای ما بگویید.

در یکی از کارگاه‌ها که دلم نمی‌خواهد نامی‌از آن بیاورم، شرایط جانبی و محیطی من را مریض کرد. یا کار در کارگاه سنندج هم سختی‌های خودش را داشت. ٤ ساعت تا نزدیک‌ترین فرودگاه فاصله داشتیم. در منطقه صفر مرزی بودیم و زندگی و کار در این مناطق را باید تجربه کنید تا متوجه سختی‌هایش شوید.

• فارغ از این موارد جزئی، از سختی‌های کار کردن در محیط‌های مردانه برایمان بگویید.

ماهیت شغل من ایجاب می‌کند که همزمان هم با قشر کارگر در تماس باشم هم با مدیران ارشد. تصور کنید؛ به تک‌تک این افراد باید خودم را ثابت کنم! در محیط‌های کاری که رنگ زن به خودش ندیده، باید ثابت کنم که دید اجرایی دارم و شاخه اجرا را مانند یک مهندس آقا درک می‌کنم. باید ثابت کنم به اندازه یک مهندس آقا دقیق بوده و به موضوعی که مطرح می‌شود اشراف دارم.

فرقی نمی‌کند در بین قشر کارگری یا در میان مدیران ارشد. همه دیدگاه مردسالارانه دارند. گاهی مرا چندین و چندبار محک می‌زنند تا اعتماد کنند. بارها پیش آمده که درحال گرفتن نیرو برای پروژه‌های مختلف بودیم و مدیران ارشد تأکید کردند که حاضر

نیستند با خانم‌ها کار کنند!

•همسر شما با کار کردن شما در یک شغل سخت بین این همه کارگر مرد مشکلی نداشت؟ چطور می‌شود مشاغل را تفکیک جنسیتی کرد؟

در ذهن من و همسرم تفکیک مشاغل بر اساس توانایی‌ها انجام می‌شود. همه افراد باید توانایی‌ها و علاقه خود را بشناسند و بر اساس آن حرکت کنند. با علاقه ریاضی خواندم، با علاقه شهر و رشته‌ام را انتخاب کردم. من قبل از ازدواج به صورت ماموریتی به کارگاه‌ها فرستاده می‌شدم و با توجه به این‌که همسرم، همکارم است، بعد از ازدواج، شرایط برای من مهیاتر هم شد و الان حدود ۱۰سال است که در مناطق مختلف کشور، در کارگاه‌های مختلف و پروژه‌های راهسازی کوچک و بزرگ مشغول به کارم.

•به عنوان یک مهندس عمران زن، از حقوقی که دریافت می‌کنید راضی هستید؟

شاید بهتر باشد به این سوال شما جامعه‌شناسان و حقوقدانان پاسخ دهند. چرا باید در جامعه ما، زنان در یک موقعیت شغلی از مردان در همان موقعیت، دریافتی کمتری داشته باشند؟ قوانین نانوشته‌ای در این باب وجود دارد که گاهی برای شکستن‌شان باید بسیار تلاش کرد. من همیشه دوست دارم بدانم که واقعا از چه تاریخی و بر چه اساسی استثمار زنان شروع شده است؟ در ابتدا زنان را از جامعه حذف کردند و به پستوها بردند. سال‌ها طول کشید تا زنان قد علم کردند و به جوامع مردزده برگشتند و برای هموار کردن موانع هزینه پرداختند. من هم مثل تمامی این زنان، سال‌ها طول کشید تا خودم را به‌عنوان مهندس به جامعه ثابت کردم. بعد از آن نوبت چالش جدید بود! حالا باید درآمدم را با آقایان هم‌ترازمی‌کردم.

• شما روزانه با تعداد زیادی کارگر یا کارمند مرد سروکله می‌زنید. حرف‌شنوی کافی در چنین محیط‌هایی از شما وجود دارد؟

در حالت عادی خیر، ندارند. در بیشتر مواقع، در محیط‌های کارگاهی مجبورم آن چیزی که هستم نباشم. درواقع به خاطر استانداردهایی که در جامعه تعریف شده، من مجبورم خشن‌تر از خودم باشم تا کار پیش برود.

تا دلتان بخواهد من خاطره دارم از موقعیت‌هایی که مردها به صرف زن بودن، مرا به چالش کشیدند. در اولین کارگاهی که بودم، قرار بود که جدول آرماتوربندی را برای اجرا آماده کنم. جدول را تهیه کردم و به پیمانکار جزء گفتم که کار را شروع کند. کمی به چشم‌های من زل زد و اسناد مربوطه را کف دستم گذاشت و گفت: شما اینها را مطالعه کن فعلا، تا من خودم از آقای مهندس سوال کنم! مجبور شدم در جوابش بگویم یا همین الان اجرا می‌کنی یا می‌توانی قراردادت را برداری و بروی و این فقط گوشه‌ای از چالش‌هایی است که در چنین محیطی تجربه خواهید کرد.

•الان دیگر بعد از ۱۰سال کار کارگاهی باید شما را پذیرفته باشند و برایتان دردسر درست نکنند؟

بله، اگر پروژه‌های تازه را با همان افراد سابق شروع کنم دردسری نیست. ولی هر بار که وارد محیط کارگاهی تازه با افراد تازه می‌شوم، مردهای حاضر در آن پروژه، چالش‌های جدیدی برایم ایجاد می‌کنند.

• یک مهندس عمران زن مانند شما چگونه می‌تواند از کارهای کارمندی به مسئولیت‌های کارگاهی و عملی برسد؟ این شروع برای خود شما از کجا و چگونه بود؟

اگر کارگاه‌های پروژه‌های راهسازی مد نظرتان باشد، این پروژه‌ها در کشور ما محدود است و شرکت‌ها به سختی به مهندسان اعتماد می‌کنند، اما در کارگاه‌های ساختمانی خانم‌ها می‌توانند در شهرهای نزدیک محل سکونت خود، شروع به کار کارگاهی کنند. اولین کارگاهی که من در آن شروع به کار کردم، یک کارگاه ساختمانی در شهر تهران بود. خانم‌ها اگر بخواهند می‌توانند. نمی‌گویم آسان است، اما خود خانم‌ها باید قبل از هر چیز بخواهند و جلوی اما و اگرهایش بایستند.

•تلخ‌ترین روزهای کاری شما، چه ویژگی‌هایی دارد؟

اگرچه استرس در کار اجرایی بسیار زیاد است، اما بیایید سوال را عوض کنیم. اولین کارگاهی که من در آن به‌صورت مقیم دایم بودم، کارگاه کمربندی شهر سنندج بود. اولین سازه‌ای که از من خواستند، بلندترین پل استان کردستان به شمار می‌رود. یکی از بهترین لحظات کارگاهی من جانمایی آخرین تیر در آن پل بود؛ وقتی دیدم تمام اعداد و ارقام من، به شکل یک سازه زیبا درآمده است.

• شما معاون فنی در قطعه D پروژه آزادراه تهران- شمال هستید، به‌جز شما خانم دیگری در کل این پروژه حضور دارد؟

تا آن‌جا که من می‌دانم، در تمامی این آزادراه فقط یک خانم دیگر مشغول به کار کارگاهی است که سمت ایشان را نمی‌دانم.

•از آن‌جا که کار شما را خیلی‌ها جزو مشاغل سخت می‌دانند، قوانین بازنشستگی متفاوتی در انتظار شماست؟

ابدا؛ قوانین هیچ فرقی نمی‌کند. با این‌که ما به‌مثابه پروژه‌های مختلف گاهی در مناطق محروم و مرزی هم مجبور به کار می‌شویم، اما همان ۲۵سال خانم‌ها، شامل حال من و سایر مهندسان کارگاهی و اجرایی می‌شود.

•شما سال‌هاست که در پروژه‌های مختلف مشغول به کارید. تحریم‌هایی که سال‌های گذشته علیه ایران اعمال شد، چقدر بر روند کار شما تأثیرگذاشت؟

۳ کارگاه که من مستقیما با آنها در ارتباط بودم، به دلیل تحریم‌ها بسته شد و افراد بسیار زیادی از کار بیکار می‌شدند. کارگاه‌هایی که در پی تعطیلی آنها، کارگرهای بسیار زیادی آواره و بی‌خانمان شدند.

•شما در پروژه‌های عمرانی بزرگ و مختلفی مشغول به کار بودید. چه چیزهایی در خلال کار، شما را بیشتر آزار می‌دهد؟

بی‌ارزش بودن وقت در کشور ما یکی از چیزهایی است که همیشه ذهن من را به خود مشغول کرده است. خیلی وقت‌ها بدون مطالعه کافی، به طراحی پروژه‌های بزرگ می‌پردازیم بدون این‌که در نظر بگیریم یک سازه بزرگ سرمایه ملی کشورمان به حساب می‌آید و بودجه زیادی برای آن کنار گذاشته شده است. گاهی زمانی که پیمانکار در چنین شرایطی شروع به کار می‌کند تازه آزمون و خطا در پروژه در دست، آغاز می‌شود. این موضوع فقط به همکاران ما در بخش مشاوره برنمی‌گردد و گاهی فشارهای خاص کارفرمایی مشاور را تحت فشار قرار می‌دهد.

/ روزنامه شهروند- ۳۰ شهریور ۱۳۹۶

تجربه دنیا در اجرای سیاست‌های موثر ضد رکود

رونق غیرتورمی چگونه؟

دکتر پرویز عقیلی کرمانی
صاحب‌نظر ارشد اقتصادی
مدیرعامل بانک خاورمیانه

به‌دنبال هشت فصل رکود تورمی در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ که تحت تاثیر تحریم‌های اقتصادی و مدیریت نامناسب اقتصادی رخ داد، دولت یازدهم موفق به کنترل تورم و سپس ایجاد رشد اقتصادی مثبت در سال ۱۳۹۳ شد. اما افت سریع و شدید قیمت نفت که از خرداد آن سال شروع شد، ورود مجدد اقتصاد به شرایط رکودی را در سه فصل اول سال ۱۳۹۴ رقم زد. سپس در سال ۱۳۹۵ نرخ رشد اقتصادی به ۱۲/۵ درصد رسید که در ربع قرن اخیر بی‌سابقه بوده، هرچند بسیاری از فعالان اقتصادی از نامحسوس بودن این رشد در فعالیت‌های خود شکایت دارند. از آنجا که رشد اقتصادی بالا در سال ۱۳۹۵ عمدتا به‌دلیل رفع تحریم‌ها پس از اجرای توافق برجام و افزایش تولید و صادرات نفت و محصولات نفتی به وقوع پیوسته است و نظر به اینکه تولید نفت ایران به سقف توافق شده در اوپک رسیده است، تکرار چنین رشدهای اقتصادی در آینده از محل رشد تولید و صادرات نفت ناممکن است. عامل بسیار مهم دیگری که استمرار رشد اقتصادی مثبت را مشکل می‌سازد روند نزولی «تشکیل سرمایه» در چهار سال از پنج سال اخیر است. رشد واقعی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب منفی ۱۹/۰ درصد و منفی ۷/۸ درصد، در سال ۱۳۹۳ مثبت ۷/۸ درصد، و در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب منفی ۱۲/۰ درصد و منفی ۳/۷ درصد بوده است. به این ترتیب تشکیل سرمایه ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ تنها دو-سوم تشکیل سرمایه ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۰ بوده است.

ورود خیل عظیم جمعیت جوان و تحصیل‌کرده به بازار کار که بخشی از آنها در اواخر دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰ به‌دلیل ناامیدی از یافتن شغل مناسب از بازار کار خارج شده بودند، عامل دیگری است که لزوم انجام اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت در جهت تحریک رونق اقتصادی و پایدارسازی آن را دوچندان کرده است. البته دستیابی به رشدهای اقتصادی پایدار در بلندمدت نیازمند انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد و بهبود بخشیدن محیط کسب و کار بنگاه‌ها است، اما در عین حال نباید از اعمال سیاست‌های دیگری که به ایجاد رونق اقتصادی در کوتاه‌مدت در عین حفظ دستاوردهای کنترل تورم کمک می‌کنند، غافل شد. در این نوشتار ضمن تاکید بر سیاست‌های کوتاه‌مدت، اجرای سیاست‌های مالی و پولی متناسب و هم‌راستا و نظارت بر حسن اجرای آنها برای دستیابی به این اهداف مورد بحث قرار می‌گیرد.

یکی از ابزارهای سیاست‌گذاران اقتصادی در تحریک رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت، پیاده‌سازی سیاست‌های مالی و به طور خاص سیاست‌های مالی انبساطی است. ارجح آن است که سیاست مالی انبساطی از طریق افزایش مخارج عمرانی زیربنایی اعمال شود؛ زیرا اولا به علت درازمدت بودن بازدهی آنها بخش خصوصی به خودی خود تمایلی به سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها ندارد؛ ثانیا قسمت عمده عوامل احداث آنها داخلی است و کمترین فشار را به منابع ارزی کشور وارد می‌کند؛ ثالثا پروژه‌های زیرساختی به تقویت رشد پایدار کمک می‌کنند و بالاخره اینکه برای ایجاد بسیاری از طرح‌های عمرانی از ماشین‌آلات و ملزومات و مواد داخلی استفاده می‌شود و حتی تامین مالی آنها هم داخلی است، در حالی که برخی از آنها عواید ارزی به همراه دارند.

با توجه به وضعیت فعلی بودجه دولت و سنگینی هزینه‌های جاری و یارانه‌ها، احتمالا سیاست‌های مالی انبساطی افزایش کسری بودجه را به‌دنبال خواهد داشت. از آنجایی که تامین مالی کسری بودجه باید توسط خزانه‌داری کشور (وزارت امور اقتصادی و دارایی) و از طریق انتشار اوراق بدهی صورت پذیرد، این عمل یقینا نرخ بهره را افزایش می‌دهد. با افزایش نقدینگی در بازار از طریق سیاست پولی و روش تسهیل مقداری پول (Quantitative Easing) می‌توان مانع از افزایش نرخ بهره شد. ولی از طرف دیگر رشد نقدینگی می‌تواند باعث افزایش نرخ تورم شود که برای جلوگیری از آن باید اولا ایجاد کسری بودجه صرفا برای انجام سرمایه‌گذاری‌های عمرانی هدفمند (targeted) باشد که مستقیما باعث ایجاد رشد اقتصادی می‌شوند و ثانیا بانک مرکزی با مدیریت نرخ بهره، تورم، حجم پول در بازار و حجم اوراق دولتی در پرتفوی خود، نقش خود را به درستی ایفا نماید.

تجارب سیاست‌گذاری پولی برخی از کشورها برای خروج از رکود و ایجاد رونق اقتصادی می‌تواند درس‌هایی برای اجرای سیاست‌های موثر در ایران داشته باشد. به‌عنوان مثال، فدرال رزرو آمریکا بعد از بحران مالی در سال ۲۰۰۸ اقدام به خرید حجم بالایی از اوراق بدهی دولتی و اوراق رهنی مسکن کرد. این اقدام هرچند به افزایش بیش از ۴ برابری پایه پولی در اقتصاد این کشور انجامید، با توجه به پرداخت همزمان سود بر ذخایر اضافی بانک‌ها نزد فدرال رزرو و عدم تمایل بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات دارای ریسک بالا در شرایط بحرانی، به رشد متناسب نقدینگی منجر نشد. پس چنانچه نقدینگی به‌عنوان هدف میانی سیاست پولی مدنظر باشد، می‌توان با اجرای این سیاست‌ها مانع از افزایش نرخ تورم در اثر رشد بالای حجم نقدینگی شد. لازم به توضیح است که علاوه بر ایالات‌متحده آمریکا، بانک مرکزی اروپا (ECB) و بانک‌های مرکزی ژاپن، انگلیس، سوئیس و سوئد نیز از روش تسهیل مقداری پولی استفاده کرده‌اند. به‌طور متوسط در این ۶ مورد، حدود یک پنجم بدهی‌های دولتی در پرتفوی بانک‌های مرکزی آنها قرار گرفته است.

متاسفانه در قوانین بودجه سالانه کشورمان خرید و فروش اسناد خزانه دولتی توسط بانک مرکزی ممنوع شده است که برای مثال در بند «هـ» تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ این مسئله دیده می‌شود. این تبصره که با هدف استقلال سیاست پولی از سیاست مالی در قانون بودجه وارد شده، عملا امکان سیاست‌گذاری پولی را از بانک مرکزی سلب کرده و حتی تهدیدکننده استقلال ابزاری این نهاد محسوب می‌شود. استقلال سیاست‌گذار پولی مبانی ویژه‌ای دارد که باید از مجاری دیگری پیگیری شود؛ بنابراین این محدودیت قانونی که مشکلات زیادی را ایجاد کرده است، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای این بسته پیشنهادی باید هرچه سریع‌تر مرتفع گردد.

اجرای سیاست انبساطی پولی برای حمایت از سیاست انبساطی مالی، در صورتی که منابع تزریق شده ازسوی بانک مرکزی مستقیما در پروژه‌های عمرانی که متعاقبا زنجیره‌ای از پروژه‌های بخش خصوصی را آغاز می‌کند مصرف گردد، با احتمال کمتری به افزایش فشارهای تورمی به‌ویژه در بلندمدت منجر می‌شود. به این ترتیب، اثر تزاحم مالی تامین کسری بودجه دولت از طریق بازار بر بخش خصوصی به حداقل رسیده و رشد اقتصادی از محل افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی افزایش می‌یابد.

لازمه موفقیت بانک مرکزی در نیل به اهداف فوق این است که بازار بورس اوراق بهادار توسعه یابد؛ معاملات اوراق بدهی نقش عمده‌ای در آن داشته باشد و «اوراق بدهی شرکتی» نیز بخش عمده‌ای از بازار بدهی را تشکیل دهد. استفاده از بازار بدهی شرکتی باعث می‌شود شرکت‌های بزرگ و حتی متوسط بتوانند جایگزینی برای تسهیلات بانکی داشته باشند. استفاده از این بازار توسط شرکتها از یکسو باعث کاهش تقاضا برای تسهیلات بانکی شده و از سوی دیگر سپرده‌های سرمایه‌گذاری اشخاص و نهادهای سرمایه‌گذاری در بانک‌ها به سپرده‌های جاری تسهیلات‌گیرندگان تبدیل می‌شود. این امر بدون افزایش نقدینگی باعث کاهش هزینه پول در سیستم بانکی خواهد شد و رقابت بین دو بازار پول و سرمایه برای جلب مشتری نیز باعث کاهش نرخ بهره خواهد شد. با توجه به این محسنات بازار بدهی، لازم است شرکت‌ها برای ورود به آن تشویق شوند. رایج‌ترین روش اعمال چنین سیاست تشویقی ارائه اعتبار مالیاتی (Tax Credit) هدفمند است.

با توجه به تنگنای مالی حاکم بر اقتصاد کشور و این حقیقت که تامین مالی یکی از دغدغه‌های مهم بنگاه‌های تولیدی و تجاری کشور بوده و بار اصلی آن نیز بر دوش سیستم بانکی است، به‌منظور تشویق بنگاه‌های بخش خصوصی به تامین مالی از طریق بازار بدهی پیشنهاد می‌شود دولت در کوتاه‌مدت درصدی از هزینه این نوع تامین مالی را از طریق تخفیف مالیاتی تقبل نماید. به این ترتیب هزینه‌های این نوع ابزار تامین مالی برای شرکت‌ها تعدیل شده و یکی از موانع مهم افزایش تولید از طریق بازار بدهی برطرف خواهد شد. با افزایش تولید شرکت، درآمد مشمول مالیات نیز رشد کرده و لذا درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش خواهد یافت که این افزایش حتی می‌تواند بیش از تخفیف‌های از پیش تعهد داده شده باشد. چنین سیاستی همزمان با کاهش فشار بر بانک‌ها، به تعمیق بازار بدهی نیز کمک خواهد کرد.

در تکمیل مطالب فوق و در راستای افزایش کارآیی سیستم اقتصادی کشور و ایجاد رشد پایدار اقتصادی، نکات زیر نیز پیشنهاد می‌گردد:

۱) کسری بودجه: کسری بودجه دولت باید به‌عنوان یک امر مقطعی دیده شود و پس از یک دوره معقول (مثلا حداکثر ۱۰ سال) به صفر رسیده و سپس به مازاد تبدیل شود.

۲) بدهی‌های دولت: جمع بدهی‌های دولت باید متناسب با تولید ناخالص داخلی کشور بوده و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی از سقف مشخصی بالاتر نرود. این سقف (مثلا ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی) باید به تصویب مجلس رسیده و هیچ دولتی نتواند از این حد تعیین شده تجاوز نماید.

با توجه به وضعیت فعلی بودجه دولت و سنگینی هزینه‌های جاری و یارانه‌ها، احتمالا سیاست‌های مالی انبساطی افزایش کسری بودجه را به‌دنبال خواهد داشت. از آنجایی که تامین مالی کسری بودجه باید توسط خزانه‌داری کشور (وزارت امور اقتصادی و دارایی) و از طریق انتشار اوراق بدهی صورت پذیرد، این عمل یقینا نرخ بهره را افزایش می‌دهد.

۳) مالیات بر درآمد شرکت‌ها: مقایسه داده‌های مالیاتی مربوط به کشورها حاکی از آن است که در درآمدهای مالیاتی کشورهای صنعتی، سهم مالیات بر درآمد شخصی (personal income tax) چهار برابر مالیات بر درآمد شرکت‌ها (corporate income tax) است. از آنجا که مالیات بر درآمد شرکت‌ها موجب کاهش وجوهی می‌شود که می‌تواند در سرمایه‌گذاری جدید و توسعه کسب‌وکار وارد شود، در بسیاری از کشورها مالیات بر درآمد شرکت‌ها بسیار پایین می‌باشد. پیشنهاد می‌شود نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها در ایران طی یک دوره زمانی مشخص (مثلا ۵ ساله) به مرور کاهش یافته و به سطح کشورهایی چون امارات برسد و در مقابل سود توزیع شده بین سهامداران و پاداش مدیران و البته درآمد شخصی مشمول مالیات گردد. چنین سیاستی به بنگاه‌ها انگیزه می‌دهد تا بخش بیشتری از سود خود را صرف سرمایه‌گذاری مجدد برای توسعه کسب‌وکار یا تحقیق و توسعه برای افزایش بهره‌وری بنگاه کنند و از این طریق ارزش افزوده بیشتری ایجاد نمایند. بدیهی است که این امر محیط مناسب‌تری را برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال فراهم خواهد کرد.

۴) استقلال بانک مرکزی: استقلال بانک مرکزی باید تامین شده و کنترل تورم به‌عنوان اولویت اول آن تعیین شود. در برخی کشورها تصمیم‌گیری در مورد تمدید ماموریت رئیس‌کل بانک مرکزی براساس موفقیت وی در نگه داشتن نرخ تورم مابین سقف و کف از پیش تعیین‌شده اتخاذ می‌گردد.

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که این بسته پیشنهادی را باید به‌صورت یک مجموعه به هم پیوسته نگاه کرد.

اجرای بخشی از این بسته و رها کردن بخش دیگری از آن می‌تواند تبعات منفی به‌دنبال داشته باشد. به‌عنوان نمونه اجرای سیاست پولی انبساطی بدون همراهی موثر سیاست مالی تبعات تورمی خواهد داشت و به از دست رفتن دستاورد کنترل تورم دولت منجر خواهد شد. همچنین منابع تجهیزشده در راستای اجرای سیاست مالی انبساطی در صورتی که هدفمند و مستقیما برای افزایش تولید هزینه نشود نتیجه‌ای جز افزایش نرخ تورم نخواهد داشت.

غروب ارژن و پریشان در فارس

ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره یا زیست‌سپهر، بخشی از زمین است که در آن امکان زندگی وجود دارد و زیستگاه انسان و سایر موجودات به شمار می‌رود. ذخیره‌گاه‌های زیست‌سپهر نیز مناطق حفاظت شده‌ای محسوب می‌شوند که سایت‌های مطالعاتی برای پژوهشگران فراهم می‌کنند.

در استان فارس نیز ذخیره‌گاه زیست‌سپهر ارژن و پریشان نمونه این ذخیره‌گاه‌های حفاظت شده هستند که در ۶۰ کیلومتری شیراز قرار دارد.

ارژن و پریشان روزگاری مأمنی برای زیستمندان محسوب می‌شد و دریاچه‌های ارژن و پریشان نیز هر ساله میزبان پرندگان مهاجر بودند و در مجموع ذخیره‌گاه ارزشمندی در حوزه محیط زیست محسوب می‌شد تا اینکه دلایل مختلفی نظیر خشکسالی، قطع درختان، استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی هر دو دریاچه را با بحران بی‌آبی و خشکی مواجه و درختان منطقه نیز برای استفاده از زغال و سایر محصولات بریده شدند تا روند نابودی این منطقه در کشاکش بی‌تفاوتی تصمیم‌سازان استان آغاز شود.

دبیر موسسه ۱۳ فروردین گفت: ذخیره‌گاه زیست‌سپهر ارژن پریشان از اولین ذخیره‌گاه‌های ثبت شده در سازمان یونسکو است و بی‌شک ارزش اکولوژیکی و تنوع زیستی منطقه آنچنان غنی بوده که در مراحل اولیه ارزیابی بدون هیچ مشکلی به ثبت جهانی یونسکو رسیده است.

علی اکبر کاظمینی افزود: در جنوب این ذخیره‌گاه، تالاب پریشان بزرگترین تالاب آب شیرین در ارتفاع ۸۰۰ متری، جنگل‌های زاگرس با گونه شاخص بلوط وگونه‌های بنه، بادام و دشت پریشان با گونه کُنار وجود دارد.

وی ادامه داد: جنگل انبوه بلوط در دشت برم با تعداد بسیار کمی بنه یکی از زیباترین جنگل‌های بلوط زاگرس در کشور است که در حد فاصل تالاب پریشان و تالاب ارژن در بین کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس قرار گرفته است.

این فعال محیط زیست اظهار کرد: تالاب ارژن با مساحت ۲۲۰۰ هکتار، در دشت ارژن و در دامنه کوه‌های زاگرس در ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متری واقع شده که نیزارهای کناره آن و انواع گونه‌های بلوط، ارژن، بنه، زرشک و... به همراه صدها گونه علفی موجود در دامنه‌ها تا ارتفاعات آن، تنوع گونه‌ای خاصی را به منطقه ذخیره‌گاه بخشیده است.

به جز یک تا دو چشمه بسیار کوچک در دریاچه پریشان که فقط آب پرندگان ساکن را تأمین می‌کند دیگر آبی در پریشان نیست و در سال هیچگونه پرنده مهاجری در پریشان فرود نمی‌آید، وی افزود: در ارتفاعات و در کوه‌های شرقی ذخیره‌گاه ارژن پریشان در جنوب خان زنیان و حسین‌آباد، زرشک و گونه‌های دیگر پوشش‌های انبوهی را به وجود آورده‌اند. با این وجود بررسی اکولوژیکی ذخیره‌گاه زیست‌سپهر ارژن پریشان به ما نشان می‌دهد که وضعیت این منطقه به شدت بحرانی است و تا سال‌های متمادی نیاز به حفاظت، نگهداری و کاستن تنش‌های به وجود آمده در این منطقه توسط انسان‌ها دارد.

کاظمینی با اشاره به خشکیدگی تالاب پریشان ادامه داد: به جز یک تا دو چشمه بسیار کوچک در شمال و شرق آن که فقط آب پرندگان ساکن را تأمین می‌کند دیگر آبی در پریشان نیست. چه در زمستان و چه در فصول دیگر سال هیچگونه پرنده مهاجری در پریشان فرود نمی‌آید.

وی با اشاره به خشک شدن نیزارهای پریشان

بیان کرد: جوامع درختچه گز در بستر پریشان بخصوص در شرق و غرب آن رو به گسترش است و گونه‌های علفی از خانواده اسفناجیان سطح تمام بستر پریشان را پوشانده‌اند.

این فعال حوزه محیط زیست بیان کرد: آتش‌سوزی‌های مداوم چه زیرسطحی و چه روسطحی در فصول مختلف به خصوص فصل گرم یکی از بزرگترین معضلات پریشان و جوامع محلی اطراف پریشان است.

وی با اشاره به اینکه انبوه مواد آلی بستر پریشان توسط آتش‌سوزی‌ها از بین می‌رود، گفت: افزایش چاه‌ها و چهار فصل شدن کشاورزی و سیستم‌های نوین آبیاری و کشت‌های زیرپلاستیکی منجر به پمپاژ آب از اعماق زمین در تمام فصول شده و بزرگترین تالاب آب شیرین ایران به آنچنان مصیبتی گرفتار شده که قرار است آب از ده‌ها کیلومتر دورتر با ساخت یک سد به آن منتقل شود.

کاظمینی با اشاره به حال و روز جنگل زاگرس در محدوده ذخیره‌گاه زیست‌سپهر ادامه داد: گونه‌های گیاهی جنگل، به علت کشت‌های زیر اشکوب و مصرف آب باران برای این کشت‌ها از سالیان گذشته چنان ضعیف شد که آفت سوسک چوب‌خوار به جان آنها افتاده و باعث خشکیدگی شاخه و حتی تنه در بعضی از آنها شده است.

وی گفت: شخم و چرای دام اجازه رشد هیچگونه نهال بر روی زمین بستر جنگل نمی‌دهد و عملا جنگل پیر و بدون زادآوری شده، آتش‌سوزی در کوهستان و قطع درختان برای تولید زغال و ایجاد کوره‌های زغال‌سازی به علت قیمت بالای آن نیز یکی از بزرگترین مشکلات جنگل در این منطقه است که روز به روز بر شدت آن افزوده می‌شود.

دبیر موسسه ۱۳ فروردین افزود: فشارهای زیاد برای گسترش صنایع و توسعه ناپایدار درون جنگل از مشکلات دیگر است و سرانجام جاده‌سازی‌های بسیار زیاد در درون جنگل، چه دشت و چه ارتفاعات، آخرین ضربه‌ها را به جان جنگل وارد می‌سازد.

کاظمینی گفت: اخیرا هم عده‌ای به دنبال جدا کردن منطقه دشت برم از حوزه جغرافیایی شهرستان کازرون و الصاق آن به شهرستان کوه چنار هستند که این اتفاق ناخوشایند می‌تواند بزرگترین ضربه بر پیکر مدیریت یکپارچه منطقه باشد و به عنوان یک نمره منفی در پرونده ذخیره‌گاه ثبت شود.

وی اظهار کرد: قطعا سازمان محیط زیست نباید اجازه تقسیم ذخیره‌گاه را در تقسیمات کشوری بدهد چرا که قبلا در مورد مناطق چهارگانه اتفاقات مشابهی داشته‌ایم و عملا بخش‌هایی از آن مناطق ارزش اکولوژیکی خود را از دست داده‌اند و حال این موضوع با توجه به جهانی بودن ذخیره‌گاه تحت هیچ شرایطی نباید اتفاق بیفتد و لازم است مدیریت یکپارچه موجود حفظ شود.

کاظمینی بیان کرد: در پشت کوه میانکتل حال و روز تالاب ارژن با گسترش باغ‌شهرها، تصرف زمین‌های بستر و حاشیه و انبوه بهره‌برداران دامدار در کنار تالابی که خشک شده و آتش‌سوزی‌های اطراف تالاب ارژن نیز مزید بر علت شده است.

وی گفت: دشت برم در بستر مرگ آنچنان ضعیف و رنجور است که نمی‌تواند هیچ کمکی به بهبود توان اکولوژیکی پریشان و ارژن کند.

دبیر مؤسسه ۱۳ فروردین با اشاره به شرایط در شرق ذخیره‌گاه زیست‌سپهر ارژن پریشان بیان کرد: گسترش باغات سیب و گونه‌های باغی سردسیری در میان جامعه‌های زرشک و ارژن، قطع این گونه‌ها، حفر چاه و ساخت باغ بزرگترین آسیب را به پوشش‌های شرقی وارد آورده است.

وی گفت: حفر چاه باعث کمبود آب در دسترس گونه‌های گیاهی ذکر شده و نهایتا خشک شدن آنها شده است.

تلاش برای تصرف زمین روز به روز بیشتر می‌شود؛ آتش‌سوزی‌های عمدی برای از بین بردن جوامع درختچه‌ای و گسترش و تصاحب زمین و تبدیل به باغ همگی حکایت از وضعیت بحرانی در شرق ذخیره‌گاه ارژن پریشان دارد ضمن اینکه جاده‌های زیاد برای دسترسی به باغات از مهمترین آسیب‌ها در شرق ذخیره‌گاه است.

کاظمینی بیان کرد: حال و روز یکی از اولین ذخیره‌گاه‌های زیست‌سپهر دنیا یعنی ارژن و پریشان بسیار بد و خراب است و در صورت ادامه روند تاثیرات منفی انسان‌ها بر روی منطقه، بی‌شک به زودی این ذخیره‌گاه در لیست قرمز یونسکو قرار خواهد گرفت و پس از مدتی نیز از فهرست ذخیره‌گاه‌های تحت پوشش بیرون خواهد رفت./ خبرگزاری مهر- ۶ شهریور

مدیران و مالکان ساختمان‌ها مسئول حوادث آسانسوری شدند

براساس ضوابط و الزامات مقررات ملی ساختمان مدیران دستگاه‌های اجرایی، مالکان و مدیران مجتمع‌های تجاری و مسکونی موظف به ایمن و استانداردسازی آسانسورهای مجموعه‌های متبوع خود هستند و هرگونه حادثه ناشی از عدم عقد قرارداد سرویس و نگهداری، بازرسی و اخذ تاییدیه آسانسور به عهده مدیر ساختمان یا مالک است. براساس بند ۲۲- ۱۰-۲ و ۲۲- ۲- ۶ مبحث مقررات ملی ساختمان مدیران و مالکان ساختمان‌ها در ارتباط با ایمن‌سازی و اخذ تاییدیه‌های مورد نیاز سیستم‌ها و تجهیزات منسوب شده مکلفند با توجه به ماهیت آسانسورها و پله‌های برقی برای حصول اطمینان از عملکرد مناسب و داشتن ایمنی کافی در دوره بهره‌برداری با انجام سرویس‌های ماهانه و سالانه اقدام کنند. بدین ترتیب، مدیران دستگاه‌های اجرایی، مالکان و مدیران مجتمع‌های مسکونی و تجاری طبق قانون موظف به ایمن و استانداردسازی آسانسورهای مجموعه‌های متبوع خود هستند. گواهینامه و تاییدیه‌های ایمنی و عمکرد صادر شده از سوی سازمان ملی استاندارد به شرط انجام سرویس‌های ماهانه توسط نصابان مجاز دارای اعتبار یکساله بوده و پس از آن نیاز به بازرسی مجدد و اخذ تاییدیه سرویس‌های ماهانه توسط نصابان مجاز است. مدیران و مالکان آپارتمان‌ها به استناد مبحث ۲۲-۲-۶ مقررات ملی ساختمان موظفند، ضمن عقد قرارداد سرویس و نگهداری ماهانه با شرکت‌های نصاب در مورد بهره گیری از خدمات شرکت‌های بازرسی واجد صلاحیت از سازمان ملی استاندارد ایران برای انجام بازرسی ادواری (سالانه) و اخذ تاییدیه ایمنی و عملکرد از طریق مراجعه و ثبت نام در سایت سازمان ملی استاندارد اقدام کنند. /منبع: ایسنا-۳۰ مرداد

پاگرد در راه‌پله‌ها، زمینه‌ســـاز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

آنچه از آلمان آموختم

یادداشتی از دکتر محمود سریع القلم

دکتر سریع القلم استاد علوم سیاسی دانشگاه شهیدبهشتی و پژوهشگر توسعه در جدیدترین یادداشت خود نوشت:

یک مؤسسه تحقیقاتی خصوصی آلمانی، ترتیب گفت و گوی تعدادی اساتید دانشگاه از ۱۴ کشور با رییس جمهور آلمان را طی هفته گذشته فراهم آورد. این ملاقات چند ساعته، هم ابعاد فکری قابل تأملی داشت و هم ابعاد خلقی و رفتاری قابل ثبت. در زیر به برخی از مشاهدات خود می‌پردازم.

رییس جمهور آلمان طی گفت و گو مطرح کرد: طی دو سال و نیم گذشته، آلمان یک میلیون و چهارصدهزار نفر سوری، عراقی و افغانی مهاجر را پذیرفته است. هزینه هر مهاجر در ماه برای اسکان، مواد غذایی، بیمه و آموزش زبان آلمانی، ۵۰۰۰ یورو می‌باشد. (شما خودتان می‌توانید ضرب و تقسیم کنید). مهاجرین در کل آلمان پخش شده اند و تمام دولت‌های محلی وظیفه دارند تا هم مهاجرین را نسبت به فرهنگ و سیستم آلمانی آگاه کنند و هم مردم آلمان را برای پذیرش اجتماعی و اقتصادی مهاجرین مسلمان، آموزش دهند. این یک پروژه دراز مدت است که براساس اصل همگرایی مهاجرین به جامعه و اقتصاد آلمانی طراحی شده، ضمن اینکه این گروه عظیم مسلمان باید حقوق مذهبی و مدنی خود را نیز داشته باشند.

او گفت: دومین چالش ما حفظ اتحادیه اروپاست. باید همکاری‌های خود را با دولت جدید فرانسه افزایش دهیم و به رشد اقتصادی، یکپارچگی و امنیت اتحادیه مساعدت بخشیم. نظر مهم تر این بود که این خواست مردم آلمان است و نتیجه انتخابات فرانسه نیز گواه بر حفظ وحدت و توسعه اتحادیه اروپاست.

چالش سوم این است که چگونه همانند دوره جنگ سرد، برای ایجاد یک نظم بین المللی مبتنی بر قواعد میان قدرت‌های بزرگ، اروپا و قدرتهای منطقه ای تلاش کنیم. اگر رفتارها از قبل قابل پیش بینی نباشند نمی‌توان درصدد ثبات، رشد و امنیت باشیم. چه رفتار ملی و چه رفتار بین المللی تابع استخراج قواعدی است که بازیگران به آن پایبند باشند. برای کاهش تنش‌های میان روسیه با غرب باید به دنبال تنظیم قواعد جدید باشیم. مجدداً تأکید شد که این خواسته مردم آلمان است.

چالش چهارم حفظ محیط زیست آلمان، تعطیلی تدریجی نیروگاههای هسته ای و حرکت به سوی استفاده از تکنولوژی‌های برتر برای تأمین انرژی‌های تمدیدپذیر است. مجدداً نکته حائز اهمیت اینکه این خواسته اکثریت مطلق مردم آلمان است.

طی گفت و گوها مطرح شد که در هیچ مقطع تاریخی به اندازه امروز، آلمان در این حد، امن، ثروتمند، موفق و الگو نبوده است. در شرایطی که اکثر کشورهای صنعتی، کسری بودجه قابل توجهی دارند، دولت آلمان باید نظام مالیاتی خود را ترمیم کند و از مردم کمتر مالیات بگیرد چون مازاد بودجه دارد و پول اضافه را باید به مردم برگرداند.

قدرت در آلمان در پارلمان این کشور متمرکز است و پارلمان نماد تمام اقشار اجتماعی و فکری از دست راست گرفته تا چپ می‌باشد. تمام تصمیم سازی‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی در پارلمان صورت می‌پذیرد که مظهر اراده ملت است. حتی دولت آلمان حق اعزام نیروی نظامی به خارج را ندارد و این اقدام نیازمند رأی اکثریت مطلق پارلمان آلمان است. در لابلای مباحث اساتید اقتصاد و روابط بین الملل با رییس جمهور آلمان گفته شد که در هیچ کشور دنیا به اندازه آلمان: اینقدر مردم به دولت، بخش خصوصی و رسانه‌ها اعتماد

ندارند. این یک وجه تقریباً بی نظیر در مقیاس بین المللی است. هر فردی که سمت قبول می‌کند مرتب باید به پارلمان و حوزه انتخابیه خود پاسخ بدهد. حکمرانی فقط انتخابات نیست. در جلسات منظم هفتگی میان مردم و نمایندگان پارلمان، شهروندان مطالبه می‌کنند و نمایندگان باید پاسخگو باشند. این نزدیک ترین نمونه قابل تصور به متون دموکراسی است.

یک استاد دانشگاه مصری به این نویسنده چند سال پیش می‌گفت: به عنوان ناظر سازمان ملل به یک کشور آسیای مرکزی برای حسن اجرای انتخابات ریاست جمهوری رفتم. دو روز قبل از انتخابات به آنجا رسیدم و متوجه شدم همه جا جشن و مهمانی است و مرا از یک مهمانی به مهمانی دیگری می‌برند. وقتی دلیل جشن‌ها را جویا شدم، گفتند برای آقای رییس جمهور است. پرسیدم کدام رییس جمهور؟ گفتند همین که انتخاب شده. گفتم انتخابات دو روز دیگر است! گفتند: شما متوجه نیستید دموکراسی ما فرق می‌کند؛ از قبل معلوم است چه کسی رییس جمهور می‌شود.

طی چند دهه اخیر، کشورهای جهان سوم، ایده دموکراسی را به استهزاء گرفته اند و تبلیغات و Propaganda را جایگزین شفافیت و پاسخگویی کرده اند و هر چند سال یکبار نمایش انتخاباتی به راه می‌اندازند. رابرت موگابه، همچنان پس از ۳۰ سال، در انتخابات ریاست جمهوری زیمبابوه انتخاب می‌شود.

دموکراسی جز نمایندگی و تحقق خواسته‌های مردم، امر دیگری نیست. قدرت دولت آلمان ناشی از توانمندی‌های بنگاه‌های تولیدی و تجاری و بانکی آلمانی است. دولت آلمان نه کاسب است و نه مسئولیت اشتغال را دارد، بلکه تنظیم کننده روابط معقول میان مردم و بخش خصوص برای ایجاد یک جامعه مدنی است. هارمونی میان دولت، مردم و بخش خصوصی در آلمان تقریباً در کل نظام بین الملل بی‌نظیر است.

و اما در رفتار و خلقیات: مهم ترین خصلت آقای رییس جمهور، گوش کردن واقعی (و نه نمایشی) اوست. بقا و رشد سیاستمداران آلمانی در گروی گوش کردن و تحقق خواسته‌های مردم است. او می‌گفت به طور مرتب با طیف نویسندگان، خبرنگاران، دانشگاهیان و مردم در تماس است و نظرات آنها را می‌پرسد و از این طریق به سیاست گذاری در پارلمان مساعدت می‌کند.

دومین خصلت، فراوان سؤال می‌کرد تا مطمئن شود موضوعی را دقیق متوجه شده است. سوم، دقت در جمله بندی و قالب بندی و استفاده صحیح از واژه‌ها. چهارم، بی تکلفی به طوری که مخاطبان احساس می‌کردند با یک شخص معمولی در حال گفت و گو هستند. اساتید مهمان از ساده بودن تشریفات و احترام فوق العاده صحبت می‌کردند.

و پنجم، انتقال یک حسی که یک مقام اجرایی علاقمند است بیاموزد و به گونه ای نظری می‌دهد که شاید او متوجه همه ابعاد موضوع نیست و باید دائماً بیاموزد، مشورت کند و نظر بخواهد؛ مدیریت و حکمرانی و سیاستگذاری مطلوب تنها با روابط دوطرفه دولت با جامعه و متخصصین امکان پذیر است.

وضعیت هیچ کشوری تصادفی نیست. حداقل، علم و تاریخ به ما می‌گویند که حکمرانی مطلوب و حکومت قاعده و قانون در نهایت تابع قابلیتهای قوه مقننه یک کشور است؛ قوه مقننه ای که انعکاس طیف تفکرات و گرایشهای یک جامعه باشد. آلمانی‌ها در کنار قوه مقننه، سرمایه ای دارند که در جوامع دیگر ضعیف است: دولت، حاکمیت، بخش خصوصی، احزاب، سندیکاهای کارگری، بانکها و عموم شهروندان از یک چارچوب مستحکم قرارداد اجتماعی مبتنی بر مصلحت عامه برخوردارند. منظور از قرارداد اجتماعی: تفاهم دائمی پیرامون عموم جهت گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سیاست خارجی. اختلاف در آلمان انحصاراً در سیاست گذاری‌های جزئی است. تفاهم نه فقط در درون دولت و حاکمیت بلکه میان حاکمیت و عامه مردم. بخش خصوصی صرفاً در پی سود بیشتر نیست.

سندیکاها صرفاً دنبال افزایش دستمزد نیستند. دولت عمدتاً برای رفاه مردم تصمیم می‌گیرد؛ و همه مصلحت عامه را بر منافع سازمانی خود اولویت می‌دهند. این ویژگی باعث می‌شود هماهنگی ذهنی و فکری کم نظیری در آلمان ظهور کند. اگر اکثریت مطلق در آلمان راستگو هستند بخاطر این نیست که دوره‌های طولانی اخلاق و معنویت گذرانده اند بلکه به واسطه این است که سیستمی ساخته اند که در آن دروغ، کاربرد ندارد.

وقتی افراد در هر جایی که کار می‌کنند احساس می‌کنند که مشارکت آنها تعیین کننده است ضرورتی برای دروغ، نادرستی، فیلم بازی کردن و نمایش وجود ندارد. رییس جمهور، صدراعظم، احزاب و پارلمان در پی اصلاح دائمی آن سیستمی هستند که به نفع رفاه، سلامتی و آرامش منجر شود. بی دلیل نیست که در تحقیقات اخیر، ۳ شهر از ۶ شهر اول جهان که در آن کمترین استرس‌های زندگی وجود دارد، ۳ شهر آلمانی هستند: اشتوتگارت، هانوفر و مونیخ. / عصر ایران-۲۸ شهریور

بناهای ماندگار هوشنگ سیحون

مهندس هوشنگ سیحون در ۳۱ مرداد ۱۲۹۹ در تهران به‌دنیا آمد. تحصیلات معماری خود را در دانشگاه تهران و دانشکده هنرهای زیبای پاریس(بوزار) انجام داد، وی در ونکوور کانادا زندگی می‌کرد و ۵ خرداد ۱۳۹۳ (۲۶ مه ۲۰۱۴ میلادی) در ونکوور، بریتیش کلمبیا از دنیا رفت. بی‌مناسبت نخواهد بودنگاهی به زندگی‌نامه و بناهای ماندگار او داشته‌باشیم.

پیشینه معماری

وی زمانی استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و سه دوره رئیس این دانشکده بود. استاد «هوشنگ سیحون» نقاش و معمار ۸۶ ساله ایرانی، به مرد بناهای ماندگار معروف است آن هم به دلیل طراحی و نظارت بر ساخت آرامگاه بزرگانی چون خیام، کمال‌الملک، بوعلی سینا، نادرشاه افشار، کلنل محمدتقی خان پسیان و ده‌ها مقبره و آرامگاه دیگر، ضمناً وی طراح بنای موزه توس در سال ۱۳۴۷ و همچنین ساختمان بانک سپه در میدان توپخانه تهران نیز می‌باشد.

استاد سیحون نقش‌اندازی است که در دنیای ابعاد از معانی پر رمز و راز باطن سخن به میان می‌آورد و معانی و فلسفه نظری و وجودی بزرگانی که معمار و طراح آرامگاه هر یک از آنان بوده، در نقش مقبره شان متجلی نموده‌است. به عنوان مثال در ۱۳۳۸ آرامگاه حکیم عمر خیام را مبتنی بر اصول ریاضی و مثلثاتی خیام، محاسبه و طراحی کرده‌است.

او در کتاب «نگاهی به ایران» در مورد بنای آرامگاه نادر شاه افشار می‌نویسد: ماده اصلی ساختمان از سنگ خارای منطقه کوهسنگی مشهد، مشهور به سنگ هر کاره است، این سنگ یکی از مقاوم‌ترین سنگ‌هایی است که در ایران وجود دارد، او دلیل این انتخاب را اشاره به صلابت و عظمت نادر شاه افشار می‌داند». او در ادامه می‌نویسد: «شکل کلی و مقبره نادر به شکل شش ضلعی متناسبی ست که، شکلِ سیاه جادرهایی را تداعی می‌کند، دلیل این امر همین نکته‌است که نادر به جای کاخ در زیر چادر زندگی می‌کرد.

پیشینه نقاشی

در کنار معماری به نقاشی از مناظر و روستاهای ایران می‌پرداخت و نمایشگاه‌هایی از این آثار خود در ایران و در خارج از ایران برپا کرده‌است. آثار وی در نمایشگاهی در دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۷۲ در کنار آثار هنرمندانی چون پیکاسو و دالی به نمایش درآمد. در این نمایشگاه تابلویی از کلافه‌های خط به نمایش گذاشت که در آن از خطوط موازی و پر پیچ و تاب که هیچ همدیگر را قطع نمی‌کنند، استفاده کرده بود. دانشگاه‌هایی مثل MZT، هاروارد، واشنگتن و برکلی مجموعه‌ای از نقاشی‌های او را گردآوری کرده و نگهداری می‌کنند. همسر سابق وی معصومه سیحون نیز نقاش است و بیش از ۷۰ سال سن دارد و شگرد وی در کشیدن نقاشی‌های مدرن است.

برخی از آثار معماری

- آرامگاه کلنل محمد تقی خان پسیان
- مقبره عباس میرزا و بعضی دولتمردان قاجار
- آرامگاه کمال‌الملک در نیشابور
- ساختمان بانک سپه در تهران

- بنای موزه توس (۱۳۴۷)
- مرکز فرهنگی یزد

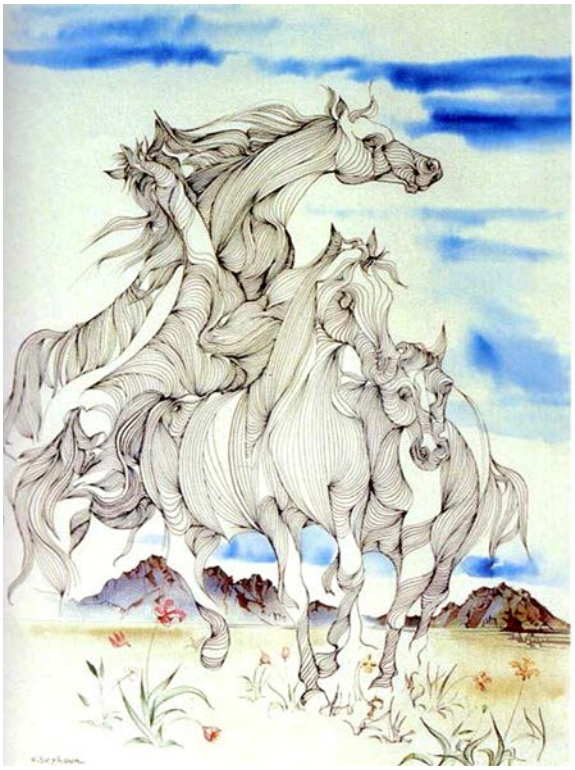

مقبره فردوسی بزرگ

بازسازی و طراحی آرامگاه فردوسی در توس بر پایه طرح پیشین، در سال ۱۳۴۷ بود. این بنا یادمانی است در توس در شمال مشهد در خاک‌جای ابوالقاسم فردوسی که توسط هوشنگ سیحون بر پایه طرح پیشین آن که توسط حسین لرزاده با کمی تغییرات در ابعاد و اندازه و تزئینات طراحی و بازسازی شد. ساختمان کنونی آرامگاه در سال ۱۳۱۳ هم‌زمان با آیین‌های هزاره فردوسی گشایش یافت. آرامگاه که به شکل بناهای پرسپولیس و مقبره کورش در پاسارگاد ساخته شده است از سه قسمت تشکیل شده است که اولین بخش آن، میانی ترین بخش است و از سنگ قبری از جنس مرمر به ابعاد ۱×۱,۵ متر و حدود ۰,۵ متر ارتفاع تشکیل شده است و در مرکز در سکوی مرمری قرار گرفته است. بخش دوم شامل تالاری مربع شکل است که از سنگ مرمر ساخته شده و داخل آن با کاشی تزئین گشته است و چهار ستون بلند با دو سر ستون بزرگ در چهارگوشه این تالار موجود می‌باشد و تصویر مردی بالدار در بالای ضلع جنوبی بنای اصلی ایجاد گشته است که ویژگی‌های پرسپولیس را بیشتر به یاد می‌آورد و سومین بخش محوطه پلکانی پوشیده از سنگ مرمر است که اتاق روی آن قرار گرفته است و تعداد زیادی از اشعار فردوسی روی دیوار آن حک گشته است که حسین حجارباشی زنجانی سنگتراشی سنگ‌های بنا و قبر را انجام داده است و سنگ نوشته‌های آرامگاه را که به خط نستعلیق و از اشعار فردوسی می‌باشد از آثار طاهرزاده است. و طراحی معماری آن اثر هوشنگ سیحون است.

آرامگاه بوعلی سینا در همدان(۱۹۵۱)

از بهترین و مشهورترین آثار سیحون بنای یادبود ابوعلی سینا است که کار طراحی‌اش را در سال ۱۳۲۸ شروع کرد و اجرای آن را

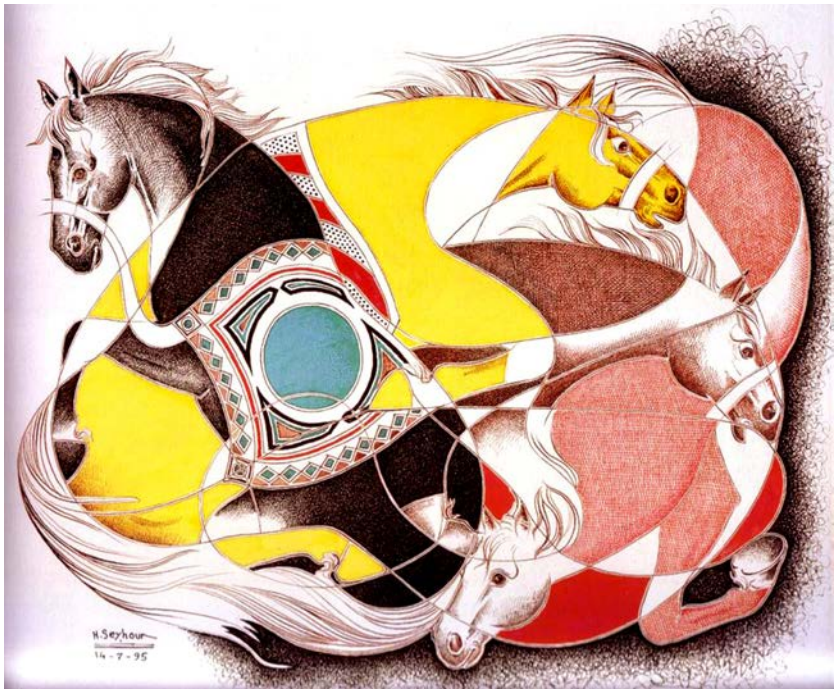

در سال ۱۳۳۱ به پایان رساند. ایده طرح از بنای گنبد کاووس الهام گرفته که همزمان با زندگی حکیم ساخته شده است. او در این بنا از سنگ‌های عظیم و حجیم و تیرهای بتنی افقی به شکلی نمایان (expose) بهره جسته است. نمای برج یادبود همان طرح گنبد کاووس که به شکل بسیار ظریف و کشیده آن را استرلیزه کرده و سپس کلاهک متناسبی را که بی شباهت به کلاهک‌های موشکی امروزی نیست، بر سر آن کار گذاشته است.

جزئیات نصب کلاهک به ستون‌های باریک و ظریف و بلند و طریقه ای که این اجزا را به هم می‌پیوندد و فرو رفتن «میل» در داخل ساختمان بسیار جالب و دیدنی است و تمام قسمت‌های بنا از جزییات معماری بسیار سنجیده و غنی برخوردار است و در کل بر سبک «بروتالیسم» اروپایی تاکید می‌ورزد. با وجود این که مجموعه معماری بنا ساده است، ولی از بیانی معمارانه و بسیار قوی، که انسان را برای مدتی مسحور می‌کند، برخوردار است. این همان احساس فضای معنوی بوعلی است که حکم او درمان همه دردهاست. هوشنگ سیحون به خوبی موفق می‌شود خصوصیات جاودانه و جهانی حکیم را در فضایی معمارانه به نمایش بگذارد. سنگینی و ابهت حجم مکعبی با ستون‌های کوتاه و کلفت و سنگ‌های عظیم به مثابه حکمت حکیم در ترکیب با شفافیت برج با ستون‌های باریک و بلند، که عروج ذهن و فکر را می‌نماید، بیان اکسپرسیو این معماری است. بنا در نهایت سادگی دارای جزییات ساختمانی بسیار مطالعه شده و جالبی است که قدرت خلاقه و تصورات سیحون را در شناخت و استفاده صحیح از به کارگیری مصالح و ادغام آن‌ها در به وجود آوردن فضایی مناسب برای آرامگاه بوعلی سینا را نشان می‌دهد. پلان ساختمان هم حالت یک «لابیرنت» را دارد.

آرامگاه خیام در نیشابور(۱۳۳۸)

این بنا ۱۰ پایه دارد، عدد ۱۰ اولین عدد دورقمی‌ریاضی و پایه اصلی اعداد است. از هر پایه دو تیغه مورب به صورت مارپیچ به سمت بالا می‌رود تا با یکدیگر تلاقی کنند، سقف بنا را بسازند و از سمت دیگر فرود آیند که خود یکی از اشکال پیچیده ریاضی است. این شکل هندسی و عدد ۱۰ هر دو سمبل دانش ریاضی خیام است. برخورد تیغه‌ها با یکدیگر، فضاهایی پر و خالی و به خصوص در بالا ستاره‌هایی درهم را به وجود می‌آورد که از لابه‌لای آنها آسمان آبی نیشابور پیدا است و به تدریج به طرف نوک گنبد، ستاره‌ها کوچکتر می‌شوند و درآخر یک ستاره پنج پر آنها را کامل می‌کند. این ستاره‌ها و نقش آسمان، اشاره به شخصیت منجم خیام دارند.

و اما برخورد تیغه‌ها با هم، ده لوزی بزرگ می‌سازند که با کاشی‌کاری‌هایی به خط نستعلیق شکسته و به روش خطاطان بزرگی مثل میرعماد، به شکل انتزاعی و مدرن از رباعیات خیام پر شده‌اند. از آنجا که شکسته نستعلیق خطی کاملا ایرانی است، ایرانی دوست بودن شاعر در بنا لحاظ شد است.

رباعیات را استاد جلال همایی انتخاب کرد و زیبانویسی‌ها توسط مرتضی عبدالرسولی انجام شد. در تاریخ معماری ایران این اولین بار بود که خط شکسته نستعلیق در تزئینات یک بنا به کار می‌رفت. از داخل نیز همین لوزی‌ها پر از شعر با نقش گل و برگ و پیچک، با کاشی معرق تزیین شدند و تماما اشاره به شخصیت شاعر خیام دارند.

استاد سیحون در جایی گفته‌اند: "دور تا دور برج در کنار چشمه‌سارها، یک دایره وسیع به مرکز خود برج ساخته شد. همه از سنگ گرانیت با اجزاء مثلثی شکل و تورفتگی‌ها و برون آمدگی‌هایی که تا اندازه‌ای شکل خیمه را تداعی می‌کنند و این اشاره به نام خیام است. چون پدرش خیمه دوز بود و نام او به همین مناسبت انتخاب شد."

"از طرف دیگر حوض‌ها [را] با کاشی فیروزه [داریم] که در مجموع قسمتی از ستاره را نشان می‌دهند، به تعداد هفت پر به مفهوم هفت فلک و هفت آسمان و هفت تپه [که] باز اشاره به افلاک و نجوم، دانش دیگر خیام است. روی هم رفته مجموعه در یک حال و هوای شاعرانه با درختان تنومند در اطرافش ساخته شد و همان طور که خواست خود خیام بوده کاملا باز است و مزارش [در] بهاران گل افشان."

آرامگاه کمال الملک

در جوار آرامگاه عطار نیشابوری و در میان باغی در حومه شهر نیشابور واقع است و در سمت غرب آرامگاه خیام و به فاصله دو کیلومتری از آن واقع است. طراح این بنای یادبود استاد هوشنگ سیحون است.

این بنا در نقشه از دو مدول (پیمون) مربعی

شکل تشکیل شده‌است و مستطیلی با تناسب ۱ بر ۲ را می‌سازند. اضلاع مربع در نما با یک قوس نیم دایره خود نمایی می‌کنند؛ حجم بنا از قوس‌هایی متقاطع که بر روی اقطار مربع زده شده‌اند پدید آمده که این فوس‌های متقاطع، «تاق‌های چهاربخش» را که در معماری سنتی ایران بسیار دیده شده‌اند را تداعی می‌کنند و احتمالاً منبع الهام طراح نیز بوده‌است. طراح با بهره‌گیری خلاقانه از قوس و با پیچشی که در ایده کلی آن ایجاد کرده، به نتیجه‌ای ظاهراً متفاوت با هندسه‌ای پیچیده دست یافته‌است. این طرح مبتکرانه به مدد سازه پوسته‌ای بتنی اجرا شده‌است.

در بنای یادبود کمال الملک دو نوع قوس به شرح زیر دیده می‌شود. شش قوس نیم دایره نما که نسبت دهانه به ارتفاع آنها ۱ به ۱/۲ است، چهار قوس متقاطع که بر روی اقطار دیده می‌شوند. لازم به ذکر است که در پایین قوس‌های اصلی نما از روبرو دو قوس کوتاه‌تر نیز وجود دارند که در واقع تلاقی قوس‌های متقاطع هستند. شاید بتوان گفت حجم کلی بنا از پوسته‌ای سه بعدی در فضا حاصل آمده‌است که در یک حرکت نرم دو نوع قوس یاد شده را به هم پیوند می‌دهند. این قوسها و پوشش آنها در بالا، اشکال هندسی مخروطی شکلی را بوجود آورده‌اند که ابتکاری هندسی بوده، اوج خلاقیت معماری را در بهره‌گیری از عناصر معماری سنتی ایران در ترکیبی جدید و موزون نشان می‌دهد. در این بنا نیز همانند آرامگاه خیام هندسه نقشی شایان توجه دارد و پیوند عمیق این بنا را با نظام معماری ایرانی برقرار کرده‌است.

تزیینات استفاده شده برای آرامگاه کمال‌الملک کاشی معرق است که نقوش آنها بسیار هنرمندانه بر روی سطوح منحنی نما بکار گرفته شده‌اند و به سمت خط تقارن قوس‌ها این نقوش کوچک و کوچک‌تر می‌شوند. به گفته طراح، کاشی معرق، معماری کاشان یعنی محل زادگاه کمال‌الملک را یادآور می‌شود. فرم کلی بنا و تزیینات و همچنین رنگ کاشی‌ها، هارمونی بس عجیب با بنای مجاور یعنی آرامگاه عطار دارد، به طوریکه شاید بازدیدکننده در بدو ورود به باغ و در نگاه اول آن دو را دو جزء از یک بنا درک کند!

سنگ مزار کمال‌الملک همچون سایر سنگ‌های مزاری که سیحون در آرامگاه ظهیرالدوله تهران طراحی کرده‌است، یکپارچه از سنگ گرانیت و با بافت خشن بوده، در قسمت بالای سنگ که مرتفع و زاویه دار تراشیده شده‌است، نقش برجسته‌ای از کمال‌الملک توسط شاگرد ایشان مرحوم استاد ابوالحسن صدیقی حجاری گردیده است.

آرامگاه نادرشاه(۱۹۵۸)
مجموعه باغ و موزه آرامگاه

ساختمان جدید آرامگاه نادر شاه افشار به گزارش میراث خبر در تاریخ ۱۲ فرودین ماه سال ۱۳۴۲ با حضور پهلوی دوم به همت انجمن آثار ملی در باغ نادری بازگشایی شد.

نادر شاه افشار فاتح دهلی در هنگام حیات خود دستور به ساخت آرامگاهی کوچک در بالا خیابان مشهد داد. این آرامگاه کوچک در سال ۱۱۴۵ هجری قمری در مجاور چهارباغ شاهی و روبروی حرم امام ضا از خشت و گل ساخته شد. موزه نادری در قسمت اصلی بنای یادبود آرامگاه افشار در ۲ تالار به منظور معرفی آثار تاریخی این دوره شکل گرفته‌است. این بنا به همت انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی توسط مهندس سیحون طراحی و ساخته شده‌است.

تندیس نادر شاه سوار بر اسب به همراه تنی چند از سربازانش بر فراز یک حجم سنگی مرتفع توسط مجسمه ساز شهیر ایرانی زنده یاد استاد «ابوالحسن صدیقی» ساخته شده است.

تالار شماره ۱: این تالار به انواع سلاح‌های دوره افشاریه، تابلوهای نقاشی از نادر و صحنه‌های جنگ، وسایل سوارکاری مانند زین و برگ اسب از دوره افشاریه تا قاجاریه، چند نسخه خطی از جمله تاریخ جهانگشای نادری و دو شمشیر متعلق به نادراختصاص دارد که روی یکی کلمه «السلطان نادر» حک شده و روی دیگراین بیت شعر طلاکوب شده‌است: شاه شاهان نادر صاحب قران هست سلطان بر سلاطین جهان این شمشیر در دشت مغان به سال ۱۱۴۸ هجری در روز تاجگذاری نادر از طرف ملت ایران به وی هدیه شده است.

تالار شماره ۲: این تالار در سال ۱۳۷۳ به مجموعه اضافه شد و در آن انواع سکه، ظروف و دیگر اشیای اهدای از دوره صفویه تا معاصر به نمایش درآمده‌است. همچنین در گوشه شمالی آرامگاه نادر آرامگاه محمد تقی خان پسیان سردار خراسان قرار دارد.

جهانی شدن اقتصاد یا ملی‌گرایی؟

NO GLOBAL

رویدادها و اتفاقات جهانی روز به روز اثرات نیرومند خود را بر اقتصاد جهانی نمایان می‌سازد. به نظر می‌رسد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، مسائل خاورمیانه کسب قدرت انحصاری توسط اردوغان در ترکیه، انتخابات پیش روی آلمان و... باعث شود دیگر ورق به نفع کشورهایی که قبلاً حرف اول را در اقتصاد جهان می‌زدند، برنگردد. از سوی دیگر گرایش به سمت ملی‌گرایی که با روح جهانی شدن اقتصاد کاملاً در تضاد است در برخی از کشورها در حال شکل‌گیری است در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که اقتصاد جهانی به کدام سمت پیش می‌رود؟ آیا انتخاب یک فرد در رأس کشوری مانند آمریکا، فرانسه یا حتی آلمان می‌تواند جهانی شدن را به سمت ملی‌گرایی سوق دهد؟ آیا ملی‌گرایی آفتی برای جهانی‌سازی اقتصاد به شمار می‌رود؟ یا اینکه نظم نوین جهانی تابع متغیرهایی است که نمی‌توان به سادگی آن را تغییر داد. به طور کلی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۷ آبستن چه حوادثی است؟

در این ارتباط دیدگاه چند تن از صاحب‌نظران و تحلیلگران اقتصادی را پیرامون وضعیت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۷ جویا شدیم که در این شماره از نظرتان می‌گذرد.

نقش تعیین‌کننده بانک‌های سرمایه‌گذاری آمریکا

دکتر بهمن آرمان:

این پرسش نه تنها برای ما بلکه برای تمام جهان مطرح است که آیا رویدادهایی مانند ملی‌گرایی، کاهش هژمونی آمریکا، شکل‌گیری قدرت جدید با هم ارتباط دارند. به عبارتی آیا خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، روی کارآمدن یک جریان سیاسی در آمریکا و تقویت گروه‌های ملی‌گرا حاکی از حاکم شدن یک فضای جدید است. من شخصاً به این امر معتقد نیستم، زیرا اقتصاد جهانی یا جهانی شدن اقتصاد عملاً اتفاق افتاده است.

واقعیت این است که جهانی شدن اقتصاد به شکل ریشه‌ای انجام شده است و به سادگی از بین نخواهد رفت. حرف‌های بسیاری در زمان انتخابات آمریکا گفته شد اما نمی‌توان گفت که همه آنها در عمل به نتیجه می‌رسد. همان گونه که دیدیم فرمان آمریکا در خصوص جلوگیری از ورود اتباع هفت کشور به آمریکا با مشکل روبرو شده

است. در ساختار سیاسی و اداری کشورهای دارای دموکراسی ریشه‌دار، قدرت تنها در اختیار یک شخص نیست بلکه قدرت تقسیم شده است و برخی از مشاغل به هیچ عنوان ارتباطی با رئیس جمهور ندارند. از سوی دیگر تولید، جهانی شده است. این مسئله ابتدا با اتحادیه زغال‌سنگ و فولاد در اروپا ایجاد شد. سپس بازار مشترک و اتحادیه اروپا شکل گرفت. علت این بود که آنها به دلایلی نمی‌توانستند با دو رقیب خود یعنی ژاپن و آمریکا رقابت کنند. به همین دلیل کشورهای اروپایی با یکدیگر متحد شدند. در حال حاضر مشاهده می‌کنید که بازار جهانی کار، یک بازار تقسیم شده است. برای مثال در اروپا لوازم خانگی تولید نمی‌شود و تولید این نوع از محصولات در کره جنوبی متمرکز شده است. بنابراین اقتصاد، جهانی شده است. زیرا تولید در مقیاس‌های پایین اقتصادی نیست و باید بازار بزرگتری تغذیه شود. علاوه بر این روابطی به وجود آمده و ضلع دیگری به تعیین هیأت حاکمه آمریکا اضافه شده است. در گذشته شرکت‌های نفتی، خودروسازها و شرکت‌های تولیدکننده جنگ‌افزار هیأت حاکمه آمریکا را تعیین می‌کردند اما اکنون بانک‌های سرمایه‌گذاری به عنوان یک نهاد چهارم اضافه شده است. بانک‌های سرمایه‌گذاری قیمت ارز، نرخ برابری ارزها، قیمت طلا، نفت و... را تعیین می‌کنند. از ۱۰ بانک سرمایه‌گذاری بزرگ جهان، چهار بانک اول آمریکایی است. به عبارتی کنترل‌ها به شدت در حال انجام است.

غول‌های تأثیرگذار در اقتصاد جهانی

دکتر محمود جامساز: انتخاب ترامپ یک شگفتی در سطح جهان به شمار می‌رود. در آن زمان هیچ یک از سازمان‌های مطرح آمارگیری در سطح جهان تصور نمی‌کردند ترامپ بر کرسی ریاست جمهوری آمریکا تکیه بزند حتی در مورد برگزیت چنین تصوری وجود نداشت.

طرح این موضوع از سوی بوریس جانسون وزیر امور خارجه فعلی بریتانیا همه را متعجب ساخت زیرا این اتحادیه به عنوان یک قدرت باید در برابر قدرت چین و آمریکا عرض اندام می‌کرد. اما در کمال شگفتی طی یک رفراندوم، بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شد. اگر چه پس از برگزاری رفراندوم رشد اقتصادی انگلیس و اتحادیه اروپا با افزایش روبرو شد اما پس از آن سیر نزولی پیدا کرد و در درازمدت این مسئله به زیان آنها خواهد بود. به نظر می‌رسد در ادامه کشورهایی مانند یونان، اسپانیا و ایتالیا که بدهی هنگفتی به اتحادیه اروپا دارند به تدریج زمزمه خروج از اتحادیه اروپا را سر دهند. این مسئله تضعیف اتحادیه اروپا را به دنبال خواهد داشت.

به هر حال مسائل سیاسی و اقتصادی را نمی‌توان از هم تفکیک کرد. در حال حاضر اقتصاد در دنیا، به اقتصاد سیاسی تبدیل شده است. سازمان‌های بزرگ، شرکت‌های چندملیتی به خصوص شرکت‌های مجازی مانند اپل، گوگل، فیسبوک و توئیتر غول‌هایی هستند که تصمیماتشان در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای بزرگ مانند آمریکا و اتحادیه اروپا و... بسیار تأثیرگذار است. به طور کلی انتخاب ترامپ حاصل مطالباتی بود که هیچ یک از جمهوری‌خواه‌ها و دموکرات‌ها به آن توجه نداشتند. مطالبات بخش عظیمی از جامعه آمریکا که در فراموشی به سر می‌بردند. امروزه جامعه آمریکا راحتی و آسایش قبل را ندارد و شکاف طبقاتی بالاست. هر چند سطح زندگی طبقه متوسط یا پایین آمریکا بسیار بالاتر از طبقه متوسط یک کشور توسعه‌یافته است. در آمریکا به نوعی پس‌انداز اجباری وجود دارد و مردم بر اساس پولی که در آینده دریافت خواهند کرد، زندگی می‌کنند اما به مرور زمان اختلافات بسیار زیاد به افزایش مطالباتی دامن می‌زند که سال‌ها فروخورده شده است. اولین کار ترامپ خروج از پروتکل بین‌المللی زیست‌محیطی بود که امضای ۹۰ کشور جهان را داشت. همچنین ترامپ از پیمان تجاری از پیمان تجاری اقیانوس آرام (TPP) که کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند ژاپن، کره جنوبی، تایوان، ویتنام، برونئی، سنگاپور، مکزیک، کانادا، شیلی و... عضو آن بودند، بیرون آمد. از دیگر اقداماتی که ترامپ بلافاصله انجام داد امضای محدودیت بر مهاجرت بود. البته این مسئله نشان داد که هنوز می‌توان در خصوص دموکراسی در آمریکا صحبت کرد از سوی دیگر ترامپ احداث خط لوله از کانادا به آمریکا را که توسط دولت اوباما به دلیل مسائل زیست‌محیطی اجرا نشد، آغاز کرد. ترامپ حالا قصد دارد آمریکا را دوباره بسازد و قدرت و اقتصاد را به آمریکا باز گرداند. او خود را یک اقتصاددان می‌داند البته ممکن است این کارها در شروع خوب باشد و تا حدودی تولید ناخالص داخلی و تقاضا را افزایش دهد.

براین اساس پیش‌بینی روشی نمی‌توان از اقتصاد سال ۲۰۱۷ داشت. شاید انتخاب رئیس جمهور جدید فرانسه تا حدودی معادلات جهان را تغییر دهد. رئیس فدرال رزرو آمریکا پس از ۱۰ سال برای تقویت دلار، نیم درصد نرخ بهره فدرال رزرو و نیم درصد نرخ بهره کوتاه‌مدت بین بانکی را افزایش داد. این کار کشورهای طرف معامله با آمریکا را دچار مشکل می‌کند و در فراز و انتقال سرمایه‌ها تأثیرگذار و در کُند شدن یا افزایش رشد اقتصادی مؤثر است. بدون شک اقتصاد در سال ۲۰۱۷ با مسائل سیاسی و اقتصادی مرتبط است، براساس پیش‌بینی نشریه «اکونومیست» رشد اقتصادی ۱۰ کشور در سال ۲۰۱۷ افزایش می‌یابد که یکی از آنها یمن جنگ‌زده است. این امر نشان می‌دهد فعالیت‌هایی برای ایجاد صلح در یمن ادامه دارد لذا این معادلات سیاسی است که معادلات اقتصادی را تعیین می‌کند. به هر حال باید منتظر ماند و دید چه اتفاقاتی به خصوص در خاورمیانه رخ خواهد داد./

منبع: نشریه اقتصاد جهان- شماره ۲۶۴ - اردیبهشت و خرداد ۹۶

اشاره : در پی سوءاستفاده یک شرکت از مقررات مربوط به آگهی مناقصه که موجب ورود خسارت به یکی از شرکت‌های عضو سندیکا شده است، گزارش جزئیات مربوط به این اتفاق جهت اطلاع اعضا به هیات مدیره سندیکا منعکس شده است با توجه به ضرورت هوشیاری اعضای سندیکا در مقابل وقایع مشابه متن نامه مکتوب «شرکت کاربردکار» منتشر می‌شود.

شماره: ۰۷/۰۵/۴۷۲
تاریخ: ۹۶/۰۶/۰۴
پیوست:

کاربردکار

شرکت کاربردکار
(سهامی خاص)
ساختمانی ـ تاسیساتی
شماره ثبت : ۸۳۸۱۵

بسمه تعالی

سندیکای شرکتهای ساختمانی

با سلام و احترام به استحضار می رساند :

شرکتی به نام شرکت فرآیند نوین توسعه با انتشار آگهی مناقصه ای در اردیبهشت ۹۶ برای طراحی و اجرای فاز یک مجتمع صنعتی ۱۲ هکتاری به روش EPC در زنجان خواستار ارسال پیشنهاد قیمت گردید.

شرکت کاربردکار (عضو آن سندیکا) با خرید اسناد مناقصه، اقدام به تهیه پیشنهاد و تنظیم اسناد مربوطه سپردن ضمانت نامه شرکت درمناقصه بمبلغ ۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال طبق شرایط مناقصه نمود در تاریخ ۹۶/۰۵/۲۴ طی فکسی به امضای "مسئول برگزاری مناقصات کمیسیون معاملات" اعلام شد . نظر به اینکه مراحل ارزیابی به اتمام رسیده تا ۹۶/۰۵/۲۸ کلیه نقشه های اجرائی را ارسال و نسبت به واریز مبلغ ۷۰،۰۰۰،۰۰۰ریال بابت هزینه های درج آگهی اقدام نمایند و عدم انجام اینکار بمنزله انصراف خواهد بود و چون طی نامه ای به شرکت مزبور توضیح داده شده که نه اعلام برنده ای شد، نه قراردادی منعقد گردیده و نقشه های کار بخشی از قرارداد EPC است که بایستی طبق برنامه زمان بندی در هنگام قرارداد تحویل داده شود . شرکت مزبور طی نامه ای با مراجعه به بانک خواستار ضبط ضمانت نامه به لحاظ عدم اجرای تعهدات گردید.

نظر به اینکه کل وقایع اتفاقیه نشانه بارزی از اخاذی و تحصیل مال نامشروع محسوب می شود مراتب از طریق قوه قضائیه تحت پیگیری است چون ممکن است مشابه اینکار با دیگر شرکت کنندگان در مناقصه نیز انجام شده باشد. تقاضا دارد دستور فرمایند مراتب به کلیه شرکت های عضو آن سندیکا برای هرگونه پیشگیری و یا اقدام لازم، اطلاع رسانی گردد.

با تجدید احترام
سید حسن رضوی
مدیرعامل

کاربرد کار
شماره ثبت ۸۳۸۱۵

تهران: بزرگراه اشرفی اصفهانی ، ابتدای خیابان پیامبر شرقی ، خیابان شاهد ، کوچه وحدت ۴
پلاک ۲۰ ، طبقه سوم ، واحد ۶
کد پستی : ۱۴۷۳۶۸۴۸۷۷
تلفن : ۱۶ -۶۱۴ ۹۵۰ ۴۴
فکس : ۴۴۹۵۰۶۱۳

No. 20, Apt. 6 ,Vahdat 4th.Alley,
Shahed St., Payamber Ave.,
Ashrafi Esfahani Blvd.,
Tehran,1473684877 , Iran.
Tel : +(9821) 449 50614-16
Fax : +(9821) 449 50613
Karbordkar@gmail.com
info@karbordkar.com

HSE MS Registered Firm IMQ
ISO 14001 Registered Firm IMQ
OHSAS 18001 Registered Firm IMQ
ISO 9001 Registered Firm IMQ

مهندس احمد شیرخانی
مدیرعامل شرکت محورماشین:

به جایگاه قبلی بازخواهیم گشت

یک سال خدمات پس از فروش بدون محدودیت در ساعت کارکرد ماشین‌آلات کوماتسو تضمین شده است

شرکت محورماشین از جمله شرکت‌های با سابقه در زمینه تامین ماشین‌آلات صنعت معدن و عمران کشور است. این شرکت از سال ۱۳۷۲ با انعقاد قرارداد رسمی با شرکت کوماتسوی ژاپن به عنوان نماینده رسمی آن شرکت وارد عرصه تأمین خدمات فنی ماشین‌آلات کوماتسو در ایران گردید. در سال‌های گذشته با تحریم‌هایی که علیه کشور وضع گردید، در زمره شرکت‌های تحریم شده قرار گرفت اما با تلاش و پشتکار از استمرار خدمت رسانی در عرصه سازندگی کشور دست نکشید و در حوزه خدمات پس از فروش به تلاشگران عرصه معدن و عمران کشور ایفای نقش نمود. حال پس از رفع تحریم‌ها و در دوره پسا برجام شرکت محورماشین فعالیت خود را با قدرت وصلابت بیشتر از پیش ادامه داد و در حال گسترش زمینه فعالیت‌های خود می‌باشد که به همین بهانه مصاحبه‌ای با آقای مهندس احمد شیرخانی مدیرعامل این شرکت انجام داده‌ایم که در پی می‌آید.

• در ابتدا لطفاً شرح مختصری از تاریخچه شرکت محورماشین بفرمایید.

شرکت محورماشین (سهامی‌خاص) در سال ۱۳۷۲ تأسیس و در همان سال پس از انعقاد قرارداد با شرکت کوماتسوی ژاپن به عنوان نماینده رسمی آن شرکت وارد عرصه تأمین خدمات فنی ماشین‌آلات کوماتسو در ایران گردید و در زمینه تامین و خدمات ماشین‌آلات معدنی و عمرانی کشور فعالیت نمود. در حال حاضر نیز علاوه بر نمایندگی رسمی کوماتسو، با قراردادی که سال گذشته با شرکت تادانو و ساکایی منعقد گردید نمایندگی رسمی برند تادانو که شامل جرثقیل‌های موبایل و پشت کامیونی و ساکایی که غلتک می‌باشد را نیز دارا است و به تامین ماشین‌آلات، قطعات و ارائه خدمات این سه برند می‌پردازد.

• چه شد که مدتی شرکت محورماشین در زمینه فروش ماشین‌آلات فعالیت نداشت؟

همانطور که اطلاع دارید از سال ۹۰ کشور عزیزمان مورد تحریم‌های ناجوانمردانه قرار گرفت و یکی از شرکت‌هایی که از آن تحریمها متاثر شد شرکت محورماشین بود و با توجه به شرایط آن دوره، شرکاء خارجی ما اجازه فروش ماشین‌آلات به ما ندادند و متعاقباً فعالیتهای محورماشین محدود و صرفاً در قالب تامین قطعات، خدمات تعمیرگاهی و سیار و آموزش انجام شد.

• در حال حاضر فعالیت محورماشین به چه صورت می‌باشد؟

از سال ۱۳۹۵ با توجه به توافقنامه برجام و رفع تحریمها، فعالیتهای تهیه و فروش ماشین‌آلات شرکت از سر گرفته شد و به دلیل اینکه علاوه بر برند کوماتسو، نمایندگی تادانو و ساکایی نیز در اختیار این شرکت است، پر قدرت تر از قبل همراه با تکنولوژی‌های جدید این صنعت به دنبال کسب سهم بازار و ارائه خدمات مناسب به مشتریان این صنعت می‌باشیم.

• به خدمات محورماشین اشاره کردید در این خصوص چه مزیت ویژه‌ای خلق کرده‌اید؟

از گذشته تیم سرویس شرکت محورماشین همواره پشتیبان و در کنار مشتریان خود

بوده است. بازدیدهای دوره‌ای، تعمیرات سیار، خدمات تعمیرگاهی و تامین قطعات، آموزشهای نگهداشت، به کارگیری (اپراتوری) و بهره‌وری از ماشین‌آلات جزء بهترین خدمات در بین شرکت‌های مرتبط با این صنعت می‌باشد، که البته این خدمات در دوره تحریم محورماشین نیز استمرار داشته است.

دریافت تندیس رتبه اول خدمات پس از فروش از سازمان بازرسی و کیفیت استاندارد ایران (ISQI) در بین تمامی‌عرضه‌کنندگان ماشین‌آلات عمرانی، معدنی در سال‌های متمادی خود گواه این مهم می‌باشد.

در دوران تحریم با توجه به عدم ورود ماشین‌آلات نو برندهای مطرح دنیا و با عنایت به این نگرش که ماشین‌آلات معدنی و عمرانی کشور، ابزار و سرمایه ملی می‌باشند محورماشین جهت ایفاء نقش خود در چرخش چرخهای کشور در این بخش و نگهداری و حفاظت از این ماشین‌ها با تمرکز بر ارائه خدمات تعمیری گسترده مانند استقرار تیمهای تعمیراتی سیار در معادن بزرگ کشور، تهیه قطعات و به حداقل رساندن خواب دستگاه‌ها و نیز با تدوین دوره‌های آموزشی- عملی سرویس و نگهداری، اپراتوری و راهبری صحیح دستگاه، استفاده موثر و مدیریت نگهداری و بهره‌وری، همواره در سایت مشتریان حضور داشته و ارتقاء دانش و مهارت نیروهای مرتبط با ماشین‌آلات را در برنامه خود قرار داده است.

• برنامه‌های فروش ماشین‌آلات محورماشین چگونه است؟

در دوره جدید فروش دستگاه‌های روز و مدلهای جدید هرکدام از گروه‌های ماشین‌آلات در برنامه شرکت محورماشین می‌باشد. این توضیح را هم اضافه کنم که در چند سال گذشته و با توجه به شرایط شرکت محورماشین برخی افراد اقدام به ورود دستگاه‌های کارکرده و دست دوم به کشور کردند که مشکلاتی را برای پیمانکاران و مشتریان به وجود آورد که با بررسی صورت گرفته عموماً این دستگاهها از کار افتاده و دچار مشکل شده‌اند.

با توجه به این موارد محورماشین اقدام به تامین ماشین‌آلاتی کرده است که علاوه بر تکنولوژی روز، منطبق با شرایط اقلیمی و خصوصاً سوخت کشور باشد و ضمانت خدمات پس از فروش ما موید این موضوع است. که البته سابق بر این نیز چنین بوده است.

• شاخص‌های تمایز محورماشین با رقبا چیست؟

ارائه خدمات مناسب و مطابق با استانداردهای بین‌المللی توسط تیمهای سرویس شرکت، کیفیت مطلوب محصولات از برندهای معتبر ژاپنی، مهمترین تمایز و ویژگی محورماشین در این صنعت می‌باشد. البته در سالهای گذشته با توجه به شرایط محورماشین و کشور، ماشین‌آلات چینی، کره‌ای و هندی وارد کشور شده‌اند که اساساً امکان تامین مستمر نیاز حداکثری مشتری در عملکرد را نداشته‌اند و در خدمات پس از فروش که مهمترین شاخص تعیین‌کننده برای خرید می‌باشد موفق عمل نکرده‌اند. با توجه به امکان استفاده از پشتیبانی کامل شرکتهای کوماتسو، تادانو و ساکایی به عنوان برترین تولیدکنندگان ژاپنی، جهت دستیابی به مدیریت بهینه بهره‌برداری و مدیریت ایمنی و عملکرد ماشین‌آلات، تنها در پشتیبانی چنین محصولاتی قابل تامین و ارائه خواهد بود و لازم است پیمانکاران و مدیران اجرایی بیشتر مورد توجه قرار دهند.

در زمینه خدمات تعمیرگاهی همواره تعمیرات انجام شده توسط محورماشین از نظر استاندارد سازنده و کیفیت مورد انتظار در صدر تعمیرات کشور بوده و می‌باشد، تعمیرات کامل دستگاه که به اورهال یا تعمیرات اساسی معروف است معمولا در نمایندگی دیگر برندها و یا حتی در بازار به ندرت انجام می‌شود در حالی که بخش اورهال محورماشین و کیفیت اورهال ما به عنوان کیفیت برتر تعمیرات همیشه توسط حتی رقبا تصریح شده، امکانات تعمیرگاهی ما مانند بخش تست موتور در کشور تقریبا بی‌رقیب است. تعمیرگاه و دانش فنی تعمیراتی محورماشین همیشه در بالاترین سطح می‌باشد به طوری که در ارزیابی‌های سازمان بازرسی و کیفیت استاندارد ایران ISQI طی

> **بازدیدهای دوره‌ای، تعمیرات سیار، خدمات تعمیرگاهی و تامین قطعات، آموزش‌های نگهداشت، به کارگیری (اپراتوری) و بهره‌وری از ماشین‌آلات جزء بهترین خدمات در بین شرکت‌های مرتبط با این صنعت می‌باشد، که البته این خدمات در دوره تحریم محورماشین نیز استمرار داشته است.**

چند سال اخیر بیشترین امتیاز خدمات پس از فروش را در بین همه نمایندگی‌های موجود کشور کسب کرده است به عنوان مثال سال گذشته امتیاز خدمات تعمیرگاهی محورماشین ۹۸ از ۱۰۰ بوده است.

یکی دیگر از شاخص‌های تمایز ما، سرمایه‌گذاری در یادگیری و انتقال تکنولوژی ماشین‌آلات جدید و تربیت نیروهای فنی و متخصص و سپس اقدام به واردات و فروش ماشین‌آلات می‌باشد. به طور مثال از ابتدای سال ۹۴ تا کنون جدا از دوره‌های مدیریتی و مهارتی، مدرسان آموزش و کارشناسان محورماشین در بیش از ۷ دوره آموزشی مرتبط با ماشین‌آلات جدید که توسط کوماتسو در خارج از ایران و همچنین ۱۲ دوره آموزشی که در داخل ایران توسط شرکت‌های کوماتسو، تادانو و ساکایی برگزار گردیده به میزان ۱۰۴۰ نفر ساعت شرکت و با بروزرسانی دانش خود بیش از ۴۲ دوره آموزشی به میزان ۳۶۸۰ نفر ساعت آموزش به تکنسین‌های فنی و تیم پشتیبانی فنی منتقل و این تیم‌ها را جهت پشتیبانی از محصولات جدید کاملا آماده نموده است.

• چه برنامه‌هایی برای آینده فعالیت‌های محورماشین دارید؟

برنامه شرکت محورماشین در سه اصل اساسی کلان خلاصه می‌شود: ۱- مشتری‌مداری در بالاترین سطح کیفی خدمات پس از فروش ۲- بزرگترین تامین‌کننده ماشین‌آلات عمرانی، معدنی کوماتسو در منطقه (تولید و صادرات) ۳- بالاترین سهم از بازار در صنعت ماشین‌آلات عمرانی، معدنی در کشور تا سال ۱۴۰۰

• در پایان اگر توضیح و یا نکته جا مانده‌ای دارید، بفرمایید.

امیدوارم در آینده نزدیک شاهد رشد اقتصادی مضاعف در کشور باشیم و ما هم به عنوان عضو کوچکی از این خانواده بزرگ بتوانیم در توسعه امور زیربنایی کشور موثر بوده و در کنار تلاشگران عرصه سازندگی کشور قدم برداریم.